

شیخ نمر؛ شہید حقیقت و قربانی جہالت

گفتگوی اختصاصی با مشاور پیشین وزیر دارائی عربستان

گفتگو با شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب اللہ

گفتگو با نوآم چامسکی

فهرست مطالب

ایران در جهان

۳



- ۴ گفتگو با «آرشین ادیب مقدم» استاد دانشگاه لندن.....
- ۵ گفتگو با «اونیورت» مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا
- ۷ گفتگو با «کنت روث» مدیر اجرایی دیده بان حقوق بشر.....
- ۱۰ اهداف منطقه ای و داخلی ریاض از اعدام شیخ نمر و قطع روابط با ایران

خاورمیانه و شمال آفریقا

۱۶



- ۱۷ اهمیت نبرد الرمادی در جنگ با داعش در عراق.....
- ۲۰ گفتگو با «شیخ نعیم قاسم» معاون دبیر کل حزب الله لبنان.....
- ۲۰ گفتگو با «نوآم چامسکی» نظریه پرداز آمریکایی.....
- ۲۳ گفتگو با «طلال عترسی» تحلیلگر لبنانی.....

اروپا

۳۰



- ۳۱ گفتگو با «میکائیل بارون فون اونگرن» سفیر آلمان در ایران.....
- ۳۳ ریاکاری اروپا و عربستان سعودی درباره آوراگان.....
- ۳۵ عضویت مونتس نگرو در ناتو.....
- ۳۶ اروپا به دنبال حلقه گمشده ای به نام امنیت.....

آسیا

۳۷



- ۳۹ گفتگو با «سمیه ثاقب اکبر» دبیر کل شورای همبستگی ملی پاکستان.....
- ۴۳ تلاش چین برای احیای جاده ابریشم مجازی.....
- ۴۴ پیوستن هند به پیمان پاسفیک تلاش برای کنترل «بریکس» است.....

آمریکا

۴۶



- ۴۷ گفتگو با «برایان فریدنبرگ» عضو شورای بین الملل روسیه.....
- ۴۹ گفتگو با «دانیل سرور» مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا.....
- ۵۰ گفتگو با «گری بیکر» استاد دانشگاه پنسیلوانیا.....
- ۵۱ توطئه واشنگتن در آمریکای لاتین.....



شناختنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: مهدی پورحسینی، علی کاووسی نژاد، بنفشه اسماعیلی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰

پست الکترونیک: world@mehrnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



ایران در جهان

دبیر: پیمان یزدانی

آرشین ادیب مقدم:

ورود به رقابت ناتو و روسیه به نفع ایران نیست

جواد حیران نیا - مهدی ذوالفقاری

رئیس مرکز مطالعات ایرانی دانشگاه لندن معتقد است ورود به رقابت ناتو و روسیه برای ایران سودی ندارد و حفظ موازنه مقابل هر دو طرف بهترین راه تأمین منافع تهران است.

در روزهای گذشته شاهد بودیم که دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نامه ای را به منظور دعوت از مونتو نگر و برای عضویت در این سازمان غربی نظامی برای مقامات نظامی این کشور ارسال کرد. این امر برای بسیاری از کارشناسان حوزه بین الملل به معنی اضافه شدن عضو جدیدی به ناتو آن هم کشوری که در شرق اروپا واقع شده بوده تا غرب از این طریق بتواند به موازنه قدرت بزرگی در برابر روسیه بپردازد. خبرنگار مهر برای بررسی این موضوع گفتگویی را با دکتر آرشین ادیب مقدم استاد دانشگاه لندن به انجام رسانده است تا از این رهگذر آثار و تبعات آن را برای روسیه مورد مذاقه بیشتری قرار دهد.

«آرشین ادیب مقدم» استاد روابط بین الملل و استاد کرسی اندیشه جهانی و فلسفه های تطبیقی و رئیس مرکز مطالعات ایرانی دانشگاه لندن است. کتاب «سیاست بین المللی در خلیج فارس» نوشته آرشین ادیب مقدم که به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده از جمله آثار بسیار مهم در حوزه مطالعات خلیج فارس است.



یکسان از هر دو اقدام نماید.

اعضاء ناتو بر اساس هنجارهای دموکراتیک خود مجبور به پیروی از رفتارهای مناسب در سیاست های داخلی خود هستند. مونتو نگر و نیز در این راستا، برخوردار از دموکراسی الهام بخشی در اروپا است. مونتو نگر و نیز به عنوان یک کشور کوچک طبیعی است که به دنبال چتر امنیتی ناتو آن هم در غیاب هر گونه گزینه جایگزین برای خود باشد.

به عقیده این کشور، ناتو برای شرق اروپا تهدید کمتری به شمار می آید. اکنون چالش اصلی برگرداندن روسیه و ایجاد تمهیدات اعتمادسازی است که لازمه آغاز آن همکاری در بحران های بین المللی نه تنها در سوریه، بلکه در افغانستان و اوکراین خواهد بود.

|| در صورت پیوستن مونتو نگر و به ناتو، واکنش روسیه چه خواهد بود؟

همانطور که پیشتر نیز گفتیم، روسیه این اقدام مونتو نگر را یک عمل تحریک آمیز و نمونه دیگری از گسترش ناتو به شرق قلمداد می کند. مسکو نیز در مقابل به تجهیز نظامی مناطق غربی خود مبادرت ورزیده و تسلیحات و نیروی نظامی بیشتری را در این نقاط مستقر خواهد نمود.

|| گسترش ناتو به شرق چه تأثیراتی بر امنیت ملی ایران دارد؟

اتخاذ سیاستی مبنی بر حفظ فاصله از روسیه و ناتو به نفع ایران است. به عقیده من در صورت تداوم رویه دیپلماسی ایران در قبال آمریکا، ناتو تهدیدی برای ایران محسوب نمی شود. بهره مندی از روابط دیپلماتیک با آمریکا یکی از چالش های سیاست خارجی ایران است. آنگونه که من دیدم، این امر برای اواما ممکن بود؛ برای جرج دابلیو پوس این مسأله ممکن نبود و البته برای ترامپ اصلاً مقدور نخواهد بود.

به شخصه می توانم همکاری ایران با ناتو در بحران های بین المللی را در مواردی که برای حل و فصل صلح آمیز آن ها مؤثر باشد تصور کنم. ناتو یک واقعیت تأسف بار برای نظام بین المللی کنونی است.

همکاری با هر دوی این بازیگران و دوری از کشانده شدن در رقابت با آن ها که برای منافع ایران و امنیت مردم آن هیچ سودی ندارد برای ایران لازم است. همانطور که در مصاحبه های پیشین خود نیز گفتیم ضرورت توازن در سیاست خارجی ایران وجود دارد تا از این طریق چرخش سیاست خارجی ایران توسعه یافته و تأثیرگذاری آن نیز بیشتر گردد.

آفریقا داشته باشد.

تمام آنچه گفته شد به این دلیل است که ناتو ذاتاً یک نهاد نظامی است. به دنبال پایان یافتن جنگ سرد، من ناتو را در قالب «سازمان صلح و دیپلماسی جهانی» نامگذاری کردم. جالب نیست؟ آمریکا نیز در این ایام از یک فرصت خوب تاریخی برای خلق یک نظم جهانی متفاوت برخوردار بود تا بتواند پتانسیل به وجود آمده را با هدف جایگزین کردن فلسفه صلح به جای نظام مبتنی بر جنگ به کار بندد. به عبارت دیگر، بشریت این فرصت منحصر به فرد را به دلیل ناتوانی حکام خود در شرق و غرب از دست داد.

|| بر اساس رخدادهای کنونی، به نظر شما آیا تنش ها در روابط روسیه و ترکیه افزایش خواهد یافت؟

«بنس استولتنبرگ» دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیش از نشست دو روزه وزراء امور خارجه عضو ناتو در سخنانی سامانه های دفاع هوایی اس-۴۰۰ را «بخشی از رفتاری خواند که از طریق آن روسیه برای آنچه کسب توانمندی های پرواز ممنوع نامیده می شود، اهتمام خود را به کار برده است.» لذا این امر محتمل به نظر می رسد.

|| واکنش ناتو به استقرار پدافند ضد هوایی پیشرفته اس-۴۰۰ در سوریه چه خواهد بود؟

ناتو در تاریخچه خود به مثابه یک گروهان می ماند. این سازمان به عنوان یادگاری از جنگ سرد و با همه تأثیرات ویرانگری که بر روابط بین الملل از خود به یادگار گذاشته است، دارای جایگاه مطلوبی برای اشاعه صلح و دیپلماسی بشردوستانه نیست. پس از اتمام دوران جنگ سرد، ناتو می بایست به گونه ای کاملاً متفاوت تغییر شکل می یافت. اما در عوض، متعاقب پایان عصر کمونیسم و شوروی سابق، دولت هایی که یکی پس از دیگری در آمریکا به روی کار می آمدند، از این اتحادیه برای جنگ افزوری در سراسر جهان بهره گرفتند. این امر باعث شد تا ناتو به تعقیب اهداف مورد نظر خود مشغول شود.

بحرانی که اکنون شاهد آن هستیم نمونه رشد یافته ای از این بافت تاریخی و طرز تفکر موجود در درون سازمان هایی مانند ناتو به شمار می آید. بر این اساس، نمی توان از مضامینی از قبیل «دیده بان حقوق بشر» یا «عفو بین الملل» در اینجا سخنی به میان آورد. ناتو یک اتحادیه نظامی است و عملکرد آن نیز بر این اساس استوار است. لذا می توان نتیجه گرفت که واکنش ناتو به استقرار سامانه پدافند هوایی اس-۴۰۰ در سوریه از نوع واکنش های نظامی باشد.

در این خصوص می توان گفت که ناتو احتمالاً دولت های نزدیک در خط مقدم سوریه به ویژه ترکیه را تجهیز کرده تا از طریق ارسال جنگ افزارهای نظامی بیشتر، به ایجاد یک مقابله فنی در برابر تسلیحات روسیه مبادرت نماید. این گونه اقدامات، تخریب دو طرف درگیر در این ماجرا است؛ یعنی روسیه از یک سو و از سویی دیگر، ناتو که تا کنون نتوانسته است ایفای نقش سازنده ای را در هیچ یک از موقعیت های بحرانی غرب آسیا و شمال

|| برخی چین استدلالات می کنند که ناتو به دلیل عدم همخوانی سیاست هایش با ترکیه در سوریه به درگیر کردن آنکارا در این بحران اقدام نموده است. آیا شما با این تفکر موافقت می کنید؟

خیر. ترکیه در وضعیت چانه زنی مطلوبی قرار دارد. موقعیت ژئوپلیتیک این کشور به همراه حضور گسترده در غرب آسیا و شمال آفریقا از دلایل مهم مذکور برای آنکارا هستند. در واقع تخنگان حاکم در این کشور پس از جنگ سرد متوجه این مهم شده بودند که می بایست اهمیت خود را برای ناتو به عنوان یک کشور پیشرو بازتعریف کنند. حضور فعال تر ترکیه در منطقه نیز تا حدی به موجب همان بازتعریف جایگاه و موقعیت آنکارا به عنوان یک بازیگر مهم در سیاست گذاری غرب آسیا و شمال آفریقا (WANA) است.

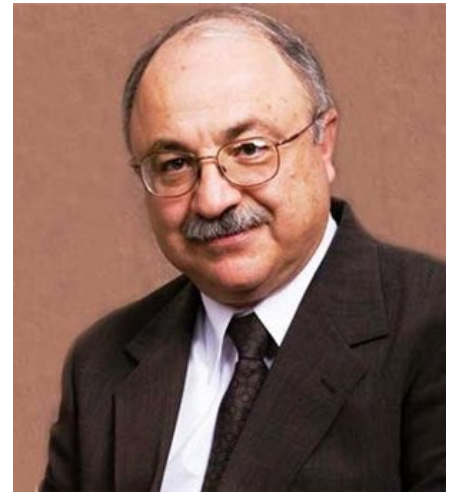
|| چرا ناتو از مونتو نگر و برای عضویت در این سازمان دعوت کرده است؟ آیا اقدام در راستای گسترش به شرق محسوب می شود؟

گسترش خصمانه ناتو به شرق بخشی از مشکل ناتو با روسیه ست. از نظر روسیه، یک اتحادیه نظامی زیادی خواه به سیاست گذاری دو قطبی جنگ سرد گام نهاده و لذا مسکو به ناتو تنها در قالب یک تهدید نگاه می کند. سیاستمداران غربی به دلیل فقدان اطلاعات راهبردی در این زمینه از درک این پویایی ناتوان مانده اند. این در حالیست که روسیه درک راهبردی بهتری از عرصه سیاست جهانی دارد؛ اما روسیه نیز به دلیل ساختار قدرت داخلی نمی تواند به خنثی سازی ایدئولوژی مورد تأکید ناتو یعنی آزادی و دموکراسی آن هم با روایتی قدرتمند و

گفتگو با استاد دانشگاه آلاباما آمریکا:

قانون ضد روادید آمریکاناقض ماده ۲۹ برجام است

بیمان بزدانی



پروفسور «نادر انتصار» معتقد است محدودیت های روادید جدید که توسط رئیس جمهور اوباما امضا شد ناقض ماده ۲۹ برجام است. اقدام کنگره آمریکا در تصویب قانونی که موجب اعمال محدودیت های صدور روادید برای آن دسته از افراد اروپایی می شود که به ایران سفر کرده اند واکنش هایی را از سوی ایران و برخی کشورهای اروپایی داشته است. برخی کارشناسان و تحلیلگران تصویب چنین مصوبه ای از سوی کنگره آمریکا را ناقض توافق هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ می دانند که با هدف سنگ اندازی در مسیر اجرایی شدن برجام است. امری که برخی معتقدند نشانه های عدم تمایل رئیس جمهور بعدی برای اجرایی کردن برجام است. با انتقال برخی از کارشناسان و صاحب نظران همانند «گری سیک» مشاور امنیت ملی ۳ رئیس جمهور پیشین آمریکا بر این باورند که رئیس جمهور بعدی آمریکا هر کسی که باشد

به خاطر تبعاتی که عدم اجرای برجام می تواند برای وجهه و جایگاه بین المللی آمریکا داشته باشد، مجبور به اجرای برجام خواهد بود هر چند این کار را در مقایسه با دولت اوبا با اشتیاق کمتری بگیری کند. پروفسور «نادر انتصار» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا در خصوص این مسئله که آیا رئیس جمهور بعدی آمریکا برجام را اجرا خواهد کرد یا خیر گفت: رئیس جمهور بعدی آمریکا سعی خواهد کرد توافق هسته ای با ایران را لغو کند ولی این کار را از طرق غیر مستقیم انجام خواهد داد. انتصار در ادامه افزود: ما قبلا هم شاهد نمونه هایی از چالش های غیر مستقیم ایجاد شده از سوی کنگره آمریکا در راه اجرایی شدن برجام بوده ایم. محدودیت های روادید جدید که توسط رئیس جمهور اوباما امضا شد ناقض ماده ۲۹ توافق هسته ای جامع (برجام) است. وی همچنین درباره تاثیر جمهوری خواه بودن احتمالی رئیس جمهور آمریکا بر روند اجرایی برجام تصریح کرد: در صورتیکه رئیس جمهور بعدی آمریکا از میان جمهوری خواهان باشد ما شاهد اقدامات پشت پرده بیشتری از این دست از سوی کنگره خواهیم بود. اقداماتی که با هدف متوقف کردن اجرای برجام بطور غیر مستقیم اتخاذ خواهند شد. با این طریق سعی خواهد شد بطور غیر علنی اجرای برجام متوقف شود.

گفتگو با مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا:

خاتمه «پی ام دی» به معنای عادی شدن روابط ایران و آژانس نیست



گامی مهم برای بازرسی از تاسیساتی که در آینده ممکن است موجب نگرانی شوند اتخاذ کرد. وی افزود: تصمیم شورای حکام برای مختومه کردن مباحث قبلی بسیار جالب توجه بود. گزارش یوکیو آمانو مدیر کل آژانس که در تاریخ دوم دسامبر منتشر شد تا حد زیادی با اطلاعات آمریکا و دیگر کشورهای همخوانی داشت و علاوه بر آن به غیر از آمریکا بقیه کشورهای حاضر در گروه ۵+۱ که در شورای حکام آژانس نیز حضور دارند با پیش نویسی که در این رابطه پیش از تاریخ ۱۵ دسامبر آماده شده بود موافق بودند. اما تصویب این پیش نویس به این معنا نیست که روابط میان آژانس و ایران عادی شده است. مصوبه ۱۵ دسامبر بازرسی ها در مورد فعالیت های گذشته ایران را مختومه کرده و علاوه بر آن به قطعنامه های قبلی شورای حکام در مورد ایران را زمانی که تعهدات خود بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را کامل کند نیز خاتمه می دهد.

مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا با اشاره به مختومه شدن پرونده پی ام دی در آژانس بین المللی انرژی اتمی، عنوان داشت این موضوع به معنای عادی شدن روابط ایران و آژانس نیست. به موجب رای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی موضوع فعالیت های ادعایی در خصوص برنامه هسته ای ایران (پی ام دی) مختومه شد. این امر موجب شد تا برخی از پایان یافتن بازرسی های آژانس در ایران سخن بگویند اما ماهیت توافق هسته ای و حتی پروتکل الحاقی به گونه ای است که امکان بازرسی های بیشتر از ایران وجود دارد. در همین رابطه برای تحلیل بهتر گزارش نهایی شورای حکام درباره ایران با «کلسی داوینپورت» رئیس بخش کنترل سلاح (منع اشاعه) انجمن کنترل سلاح آمریکا به گفتگو نشستیم. داوینپورت از جمله کارشناسان آمریکایی است که در مورد پرونده هسته ای ایران و کره شمالی کار می کند. این کارشناس آمریکایی در پاسخ به این پرسش که وضعیت همکاری های اتمی ایران و آژانس با توجه به در پیش بودن اجرای برجام چگونه خواهد بود؟ گفت: «شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در تاریخ ۱۵ دسامبر به اتفاق آرا رای به پایان یافتن مباحث قبلی در مورد فعالیت هسته ای ایران داد. این شورا همچنین

های ممنوع را انجام بدهد دیگر نمی توان عنوان داشت که این اقدامات برای مقاصد صلح آمیز بوده و یا برای مقاصد نظامی. مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا در پایان افزود: این نکته کلیدی است که آژانس و گروه ۵+۱ در مورد فعالیت های اتمی ایران اطمینان داشته باشند. تحقیقات درباره فعالیت گذشته نباید به عنوان سابقه ای برای تایید فعالیت های آینده باشد. موافقت های جزئی نباید در مسیر آینده مشکلی ایجاد کنند. شورای حکام در گزارش ۱۵ دسامبر خود به نکته مشابهی اشاره کرده است. همکاری ایران با آژانس باید بصورت کامل و زمانبندی شده بوده و شامل دسترسی آژانس به مکان های مورد نظر باشد و با توجه به آنکه پرونده پی ام دی بسته شده آژانس و گروه ۵+۱ به سمت اجرای کامل توافق هسته ای ۱۴ جولای پیش می روند.

زمانیکه که شورا به نتیجه گیری لازم برسد خواهد بود. در این مدت همچنین ایران تحت نظارت و بازرسی خواهد بود. این توافق مجوزهایی را برای بازرسی از اماکن اعلام نشده در صورتی که آژانس نگرانی هایی در مورد آنها داشته باشد فراهم می کند. داوینپورت در خصوص وضعیت همکاری های ایران و آژانس در سال های آتی نیز گفت: در طی ۱۰ سال آینده طبیعی است که آژانس نگرانی هایی در مورد فعالیت هسته ای و یا نحوه اجرایی برجام داشته باشد و همانطور که نماینده آژانس در شورای حکام اعلام کرد گزارش این شورا مانع بازرسی های آژانس از تاسیسات ایران نمی شود. وی افزود: بر اساس اسناد موجود ایران در گذشته فعالیت نظامی هسته ای نداشته اما بر اساس توافق ۱۴ جولای تهران قبول کرده که فعالیت های مشخصی را نیز انجام ندهد و اگر تهران این فعالیت



درباره کاردار جدید انگلیسی ها؛

ماموریت؛ انتخابات ۹۴ / مدیر پروژه نفوذ لندن در تهران کیست؟

وی درست در زمان وقوع بیداری اسلامی، حضوری فعال در یمن داشته و در زمان اوج گیری بحران سوریه و تشکیل گروه تکفیری - تروریستی داعش، یعنی در سال ۲۰۱۳ میلادی، نقش کلیدی و حساسی در مدیریت پروژه و انتقال پیام های محرمانه لندن به دوحه درباره حمایت از گروه های تکفیری و تروریستی در منطقه ایفا کرده است. از سوی؛ با توجه به تمرکز می که این مامور اطلاعاتی - امنیتی دیپلمات نما در حوزه امنیت ملی انگلیس و اروپا داشته، یکی از اصلی ترین تخصص های وی حوزه «جنگ نرم» و «تبلیغات» است و از سوی دیگر هم اکنون و درست در فاصله کمتر از دو ماه تا برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، ماموریت خود را در تهران آغاز کرده است.

بدیهی است که سوء سابق هاپتون در قطر و یمن و تخصص وی در حوزه تبلیغات و جنگ نرم، کمترین جایی را برای اعتماد به این دیپلمات انگلیسی باقی نمی گذارد. بر این اساس باید مراقب تحرکات سفارت انگلیس در جریان رقابت های انتخاباتی و سیگنال هایی که از این سفارتخانه به داخل و خارج از ایران مخابره می شود، بود. لازم به ذکر است؛ گذشته از سابقه سوء انگلیسی ها در تاریخ کشورمان، وزیر سابق اطلاعات نیز چندی پیش کشورمان اعلام کرد که ۲۵۰ نفر از سفارت انگلیس در جریان فتنه سال ۱۳۸۸ در سطح کشور پراکنده شده و با رفتن به سراغ خواص و نخبگان تحرکات ویژه ای در شعله ور کردن آتش فتنه داشتند.

بنابراین آنچه روشن است اینکه؛ هاپتون بدون برنامه وارد ایران نشده و بدون شک یکی از اتاق های عملیات پروژه «نفوذ» نظام سلطه قرار است توسط وی مدیریت شود، لذا رصد هوشمندانه فعالیت های وی در تهران کمترین واکنشی است که در داخل کشورمان به ویژه در بازه زمانی کنونی باید صورت پذیرد.

«هاپتون» در زمان وقوع بیداری اسلامی حضوری فعال در یمن و در زمان تشکیل گروه داعش نقش کلیدی در مدیریت پروژه و انتقال پیام های محرمانه به ایادی منطقه ای داشت. «نیکلاس هاپتون» که به عنوان کاردار جدید انگلیس در تهران ماموریت خود را از ابتدای ژانویه امسال آغاز کرده، فردی کلیدی در وزارت امور خارجه بریتانیا محسوب می شود. او طی سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ میلادی به عنوان سفیر انگلیس در یمن و از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی به عنوان سفیر این کشور در قطر ایفای نقش کرده است. هاپتون متخصص حوزه امنیت ملی بوده و در حوزه مناسبات انگلیس و اروپا نیز نقش اجرایی فعالی را در دستگاه سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است.

هاپتون مانند بسیاری از دیپلمات های انگلیسی معتقد است خاستگاه بحران های امنیتی در غرب را باید در منطقه خاورمیانه جست و جو نمود. به عنوان مثال او در یکی از سخنرانی های اخیر خود در جمع دانشجویان انگلیسی، اصلی ترین خطر و تهدید برای امنیت ملی آمریکا و انگلیس را وجود مناطق بدون حکومت در کشورهای چون یمن دانسته و گفته است در مناطقی که حکومت مرکزی وجود ندارد، القاعده قدرت رشد و نمو پیدا خواهد کرد و در آینده می تواند به خطری امنیتی برای واشنگتن و لندن تبدیل شود.

این دیپلمات کهنه کار معتقد به پیوستگی سیاست خارجی آمریکا و انگلیس است و در بزرگنمایی خطر القاعده برای حضور مستقیم و مستمر کشورش در منطقه تخصصی فوق العاده دارد. هاپتون اگرچه در عمل سعی دارد کمتر از علاقه خود به «تونی بلر» نخست وزیر سابق انگلیس سخن به میان آورد و اعلام این موضوع را خط قرمز خود قلمداد می کند، اما هماهنگی وی با تونی بلر در سال های حضور وی در کمیته چهارجانبه «کوارتت» موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

مسئول پیشین بخش تحلیل عملیات سیا؛

آزمایش موشکی ایران تهدیدی برای آمریکان نیست



یک عضو ارشد اندیشکده آمریکایی در یادداشت خود در نشنال اینترست آزمایش موشکی ایران را بهبود قدرت ایران در مقابل رقبای منطقه ای دانست.

به عقیده یک کارشناس سیاسی در اندیشکده بروکینگز هدف آزمایش موشکی ایران آمریکا نیست بلکه بیشتر به خاطر ترساندن عربستان سعودی بوده است.

پل پیلار عضو ارشد اندیشکده بروکینگز با انتشار یادداشتی در سایت نشنال اینترست می نویسد: آزمایش موشکی ایران مهمترین هدفش قدرت نمایی ایران در مقابل سعودی ها بوده است.

پیلار در یادداشت خود تأکید می کند که آزمایش موشک بالستیک ایران هیچ تهدیدی برای آمریکا و توافق هسته ای ایران با قدرت های جهانی نیست و تنها کشورهای همسایه از این آزمایش احساس نگرانی کرده اند.

به نوشته پیلار ساخت موشک های بالستیک توسط ایران به سالهای ۱۹۸۰ میلادی در جریان جنگ عراق علیه ایران برمی گردد. عربستان سعودی یکی از دارندگان اصلی این تکنولوژی در منطقه بود که آزمایش موشکی ایران تهدید اصلی این تکنولوژی شده است.

گفته می شود ایران با کمک پاکستان و چین توانسته به تکنولوژی موشک های بالستیک دست یابد که این امر مقامات سعودی را با نگرانی روبرو کرده است.

مسئول پیشین بخش تحلیل عملیات سیا مدعی است جنگ ایدئولوژیک ایران و عربستان در منطقه با آزمایش موشکی ایران و اقدامات امنیتی وارد مرحله ای جدید شده است که در آن ایران قدرت گذشته خود را در مقابل رقبایش بهبود بخشیده است.

در یادداشت این عضو ارشد اندیشکده بروکینگز آمده است که تنها مشکل اصلی در این میان توافق هسته ای ایران با قدرت های جهانی است که آزمایش موشکی عامل مداخله کننده محسوب می شود.

گفتگو با مدیر اجرایی دیده بان حقوق بشر:

نقش ایران و روسیه برای رسیدن به توافق درباره سوریه اساسی است



مدیر اجرایی دیده بان حقوق بشر نحوه اعتمادسازی میان گروه های درگیر در سوریه را مهمترین اصل فراموش شده در مذاکرات دانسته و بر لزوم پایان یافتن حملات به شهروندان سوری تاکید کرد.

تحولات سوریه مدتی است که وارد فاز جدیدی شده و دور جدید مذاکرات این کشور نیز در پیش است. در مورد اینکه با توجه به وضعیت موجود در سوریه و اینکه مذاکرات باید به چگونه ای پیش بروند با «کنث روث» مدیر اجرایی دیده بان حقوق بشر به گفتگو نشستیم که مشروح آن به شرح زیر است:

دور جدید مذاکرات سوریه در پیش است؛ گفتگوهای جدید بعد از مذاکرات موفقیت آمیز وین برگزار می شود. شما روند آغاز شده برای حل بحران سوریه را چطور ارزیابی می کنید؟

در شرایطی که مردم سوریه همچنان از حملات بی رویه رنج می برند و میلیون ها نفر از مردم این کشور به خاطر شرایط جنگی منازل خود را ترک کرده اند و گروه خود خوانده داعش نیز به کشتار مردم عراق و سوریه ادامه می دهند تنها خبر خوبی که درباره خاورمیانه منتشر شد آن بود که کشورهای جهان به توافقی برای پایان جنگ در

سوریه دست یافتند. بعد از مذاکراتی که در اواخر ماه اکتبر در وین انجام شد مهمترین بازیگران خارجی در تحولات سوریه بیانیه ای را صادر کردند که در این بیانیه اصولی که می تواند درگیری ها را به یک توافق سیاسی منتهی کند درج شده است.

این مذاکرات در شرایطی برگزار می شوند که گروه های خارجی و حامیان خارجی آنها بر کنار رفتن بشار اسد از قدرت تاکید دارند. به نظر شما تاکید بر این امر چه تاثیری بر تحولات سوریه خواهد داشت؟

اگر مذاکرات شانس برای موفقیت داشته باشند باید به این امر توجه کرد که توافق انجام شده نباید لیست آرزوهای طرفین درگیر باشد. برای مثال گروه های مسلح مخالف اسد و حامیان خارجی آنها ممکن است این آرزو را داشته باشند که «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه و نزدیکان وی همین فردا سوریه را ترک کنند اما چنین امری در شرایط فعلی کاری مشکل است.

در این میان وقتی به وضعیت مناطقی از سوریه که تحت کنترل گروه های شورشی قرار داشت نگاه می کنیم و تاثیرات حضور آنها را بررسی می کنیم مشخص می شود که کسی خواستار تکه تکه شدن سوریه نیست و تحقق این امر نیز به نفع کسی نمی تواند باشد.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود آن است که باید در مورد سوریه بعد از بشار اسد نیز اندیشیده شود. باید برنامه ای مدون برای زمانی که اسد از قدرت کنار می رود وجود داشته باشد چون در صورت نبودن چنین برنامه ای اوضاع سوریه پیچیده تر می شود و حتی ممکن است موجب بروز خشونت های بیشتر در این کشور شود به عبارت دیگر باید برای دوران پس از دوره گذار به خوبی برنامه ریزی شود.

به نظر شما ایران و روسیه چه نقشی در این میان می توانند ایفا کنند؟

با توجه به آنکه بشار اسد نقشی تاثیرگذار در تحولات سوریه دارد اصرار بر نبودن آن در مذاکرات چندان مطلوب نیست. در این میان روسیه نیز اعلام کرده که اگر کنار رفتن بشار اسد از طریق مذاکرات و خواست مردم سوریه باشد آن را می پذیرد و ایران نیز تقریباً چنین امری را قبول دارد. به نظر می رسد این دو کشور (ایران و روسیه) بیش از آنکه نگران این باشند که چه کسی در سوریه در راس قدرت است نگران حکومت موجود در این کشور و روابط خود با آن هستند و بر همین اساس به نظر من ایران و روسیه باید از نفوذ خود برای رسیدن به یک توافق که در آن وضعیت اسد نیز مشخص می شود استفاده کنند.

باینه وین بر موارد مهمی همچون لزوم شکست داعش و دیگر گروه های تروریستی، روی کار آمدن یک دولت سکولار، باقی ماندن مرزهای کشور به همان صورتی که قبل از آغاز بحران وجود داشت، احترام به حقوق اقلیت ها تاکید دارد. اما نکته ای که تا کنون از پرداختن به آن خودداری شده و به نظر می رسد که یک نقطه کلیدی باشد این است که چگونه می توان میان گروه های حاضر در سوریه اعتمادسازی کرد تا به اهداف ذکر شده دست یافت؟

در حال حاضر مذاکره کنندگان خود را برای انجام دور جدیدی از گفتگوها درباره سوریه آماده می کنند و این نکته مهم است که آنها ابتدا به موضوع اعتمادسازی میان طرف های درگیر بپردازند و بر لزوم پایان حمله به شهروندان سوری تاکید کرده و گروه هایی که عامل حمله به شهروندان سوری هستند به حاشیه برانند. نکته ای که در این مرحله باید به آن توجه کرد این است که هیچ یک از گروه های حاضر در سوریه به تنهایی قادر





اقدام علیه سفارت از منظر حقوق بین الملل / سعودی فرار به جلونکند

پیمان یزدانی

مطابق ماده ۱۱ لایحه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل در سال ۱۹۶۱، منتسب نبودن افراد متعرض به اماکن دیپلماتیک سعودی به نهادهای دولتی ایران مسئولیت بین المللی را متوجه دولت ایران نمی کند.

اعدام ۴۷ نفر از مخالفین و منتقدان رژیم آل سعود از جمله آیت الله «شیخ نمر» با وجود هشدارهای قبلی جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان جهان در روز ۱۲ دیماه موجی از اعتراضات مردمی مسلمانان در کشورهای دیگر را در پی داشت.

این اقدام رژیم آل سعود همچنین با محکومیت و واکنش های بسیاری از گروه های حقوق بشری و دولت های اروپایی مواجه شد.

در پی این اقدام تحریک آمیز رژیم آل سعود که می تواند با اهداف سیاسی متعدد صورت گرفته باشد موجب شد تا گروهی از افراد ناشناس در شهر تهران و مشهد به سفارت این کشور و کنسولگری آن در مشهد تعرض کنند.

این اقدام موجب تحرک دیپلماتیک رژیم سعودی و متحدان وی علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان شده است، اقداماتی که با هدف تحت الشعاع قرار دادن اصل مسئله اعدام شیخ نمر و جنایت رژیم سعودی و انحراف افکار عمومی از این جنایت صورت می گیرد.

فارغ از ابعاد سیاسی و بهره برداری های سیاسی و دیپلماتیک رژیم سعودی از اقدام گروهی خودسر و ناشناس لازم است بطور مختصری به موضوع مسئولیت بین المللی دولت جمهوری اسلامی ایران و اقداماتی که می تواند برای تئور افکار عمومی جهانیان در چهار چوب حقوق بین الملل انجام دهد پردازیم.

در ماده ۱۱ لایحه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ مقرر شده است که «هر عملی که از نظر حقوق بین الملل،

غیرقانونی و نامشروع تلقی شود و از کشوری سر بزند، مسئولیت بین المللی آن کشور را موجب می شود.»

یکی از موضوعات مهم و پر اهمیت حقوق بین الملل مسئولیت بین المللی دولت ها است که رابطه نزدیکی با دیگر حوزه های حقوق بین الملل بویژه موضوع صلح و امنیت بین المللی و ملی کشورها دارد.

بطور کلی از منظر حقوق بین الملل برای تحقق مسئولیت بین المللی یک دولت چهار شرط عمومی مقرر شده است که عبارتند از:

۱- نقض یک تعهد بین المللی و به تعبیر دیگر انجام دادن یک عمل نامشروع ۲- تحقق ضرر ۳- وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ضرر وارده ۴- قابلیت انتساب عمل زیان آور به یک ارگان دولتی مسئول.

در دادگاه ها و محاکم بین المللی هر گاه خواهان نتواند اثبات کند که عمل زیان آور، منتسب به یکی از ارگانهای دولت بوده است، حکم به مسئولیت دولت و جبران خسارت وارده صادر نخواهد شد. قطعاً مصونیت اماکن دیپلماتیک از امور مسلم حقوق بین الملل است و تعدی و تعرض به آنها اقدامی مجرمانه است که موجب مسئولیت بین المللی دولت ها خواهد بود.

بر این اساس؛ در پی مورد تعرض قرار گرفتن اماکن دیپلماتیک سعودی در ایران که اقدامی خلاف مقررات و تعهدات بین المللی است و همچنین جنجال آفرینی رژیم سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران ذکر چند مورد ضروری به نظر می رسد:

نخست اینکه؛ در رخداد اخیر تحقق شرط چهارم ذکر شده که انتساب یک عمل زیانبار به یک دولت در عرصه بین المللی است در خصوص دولت ایران محقق نشده است زیرا نه تنها هیچ

سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد افراد تعرض کننده منتسب به نهادهای دولتی مسئول ایران بوده اند، بلکه مقامات جمهوری اسلامی ایران از جمله عالیترین مقام اجرایی کشور یعنی حسن روحانی این اقدام را محکوم کرده و خواستار برخورد قضایی با عوامل آن شده است.

محکومیت این اقدامات از سوی مقامات ارشد ایرانی اولاً به این معنی است که این افراد منتسب به دولت ایران نیستند تا موجبات مسئولیت بین المللی برای ایران را فراهم کند و ثانیاً محکومیت اقدامات این عده و بازداشت آنها توسط قوه قضائیه بیانگر حسن نیت ایران در این خصوص و اعتقاد آنها به مجرمانه بودن اقدام صورت گرفته است.

همچنین یکی از راه های رفع مسئولیت بین المللی دولت ها در صورت محرز شدن عمل مجرمانه و منتسب شدن آن به دولت ها، رسیدگی به تخلفات فرد یا ارگان مسئول در دادگاه های صالحه داخلی است لذا با توجه به بازداشت متعرضین به اماکن دیپلماتیک سعودی توسط قوه قضائیه و وعده رسیدگی به تخلفات این افراد از سوی مقامات ایرانی، لازم است مقامات سعودی به جای جنجال آفرینی که قطعاً با اهداف سیاسی صورت می گیرد کمی حوصله به خرج دهند و منتظر نتایج رسیدگی به این تخلف از سوی عده ای مجهول الهویه باشند. که حتی در صورت احراز مسئولیت بین المللی دولت ایران در این خصوص راهکارهای قانونی برای حل و فصل موضوع وجود دارد. تحرکات دیپلماتیک رژیم سعودی را می توان نوعی فرار به جلو برای انحراف افکار عمومی از موضوع اعدام کثیر زیادی از مخالفان این رژیم تلقی کرد که در عین حال می تواند اهداف سیاسی دیگری را نیز به همراه داشته باشد.



گفتگو با کارشناس سیاسی لبنان:

سعودی‌ها از مدت‌ها پیش در صدد قطع روابط دیپلماتیک با تهران بودند

تربین اصول دموکراسی در تعارض است. وی در ادامه افزود: دخالت رژیم سعودی در سوریه با هدف گسترش نفوذ آن در منطقه صورت می‌گیرد و این مسأله هیچ ارتباطی به دموکراسی ندارد.

کارشناس سیاسی لبنانی همچنین اعلام کرد: تروریست‌های تکفیری از جمله «جیش الاسلام» و «حرار الشام» که رژیم سعودی از آنها حمایت می‌کند، دموکراسی را کفر و حرام می‌پندارند. شومان همچنین در پاسخ به سؤالی پیرامون پیامدهای قطع روابط میان ایران و عربستان گفت: بار دیگر باید تأکید کنم که تصمیمات عربستان سعودی در اینگونه موارد انفعالی و عجولانه بوده است.

وی در همین ارتباط ادامه داد: تصمیم مقامات سعودی مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک با ایران در یک روز اتخاذ نشد، بلکه مقامات سعودی از مدت‌ها پیش در اندیشه راهی برای اتخاذ این تصمیم بودند.

شومان اظهار داشت: پس از اعلام قطع روابط دیپلماتیک با تهران توسط ریاض، برخی از کشورها با عربستان سعودی همراهی کردند که البته قابل پیش بینی هم بود که چنین کشورهایی مسیر سعودی‌ها را ادامه دهند، با این وجود تصور می‌کنم که دامنه این مسأله بسیار محدود بوده و کشورهای بزرگ در دنباله روی از عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی ایران را قطع نخواهند کرد.

کارشناس سیاسی لبنانی همچنین با اشاره به پیامدهای منفی افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان بر تحولات لبنان، سوریه و یمن، اظهار داشت: به نظر می‌رسد که باید مسأله کاندیداتوری سلیمان فرنجیه برای تصدی پست ریاست جمهوری را منتفی دانست. علاوه بر این، باید منتظر ملت‌های تر شدن تحولات میدان سوریه و یمن نیز بود.

«توفیق شومان» کارشناس مباحث سیاسی لبنان با اشاره به اقدام عربستان در قطع روابط دیپلماتیک با ایران، گفت: عربستان از مدت‌ها پیش برای قطع روابط خود با تهران در حال برنامه‌ریزی بوده است.

«توفیق شومان» کارشناس مباحث سیاسی لبنانی با اشاره به اقدام اخیر رژیم سعودی در قطع روابط دیپلماتیک با تهران، تصریح کرد: اگر به مجموعه مواضع رژیم سعودی طی ماه‌های اخیر بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که ریاض از مدت‌ها پیش در صدد قطع روابط دیپلماتیک خود با تهران بوده و درست به همین دلیل است که به تمامی تلاش‌ها برای کاهش تنش‌ها پشت پا زده و تمامی کانال‌های گفتگو را بسته است.

شومان همچنین در پاسخ به سؤالی پیرامون پیامدهای اقدام «شیخ نمر النمر» رهبر شیعیان عربستان تصریح کرد: این اقدام، مسیر افزایش تنش‌های منطقه‌ای را در دو سطح سیاسی و مذهبی هموارتر ساخته و ممکن است موجب پیچیده‌تر شدن اوضاع منطقه‌ای نیز شود.

این کارشناس سیاسی لبنانی با بیان اینکه اقدام شیخ نمر النمر «حساب شده» نبود، گفت: مقامات رژیم سعودی تصمیم منفعلانه‌ای در این خصوص اتخاذ کرده و واکنش‌های به این اقدام را پیش‌بینی نکردند، به ویژه اینکه شیخ نمر از چهره‌های برجسته جهان اسلام به شمار می‌رفت.

شومان در بخش دیگری از سخنان خود به دخالت‌های گسترده رژیم سعودی در سوریه و عراق به بهانه حمایت از انقلاب و آزادی اشاره کرده و اظهار داشت: عربستان سعودی در جایگاهی نیست که از دموکراسی و آزادی سخن بگوید، زیرا نظام سیاسی آن، پادشاهی و موروثی است و این درست همان چیزی است که با بدیهی

گفتگو با سفیر اسبق آمریکا در یمن و سوریه:

غرب قدرت چندانی برای میانجیگری میان ایران و عربستان ندارد



به خبرنگاران گفته است «یکی از مسائل اصلی که جان کری در نظر دارد انجام دهد، کاهش تنش‌ها، بازگرداندن شکلی از آرامش و تشویق به گفت‌وگو و تعامل بین دو کشور است؛ اما در عین حال تأکید بر این موضوع که برخی مسائل مهم منطقه باقی مانده‌اند»

به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، در صدر این مسائل زنده نگه داشتن مذاکرات وین، برای پایان دادن به بحران سوریه است.

روو در پاسخ به این پرسش که «با توجه به آنکه به موجب اقدامات عربستان علیه ایران منافع غرب بویژه در خصوص اجرای برجام و مذاکرات صلح سوریه به مخاطره افتاده آیا این امکان دارد که کشورهای اروپایی و آمریکا برای حل این موضوع وارد عمل شوند گفت: بله درست است تحولات اخیر می‌تواند تأثیری منفی بر روند دیپلماتیک آغاز شده در مورد سوریه داشته باشد اما اینکه تأثیر نهایی این تحولات چگونه خواهد بود باید منتظر ماند و دید.

وی در ادامه افزود: در این میان آمریکا و دیگر کشورهای غربی سخن از میانجیگری میان عربستان و ایران رانده‌اند اما در این موقعیت تنش‌ها میان ایران و عربستان به حدی بالاست.

وی در ادامه تصریح کرد: با توجه به آنکه ریاض و تهران هر یک منافع خاصی را دارند که البته با هم تفاوت دارند قدرت و نفوذ کشورهای دیگر برای میانجیگری بسیار محدود است. البته باید منتظر ماند و دید آیا ایران و عربستان تمایلی به پذیرش میانجیگری دارند.

سفیر اسبق آمریکا در کشورهای یمن و سوریه با اشاره به افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، توانایی غرب برای کاهش این تنش‌ها را محدود دانست. اقدام نسنجیده عربستان در اعدام رهبر شیعیان این کشور و متعاقب آن واکنش‌های انجام شده در تهران و مشهد که منجر به تصمیم ریاض برای قطع روابط با ایران شد در شرایطی رخ داد که با توجه به تلاش‌های انجام شده در ماه‌های پایانی سال میلادی گذشته امیدها برای حل بحران سوریه افزایش یافته بود.

علاوه بر آن تنش‌های میان عربستان و ایران در حالی افزایش یافته که تنها چند روز به آغاز اجرای برجام (توافق هسته‌ای انجام شده میان ایران و کشورهای ۵+۱) باقی مانده است و افزایش تنش‌ها میان ریاض و تهران ممکن است به این دو جریان صدمه بزند از همین رو کشورهای مختلف در تلاش هستند تا از طریق میانجیگری از شدت گرفتن این تنش‌ها جلوگیری کنند.

در همین رابطه با بالاگرفتن تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی، وزیر خارجه ایالات متحده مکرراً با مقامات دو کشور تماس گرفته و آنها را به گفتگو و کاهش تنش‌ها تشویق کرده است.

بر اساس اعلام وزارت خارجه ایالات متحده، جان کری طی یک روز گذشته چندین بار با ولیمهد، وزیر خارجه عربستان و نیز وزیر خارجه ایران گفتگو کرده است. قرار است کری با دیگر مقامات منطقه نیز گفت‌وگوهایی داشته باشد. جان کری، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا،

اهداف منطقه‌ای و داخلی ریاض از اعدام شیخ نمر و قطع روابط با ایران

پیمان یزدانی



آل سعود از اعدام «شیخ نمر» به همراه برخی دیگر از مخالفان غیر شیعی اهداف پیدا و پنهانی را در منطقه و در داخل مرزهای خود دنبال می‌کند که این پروژه با قطع روابط با ایران تکمیل می‌شود.

اعدام آیت الله «نمر باقر النمر» مخالف و معترض شیعی نظام آل سعود به همراه ۴۷ نفر دیگر از معترضان غیر شیعی این رژیم که موجب تنش‌های گسترده در منطقه و قطع روابط ایران و عربستان و متحدان عرب این کشور در منطقه شده است را می‌توان از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد.

بررسی نتایج و دستاوردهای احتمالی که برنامه ریزان این رژیم از ارتکاب این اقدام شنیع برای خود متصور بوده اند می‌تواند حکایت از عمدی بودن اعدام شیخ نمر و شماری دیگر از مخالفان غیر شیعی رژیم آن داشته باشد که چه بسا با هماهنگی و اطلاع کاخ سفید صورت گرفته است.

با توجه به اینکه بارها اعلام خبر اعدام شیخ نمر توسط عربستان سعودی در گذشته از سوی این رژیم اعلام شده بود و با واکنش تند ایران مواجه شده بود، بعید به نظر می‌رسد که این رژیم از واکنش احتمالی ایران، شیعیان منطقه و جامعه جهانی به اعدام وی مطلع نبوده باشد لذا می‌توان گفت که اعدام وی توسط خاندان آل سعود در مقطع زمانی کنونی برنامه‌ای از پیش طراحی شده و عمدی برای دستیابی به اهداف خاصی در منطقه و داخل این کشور صورت گرفته است.

همچنین با توجه به نزدیکی شاهزاده «محمد بن نایف» به کاخ سفید و شخص رئیس‌جمهور آمریکا و اینکه این شاهزاده وزیر کشور سعودی و مسئول اجرای اعدام‌ها است بعید به نظر می‌رسد که باراک اوباما از تصمیم آل سعود برای اعدام شیخ نمر مطلع نبوده باشد. همچنین محکوم نکردن اعدام شیخ نمر توسط آمریکا و اکتفا به ابراز نگرانی در این خصوص خود می‌تواند دلیل دیگری بر مطلع بودن کاخ سفید از تصمیم رژیم آل سعود باشد. اهدافی که می‌توان برای آل سعود از ارتکاب این اعدام‌ها در مقطع زمانی کنونی متصور بود عبارتند از:

واهمه از بازگشت ایران به عرصه بین‌المللی با نزدیک شدن به اجرایی شدن برجام

بازگشت ایران به جامعه بین‌المللی با اجرایی شدن برجام و لغو تحریم‌های ایران از سوی آمریکا و اروپا می‌تواند موجب ارتقاء بیشتر جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران شود. سعودی‌ها بعد از سنگ‌اندازی‌های فراوان در راه توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ نتوانستند مانع از دستیابی قدرت‌های جهانی و ایران به توافق هسته‌ای شوند. سعودی‌ها بر این باور هستند که با اجرایی شدن توافق هسته‌ای موقعیت ژئوپلیتیک منطقه به ضرر آنها رقم خواهد خورد. لذا با قطع روابط خود با تهران سعی در سنگ‌اندازی در مسیر اجرایی شدن برجام دارد.

سنگ‌اندازی در مسیر حل دیپلماتیک بحران سوریه با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران

آل سعود که از آغاز بحران سوریه از حامیان گروه‌های تروریستی در سوریه بوده همواره خواستار حذف فشار اسد از قدرت با توسل به زور بوده و با راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک مخالف بوده است.

مبارزه با داعش را پیچیده تر کند.

کاهش نفوذ ایران در داخل مرزهای عربستان

شیعیان عربستان که حدود ۵ میلیون نفر از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و دارای تعلق خاطر و ارتباط فرهنگی و مذهبی با ایران می‌باشند از مخالفان نظام آل سعود به شمار می‌آیند که همواره از تبعیض‌های مذهبی نظام حاکم سعودی در رنج بوده‌اند.

رژیم آل سعود با اعدام شیخ نمر که از رهبران شیعیان این کشور محسوب می‌شود قصد دارد این پیام را به شیعیان این کشور دهد که این رژیم هرگز مخالفان خود و نفوذ فرهنگی ایران را در داخل مرزهای خود نخواهد پذیرفت.

انحراف افکار عمومی مخالفان غیر شیعی خود در داخل مرزهای عربستان

از دیگر نکات جالب اعدام‌ده‌ها نفر از مخالفان غیر شیعه عربستان به همراه شیخ نمر توسط رژیم سعودی بوده است. این مخالفان غیر شیعی عموماً به گروه‌های افراطی متمایل به القاعده و «اسامه بن لادن» رهبر القاعده گرایش دارند.

القاعده از گروه‌های تروریستی است که زمانی مورد حمایت رژیم سعودی بوده ولی رفته رفته در داخل مرزهای این کشور تبدیل به تهدیدی برای رژیم آل سعود شده است.

اعدام این افراد توسط خاندان سعودی این پیام را به آنها داد که این رژیم حتی این مخالفان را هم تحمل نخواهد کرد ولی این امر می‌توانست واکنش‌هایی را در میان قبایل نزدیک به مخالفان داشته باشد. رژیم سعودی برای رفع این خطر احتمالی با همزمان کردن اعدام آنها با شیخ نمر با علم به واکنش احتمالی ایران سعی کرده است توجه قبایل غیر شیعی مخالف خود را منحرف کرده و معطوف به ایران کند.

اتحاد دیپلماتیک و نظامی ایران و روسیه در سوریه در ماه‌های اخیر و شکست گروه‌های تروریستی مورد حمایت ریاض در سوریه موجب شد تا آل سعود و متحدان غربی و منطقه‌ای اش به اجبار به تلاش برای یافتن راهکاری سیاسی و دیپلماتیک برای بحران سوریه با مشارکت ایران تن دهند. در همین راستا کنفرانس‌هایی برگزار شد و توافقاتی چند برای حل بحران سوریه بین طرف‌ها حاصل شد و دور بعدی کنفرانس هم قرار است در اواخر ژوئن در ژنو برگزار شود.

داشتن دست‌بالا در مذاکرات آتی از سوی ایران و متحدانش چندان به مذاق سعودی‌ها و متحدان آنها خوشایند نیست. آنها بر این باورند که حل بحران سوریه از این طریق موجب خواهد شد تا ایران در تعیین ساختار قدرت آتی در سوریه نقش به‌سزایی اعمال کند که این موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و به ضرر سعودی‌ها خواهد بود. به همین دلیل قطع رابطه با ایران می‌تواند بهانه خوبی برای سعودی‌ها برای سنگ‌اندازی در مسیر کنفرانس آتی سوریه در وین محسوب شود.

پیچیده‌تر کردن روند کلی مقابله با گروه تروریستی داعش در منطقه

در روزها و هفته‌های اخیر به ویژه بعد از اقدامات تروریستی در اروپا توسط گروه‌های تکفیری شاهد نوعی همگرایی و همکاری بین برخی قدرت‌های غربی مثل فرانسه که از روابط خوبی با سعودی‌ها برخوردار است با محور ایران و روسیه در امر مبارزه با داعش بوده ایم.

قطع روابط با ایران از سوی سعودی‌ها همچنین می‌تواند بهانه خوبی برای سنگ‌اندازی در این اجماع بین‌المللی برای مبارزه با گروه تروریستی مورد حمایت ریاض یعنی داعش باشد. امری که حتی در گفتار سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیز پنهان نبود. به طوری که روز گذشته ژنرال «جف داویس» از تنش بین ایران و عربستان ابراز نگرانی کرده و گفت این مسئله می‌تواند روند

گفتگو با رهبر مسلمانان ایرلند:

برجام برای عربستان سنگین تمام شد/قطع رابطه اشتباه محض است

بنفشه اسماعیلی

پس از اقدام وحشیانه رژیم آل سعود در اعدام آیت الله «شیخ النمر» و به دنبال آن موج گسترده اعتراضات مردمی در سراسر دنیا و ایران و بعد از آن حمله به سفارت عربستان در تهران در اعتراض به این اقدام، عربستان و برخی کشورهای عربی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند. برای روشن تر شدن بهتر این موضوع و پیامدها و عواقب این اقدامات خبرنگار مهر گفتگویی داشتیم با «شیخ محمد عمر القدری» رهبر مسلمانان ایرلند که در ادامه از نظر می گذرد.

«شیخ محمد عمر القدری» رهبر مسلمانان ایرلند، رئیس شورای ادغام و صلح مسلمانان ایرلند (IMPIC) و رئیس «جامعه المصطفی» در ایرلند است. وی مدرک دکترای اخلاق بین الملل دارد و تحصیلات دینی خود را نیز در پاکستان به پایان رسانده است. عمر القدری سابقه طولانی در مباحث بین الاقوامی و برگزاری جلسات متعدد اسلام شناسی در ایرلند را در کارنامه خود دارد و از دیگر افتخارات وی این است که از چندین سال قبل تاکنون سخنگوی مسلمانان ایرلند است.

|| به دنبال اعدام آیت الله «شیخ النمر» رهبر شیعیان عربستان به دست رژیم آل سعود و حمله به سفارت عربستان در ایران در اعتراض به این اقدام، دولت عربستان و بعضی از کشورهای عربی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند، رویکرد اروپا و کشورهای اروپایی به این سیاست و شرایط کنونی ایران و عربستان چیست؟

این اقدام عربستان در قتل یک رهبر مذهبی کاملاً برخلاف قوانین حقوق بشر و روح اسلام است. شیخ نمر هیچ اقدامی علیه انسانیت نکرد و هیچ گاه به سمت افراطی گری و خشونت نرفت، بلکه تنها حرف از عدالت و انسانیت می زد و چون او به جنگ برای تحقق صلح و امنیت به پاخاست، رژیم آل سعود در پاسخ به جنگ وی برای تحقق صلح و امنیت ایشان را به قتل رساندند.

بعد از شهادت ایشان همه ما باید یکدل و یک رنگ از ملت اسلامی و تمام مسلمانان بخواهیم که بیش تر از این درگیر تفرقه نشوند، بلکه به دنبال برقراری صلح بوده و برای تحقق آن کوشا باشیم، همانطور که رهبر انقلاب اسلامی و رئیس جمهور ایران فرمودند ما باید آرامش خود را حفظ



ما نباید کار را از این خراب تر بکنیم و به تشویش اوضاع دامن بزنیم.

اما نکته مهمی که در این باره وجود دارد این است که به شهادت رساندن شیخ نمر در این بازه زمانی و اینگونه ناگهانی، خود نشان از برنامه ریزی بزرگ عربستان برای این موضوع دارد که آن هم به دلیل خاصی صورت گرفته است، چرا که پیشرفت ایران در برنامه هسته ای و بهبود روابط ایران با کشورهای غربی و اروپایی بر برخی کشورها از جمله عربستان سنگین تمام شد و باعث نگرانی آنان شد.

بنابراین رژیم آل سعود با چنین برنامه ریزی بزرگی درصدد بود تا برخلاف ایران اقدام و کاری کند که ایران در مقابل کل دنیا شرمند شود، حمله ای که به سفارت عربستان در ایران شد از سوی رهبر انقلاب اسلامی و رئیس جمهوری ایران به شدت محکوم شد اما با این وجود و به خاطر اینکه این حمله صورت گرفت برخی در تلاش بوده اند و خواستار آن هستند تا با استفاده از این موقعیت برای خراب شدن تصویر ایران در کل دنیا اقدام کنند، بنابراین لازم است که همه با حکمت و عقلمندی کامل نقش خود را در این باره ایفا کنیم تا ان شاء الله وضعیت بهبود یابد.

سنگین برخلاف قوانین حقوق بشر است که رژیم آل سعود مرتکب آن شد، بنابراین اگر در سطح دولتی، ایران یا هر کشوری دیگر آن را محکوم کند عربستان آن را اینگونه تفسیر و توجیه میکند و به گونه ای مطرح می کند که نشان دهنده دخالت در مسائل و امور داخلی کشور آنها باشد، بنابراین عقل حکم میکند که سازمان های بین المللی، کمیته های مردمی و غیر دولتی و نهادها و سازمان های مذهبی این حرکت را نقد کنند، همانطور که من به عنوان رهبر مسلمانان ایرلند و تمام کمیته های حقوق بشر در سراسر دنیا، مردم پاکستان در سطوح مختلف و حتی بسیاری از این رسانه های اروپایی این کار را کردند و به نقد این اقدام وحشیانه آل سعود پرداختند.

بنابراین اگر سایر سازمان های بین المللی و کمیته های مردمی نیز این اقدام را محکوم کنند بهتر و موثرتر خواهد بود لذا وقتی جمهوری اسلامی ایران در سطح دولتی با این اقدام مخالفت کرد، قطع روابط با این کشور اشتباه محض است. چرا که این قطع روابط برای وانمود کردن دخالت ایران در مسائل داخلی عربستان است که این به هم ریختگی روابط و تنش بین این دو کشور را بیشتر خواهد کرد، لذا در چنین شرایطی

کنیم، این دو با محکومیت شدید حمله به سفارت عربستان از همه خواستند که آرامش خود را حفظ کنند.

به نظر من به هم خوردن روابط و قطع روابط بعد از شهادت آیت الله شیخ النمر اشتباه محض است، این حادثه نباید بر روابط بین المللی ملت اسلامی اثر بگذارد، لذا سایر کشورها باید برای حل این موضوع به مذاکره بنشینند. در واقع قطع و به هم خوردن روابط بر این اساس و به این بهانه کاملاً اشتباه است، چرا که باعث ضرر به امت اسلامی خواهد شد و نفعی برای جهان اسلام نخواهد داشت لذا ما مسلمانان باید به صورت یک دولت واحد در کنار هم باشیم.

به رغم اینکه ما روابط خوبی با عربستان سعودی نداریم، اما باید گرد هم آمده و از طریق مذاکرات و باز کردن موضوع و گفت و گوی روشن و صریح در این باره به حل مسئله بپردازیم، این اقدام در واقع به نفع همگان است، چرا که اگر ما به ادامه بیش تر این تنشها و خشونت ها دامن بزنیم وضعیت از این بدتر خواهد شد و روابط بیشتر به هم خواهد ریخت.

تا جایی که من اطلاع دارم شیخ النمر یک شهروند عربستانی بود و شهروند ایرانی نبود، لذا قتل وی یک جرم

ادیب مقدم در واکنش به مصاحبه مهر با گری سیک: سیاست آمریکادر خلیج فارس مشت آهنین است/ قدرت سخت کارآیی ندارد

پیمان یزدانی



آمریکایی معاصر به وجود آید. در چنین فضای جهانی مساعدی با وجود تمامی مخالفتها اوباما توانست بطور جزئی سیاست خارجی آمریکا را غیرنظامی کند.

وی در ادامه تاکید کرد: با اینحال من فکر نمی کنم که این روند بعد از وی ادامه یابد. در بدترین سناریو ما شاهد حضور یک فرد راستگرای متعصب در کاخ سفید خواهیم بود. حتی اگر این فرد شخصی مثل دونالد ترامپ نباشد با اینحال سیاست های راستگرایانه وی از پیش موجب رادیکال شدن مواضع دیگر کاندیداها شده است. مثلاً وضع طوری شده است که حتی کاندیداهای میانه روی دموکرات ها هم مجبور شده اند سخنان سختی را علیه ایران به زبان بیاورند. خاطرات جنگ عراق از ذهن ها پاک شده است به همین علت افکار عمومی مردم آمریکا را می توان بار دیگر درباره جنگ های خارجی ترمیم کرد. آمریکا از معدود کشورهای جهان است که می توان با «سخت بودن» بطور متعددی آرای قسمت عمده ای از جامعه آمریکا را به دست آورد. امری که در گذشته برای جهانیان خطرناک بوده است زیرا کاندیداها اسیر رجزخوانی های سفت و سخت خود می شوند.

ادیب مقدم درباره سرنوشت توافق هسته ای ایران و آمریکا و قدرت های جهانی گفت: تقریباً در این خصوص هم که گفته شده اکثر کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا به توافق هسته ای با ایران احترام خواهند گذاشت، موافقم (البته به اعتقاد من ترامپ استثناء است).

اما به اعتقاد من این توافق زمانی ارزشمند خواهد بود که که موجب ائتلاف دیپلماتیک ایران و آمریکا شود که من چنین حرکتی را در آمریکا نمی بینم. وی در ادامه گفت: تا از این طریق بسیاری از مشکلات در منطقه حل و فصل شود. اگر چنین اتفاقی نیفتد به سهولت خصومت ایران و آمریکا یک دوره دیگر عقب خواهد افتاد. اگر این توافق به اقدامات اعتمادساز منجر نشود، اجرای آن ممکن است تبدیل به منبعی از سوء برداشت ها و ناامنی ها شود. به خصوص از دیدگاه کنونی ایران، توافق هسته ای به معنی ایجاد یک عملکرد استراتژیک است. اگر در آمریکا هم چنین نگاهی به توافق درازمدت وجود داشته باشد و به آن صرفاً به عنوان یک حرکت تاکتیکی نگاه نشود، می تواند نتایج مثبتی را به همراه داشته باشد.

وی در پایان گفت: البته اگر اروپا واقعا بخواهد مذاکرات استراتژیک با ایران را آغاز کند باید منتظر ماند و دید که آیا آمریکا به این روند انگیزه خواهد بخشید یا خیر.

دکترین «پیش دستانه» خود در پیش گرفته شد سیاستی که موجب تجاوز به عراق در سال ۲۰۰۳ شد. تجاوزی که تبعات فاجعه باری هم برای آمریکا و هم برای مردم منطقه در پی داشت. مجدداً تاکید می کنم که نظر پروفیسور گری سیک در این خصوص که رخدادهای منطقه موجب شد تا آمریکا در منطقه مداخله کند را تایید می کنم، اما این مداخله دیپلماتیک و خوش خیم نبود بطوریکه در پایان کار آمریکا با درگیری سنگین در منطقه راهکار نظامی را بر راهکار دیپلماسی ترجیح داد. این رویکرد آمریکا ناآرامی های موجود در منطقه را تشدید کرد و توانست موجبات صلح آمریکایی را فراهم کند. آمریکا هرگز یک طرح مارشال برای خاورمیانه نداشته است بلکه به جای آن مشت آهنین داشته است.

استاد دانشگاه لندن با تشریح دلایل روی کار آمدن باراک اوباما در آمریکا بعد از جنگهای توان فرسای این کشور در خاورمیانه گفت: مقاومت در برابر ذهنیت دولت های پادگانی که در درون ایده جنگ بی پایان علیه ترویسیم دولت جرج بوش نهفته بود موجبات به قدرت رسیدن باراک اوباما را فراهم کرد. دوران ریاست جمهوری باراک اوباما تا حدودی همزمان شد با جنبش های جهانی صلح و مخالفت نهادهای مدنی اصلی آمریکا با جنگ های بیشتر. اعطای جایزه صلح نوبل به اوباما در سال ۲۰۰۹ این خواسته را نهادینه کرد. بدون این فضای جهانی و حضور دولت اوباما، توافق هسته ای با ایران و دولت حسن روحانی در ایران امکان پذیر نبود. زیرا که حداقل سیاست های جهانی به سمت یک نظم چند قطبی پیچیده در حرکت است که در آن نظم قدرت سخت آمریکا کارایی کمتری دارد.

ادیب مقدم درباره دوران بعد از ریاست جمهوری باراک اوباما و اجرای توافق هسته ای با ایران از سوی دولت آتی این کشور گفت: اما در خصوص تحلیل دکتر سیک در خصوص دوره بعد از ریاست جمهوری اوباما با وی اختلاف نظر دارم. من در این خصوص که آمریکا در آینده از منطقه آنگونه که اوباما آن را تصور می کند عقب خواهد کشید و آن را رها خواهد کرد، خیلی خوش بین نیستم. سیاست اوباما منحصر به فرد باقی خواهد ماند دقیقاً به خاطر بیوگرافی شخصی وی، فضای سیاست های جهانی و خواست وی برای دیپلماسی. اوباما محصول جهان وطنی و تلاش های جهانی برای آزادی اجتماعی و سیاسی است. این بیوگرافی بر فلسفه صلح وی تاثیر داشته و موجب شده تا برخی از با کیفیت ترین جوامع

به نکات خوبی اشاره کرده است. به خصوص وی به طور صحیحی بر درگیر شدن برخی کشورها مثل آمریکا بطور مستقیم در خلیج فارس اشاره می کند که نتیجه بحران های منطقه ای ایجاد شده ای بود که آغازگر آنها صدام حسین بوده است.

وی در عین حال افزود: آمریکا و برخی بازیگران از فرصت های ناشی از این بحران ها استفاده کردند تا مسئولیت حفظ امنیت منطقه ای را عهده بگیرند. به عبارتی دیگر دولت های آمریکا یکی پس از دیگری از ناآرامی ای منطقه در راستای آنچه که آنها منافع ملی خود می دانستند نهایت استفاده را بردند. آقای سیک درست می گوید اگر جنگ ایران و عراق طولانی نمی شد دولت ریگان فرصت پیدا نمی کرد که در حمایت از صدام طرفی از جنگ ایران و عراق شود. این کار ریگان در راستای منافع تاکتیکی آمریکا صورت گرفت و نه با هدف پایان دادن به جنگ زیرا هدف ریگان پایان دادن به جنگ نبود. سیاست خارجی آمریکا در آن مقطع زمانی بسیار فرصت طلبانه بود، سیاست هایی که موجب به وجود آمدن چندین تراژدی شد و ادامه آنها موجب تخریب روابط آمریکا و ایران شد.

ادیب مقدم در این خصوص تصریح کرد: من فکر نمی کنم که از آن تاریخ باید به عنوان یک سلاح استفاده کنیم اما باید بدانیم که بدون پوشش های دیپلماتیک دولت ریگان هولوکاست شیمیایی حلبچه امکان پذیر نبود. من از منظر تحلیلی به مسئله نگاه می کنم و نه از منظر سیاسی. حمایت سیستماتیک از صدام حسین به ویژه بعد از سال ۱۹۸۴ آستانه بروز درگیری های بیشتر را در منطقه پایین آورد. اگر شخصی مثل صدام از یک تجاوز بدون پاسخگویی بیرون بیاید می توان انتظار داشت که درگیری دیگری را آغاز کند. تحولات بعد از انقلاب در ایران نیز موجب شد تا حمایت جهانی از صدام صورت گیرد که سکان دار این حمایت ها هم آمریکا بود.

وی در ادامه در تشریح علل لشکر کشی گسترده آمریکا در زمان ریاست جمهوری جرج بوش به منطقه به بهانه حمله به عراق گفت: اهداف آمریکا با توجه به فضای جهانی از مداخلات در منطقه در سال ۹۰ و ۹۱ با مداخله سال ۱۹۸۰ بسیار متفاوت بود. ادیب مقدم افزود: در پایان دوران جنگ سرد سیاست های جهانی جدیدی روی کار آمدند. نخبگان سیاسی وقت حکام بر آمریکا بطور فزاینده ای در تلاش بودند تا نقش هژمونیک آمریکا را در خلیج فارس و دیگر مناطق جهان افزایش دهند. ایده نظم جهانی تک قطبی که توسط آمریکایی ها بسط و گسترش یافت از دل این تفکر بیرون آمد. استاد دانشگاه لندن تصریح کرد: این ایده بلافاصله توسط نئو محافظه کارها در راستای

«آرشین ادیب مقدم» به اظهارات «گری سیک» مشاور امنیت ملی رئیس جمهور سابق آمریکا در خصوص دکترین امنیتی اوباما در منطقه و اجرای توافق هسته ای بعد از وی که در گفتگو با مهر مطرح کرده بود پاسخ داد. اواخر آذرماه خبرگزاری مهر گفتگویی با پروفیسور «گری سیک» مشاور امنیت ملی سه رئیس جمهور پیشین آمریکا درباره نظم امنیتی خلیج فارس و دکترین «باراک اوباما» و همچنین آینده اجرای توافق هسته ای با ایران در آمریکا با پایان دوره ریاست جمهوری باراک اوباما انجام داده بود که واکنش علمی اساتید دانشگاهی و متخصص در حوزه مطالعات خلیج فارس را به دنبال داشت.

از جمله اساتیدی که نقدی بر نظرات پروفیسور گری سیک داشت، پروفیسور «آرشین ادیب مقدم» استاد مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و رئیس گروه مطالعات فلسطین بود. در این راستا خبرگزاری مهر با هدف ارائه فرصت برابر برای طرفین با ارسال نظرات دکتر ادیب مقدم برای دکتر گری سیک از وی خواست تا در صورت تمایل وی نیز جوابیه ای ارسال کنند که گری سیک در پاسخ اظهار داشت با نکات مطرح شده از سوی ادیب مقدم درباره نظراتش موافق است.

در این گفتگو گری سیک ابراز داشته بود که علت مداخلات نظامی آمریکا در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که منجر به تغییر نظم امنیتی خلیج فارس شد، حوادث منطقه به ویژه جنگ ایران و عراق و تجاوز نظامی صدام حسین به کویت بوده است.

این استاد آمریکایی همچنین گفته بود که نظم امنیتی مد نظر باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا برای منطقه خلیج فارس به نوعی تداومی کننده دکترین «بیکسون» بعد از پایان جنگ ویتنام است. دکترینی که بر اساس آن ایران و عربستان سعودی حافظ منافع آمریکا در منطقه بودند. گری سیک در گفتگو با خبرگزاری مهر عنوان کرده بود که باراک اوباما خواهان گفتگوی کشورهای منطقه برای ایجاد ساختار امنیتی جدید در منطقه است تا از این طریق بتواند نیروهای آمریکایی را از منطقه خارج کند و امنیت منطقه را به خود آنها بسپارد.

همچنین در گفتگوی مذکور گری سیک اعلام داشته بود رئیس جمهور بعدی آمریکا هر کسی که باشد توافق هسته ای با ایران را اجرا خواهد کرد و این توافق اساساً در راستای دکترین اوباما برای ایجاد فضای گفتگو بین کشورهای منطقه خلیج فارس ایجاد شده است.

ادیب مقدم با اعلام موافقت خود درباره علل مداخله نظامی آمریکا در خلیج فارس بطور گسترده در سه دهه گذشته به خبرنگار مهر گفت: پروفیسور گری سیک در مصاحبه خود

گفتگو با رئیس سابق تحلیل عملیات سیا:

برنامه موشکی ایران هیچ ارتباطی با برجام ندارد/ درک نادرست غرب



رئیس پیشین تحلیل عملیات سیا با اشاره به واکنش‌های کشورهای غربی در خصوص آزمایش موشکی ایران، گفت: برداشت مردم و رهبران سیاسی غرب در مورد فعالیت موشکی ایران نادرست است. اقدام ایران در آزمایش کردن موشک جدید عاملی شده تا تدریجاً حاضر در کشورهای غربی و همچنین رقیبان منطقه ای ایران پروژه هراسی خود را دوباره به راه بیندازند و تلاش کنند تا بدین ترتیب کشورهای غربی اقدامات تنبیهی جدیدی را علیه تهران به اجرا بگذارند. از سوی دیگر برخی نگران آن هستند که بزرگنمایی افراطیون غربی در مورد تهدیدهای ناشی از برنامه موشکی ایران بر اجرای برجام تأثیر بگذارد. در همین رابطه برای تحلیل بهتر این جریان با پروفیسور «پل پیلار» به گفتگو نشستیم. پیلار از اساتید دانشگاه «جرج تاون» بوده و در گذشته کارشناس و رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) بود. متن این گفتگو به شرح زیر است:

|| چرا برخی کشورها سعی در محدود کردن برنامه موشکی ایران دارند؟

رقیبان منطقه ای ایران تمایل دارند تا به همان دلایلی که می خواهند هرگونه توانایی نظامی ایران را محدود کنند برنامه موشکی این کشور را نیز محدود کنند. آنها همچنین می خواهند که در تقابل‌های نظامی احتمالی، ایران هیچگونه مزیت نظامی نداشته باشد. استدلال می شود که بسیاری از افرادی که در فواصل دور از ایران و در غرب زندگی می کنند از این امر هراس دارند که روزی موشک های دوربرد ایران علیه کشورهای آنها به کار گرفته شوند. آنها بویژه نگران این امر هستند که در صورت از بین رفتن توافق هسته ای اخیر (برجام) ایران دست به استفاده از تسلیحات نامتعارف و بویژه هسته ای بزند. این هراس و بیم ها ممکن است با تحولات واقعی که در برنامه موشکی ایران رخ می دهد تناسب نداشته باشند و همچنین این هراس و بیم ها یک جمع بندی مناسب با آنچه که به موجب برجام بدست آمده نیست اما با این وجود به این ترس ها توسط برخی از رهبران سیاسی دامن زده می شود و بسیاری از مردم نیز احساس ترس می کنند. نکته پایانی آنکه برخی از رهبران سیاسی که با توافق هسته

ای موافق نبودند مخالفت با فعالیت موشکی ایران را راهی برای زمین گیر کردن برجام می دانند.

|| آیا بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) محدود کردن برنامه موشکی ایران قانونی است؟

در برجام به صراحت در مورد برنامه موشکی ایران سخنی گفته نشده است. این توافق فعالیت موشکی ایران را محدود نکرده و البته مانع این نیز نمی شود که تلاش های بین المللی جداگانه ای برای محدود کردن برنامه موشکی ایران انجام نشود.

|| برخی استدلال می کنند که آزمایش موشک میان برد از سوی ایران نقض قطعنامه ۱۹۲۹ بوده است. نظر شما چیست؟

این قطعنامه در خصوص برنامه موشکی ایران ملاحظاتی دارد. هرچند که این قطعنامه به موجب اجرای برجام خیلی زود تغییر می کند و قطعنامه جدید زبان نرمتری در خصوص فعالیت موشکی ایران داشته و با نرمی خواستار محدود شدن آن است.

|| به نظر شما آیا تنش های میان عربستان و ایران بر اجرای برجام تأثیر می گذارد؟

عربستان عضوی از توافق هسته ای ایران نیست و تنش های میان ریاض و تهران بصورت مستقیم بر اجرای تأثیری نخواهد داشت. هر چند که ممکن است تأثیرات جانبی داشته باشد زیرا این تنش ها موجب تحریک تدریجاً در غرب شده و ممکن است آنها اقدامی کنند که از دید رهبران ایران نقض برجام برشمرده شود.

چنین اقداماتی می تواند شامل اعمال تحریم های جدید علیه ایران و یا هر اقدامی شبیه این باشد و یا بتوان آن را به عنوان نقض برجام تفسیر کرد. البته حضور ایران در این تنش ها و همچنین تحولات خاورمیانه می تواند موجب تحریک بیشتر افراطیون غربی برای اعمال تحریم ها شود.

ها آرتص تحلیل کرد:

گرم شدن روابط قاهره-مسکو برنامه ضدایرانی عربستان را به هم می زند



یک روزنامه چاپ سرزمین های اشغالی با اشاره به گسترش روابط مصر با روسیه این وضعیت را بر خلاف خواسته های ریاض دانسته و ادامه آن را موجب برهم خوردن برنامه های عربستان دانست.

اتحاد عربستان علیه ترویسیم پیش از آنکه معطوف مبارزه با داعش باشد قصد جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه را دارد اما در این میان جدا شدن تدریجی قاهره از ریاض و گرم شدن روابط مصر با روسیه می تواند برنامه های عربستان را بهم بزند.

مدت هاست که روابط عربستان و مصر بواسطه جنگ رسانه های دو کشور با یکدیگر نسبتاً تیره است و اقدام اخیر وزارت خارجه عربستان در صدور بیانیه ای در خصوص آنکه روزنامه نگاران منتقد سیاست های مصر هیچ ارتباطی با خاندان سلطنتی عربستان ندارند موجب پیچیده تر شدن این وضعیت شده است.

۲۰۱۳ تا کنون ۱۵ میلیارد دلار به مصر کمک کرده و قاهره در پی دریافت پنج میلیارد کمک دیگر است. هآرتص در پایان می نویسد: عربستان می خواهد با ائتلاف جدید خود با اتحاد ایران و روسیه بویژه در سوریه مقابله کند و پیش بینی می شد که مصر یکی از پیشتازان این ائتلاف باشد و ریاض نیز تصمیم داشت که با تزریق پول های زیاد این ائتلاف را به پیش برد اما گرم شدن روابط قاهره-مسکو برخلاف خواسته های عربستان است.

هنوز حرکتی را از خود نشان نداده و این در حالی است که مصر در حال گسترش روابط خود با روسیه یعنی یکی از متحدان اصلی ایران است. این روزنامه چاپ سرزمین های اشغالی در ادامه می نویسد: عربستان به هیچ وجه تمایلی به این ندارد که متحدان این کشور در شرایط فعلی ارتباطات خود را با روسیه گسترش دهند اما با این وجود مصر بر خلاف خواسته های ریاض حرکت می کند. این وضعیت در حالی است که عربستان از سال

گفتگو با سفیر سابق آمریکا در عربستان

سازمان ملل بهترین نهاد برای میانجیگری میان عربستان و ایران است



همانطور که مطلع هستید عربستان روابط خود با ایران را قطع کرده آیا ممکن است در مورد تبعاتی که تنش آفرینی های عربستان بر خاورمیانه دارد توضیح بدهید؟

تبعات قطع روابط دیپلماتیک عربستان با ایران هنوز بطور کامل مشخص نشده است. ریاض به عنوان یک کشور سنی که داعیه رهبری کشورهای اسلامی را دارد به همراه چند کشور دیگر روابط خود را با ایران قطع و یا کاهش داده اند. این قطع روابط دست کم موجب پیچیده تر شدن روند یافتن راه حل دیپلماتیک برای پایان دادن بحران یمن و سوریه خواهد شد و این در حالی است که یافتن راه حل برای این دو کشور نیازمند همکاری میان ایران و عربستان است.

اقدام سعودی ها در افزایش تنش ها در خاورمیانه در مغایرت با منافع آمریکا و اروپا بویژه در خصوص توافق هسته ای ایران و تلاش های در حال انجام برای رسیدن به صلح سوریه است. آیا با توجه به این شرایط می توان انتظار داشت که غرب برای کاهش این تنش ها وارد میانجیگری شود؟

در حال حاضر سازمان ملل بهترین موقعیت را برای میانجیگری میان عربستان و ایران دارد. آمریکا موقعیت چندانی نزد ایران برای میانجیگری ندارد و می خواهیم در اینجا به امکان میانجیگری اروپا از جمله روسیه که وزن قابل توجهی برای هر دو طرف (ایران و عربستان) دارند اشاره کنم.

پیش از بروز این تنش های جدید زمینه هایی برای امیدوار بودن به این نکته وجود داشت که می توان گام های ابتدایی را برای رسیدن به راه حل سیاسی برداشت اما امروز امیدهای کمی در این رابطه وجود دارد.

تنش های میان عربستان و ایران زمانی رخ داده که تلاش هایی برای یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه در جریان بود. آیا ممکن است که اقدامات عربستان منجر به شکست این تلاش ها شود؟

اهمیت یافتن راه حل برای سوریه نه تنها برای کشورهای منطقه بلکه برای اروپا، آمریکا، و روسیه بسیار بالاست و گسست روابط میان ایران و عربستان می تواند تلاش های انجام گرفته برای رسیدن به آتش بس در سوریه را به شکست بکشاند و طبیعی است که این کشورها نگران وضعیت موجود باشند.

سفیر سابق آمریکا در عربستان با اشاره به تنش ها میان ریاض و تهران، وزن کشورهای اروپایی از جمله روسیه برای میانجیگری میان عربستان و ایران را به مراتب بیش از آمریکا دانست.

آمریکا که از هر وسیله ای برای گسترش سلطه در خاورمیانه استفاده می کند «جان کری» را مامور کرده تا از طریق ریزنی با همتایان ایرانی و عربستانی خود همچنان نقش واشنگتن را در منطقه پررنگ نگه دارد. دولت آمریکا برای به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای ایران هزینه های زیادی را داده و حتی بصورت ظاهری وارد تنش با دو هم پیمان اصلی خود در خاورمیانه یعنی عربستان و رژیم صهیونیستی نیز شده از همین رو طبیعی است که برای حفظ منافع خود با مواردی که به این توافق ضربه بزنند برخورد کند.

از سوی دیگر بعد از تلاش های فراوان مذاکرات صلح سوریه آغاز شده و زمزمه هایی نیز در مورد امکان پایان درگیری ها در یمن به گوش می رسد که البته اقدام عربستان برای افزایش تنش ها با ایران منجر به شکست این تلاش ها خواهد شد.

در همین رابطه برای تشریح بهتر موضع غرب در خصوص تنش های میان ایران و عربستان با «ریچارد دبلیو مورفی» به گفتگو نشستیم. مورفی از دیپلمات های کهنه کار آمریکایی است با دهها سال کار در خاورمیانه و کشورهای عربی. وی در سالهای جنگ ایران و عراق سفیر آمریکا در عربستان سعودی و بعد معاون وزیر خارجه در امور خاورمیانه بود. متن این گفتگو به شرح زیر است:

جاسوسی متقابل و پیامدهای آن؛

تنش جدید میان اوباما-نتانیاهو/اسرائیل سوژه جدید جاسوسی آمریکا



افشای برنامه مخفی سازمان اطلاعات ملی آمریکا در خصوص جاسوسی از رژیم صهیونیستی بویژه در خصوص مسائل مربوط به ایران، موجب بروز حساسیت های جدید در تل آویو و واشنگتن شده است.

هر چند پس از افشای جاسوسی گسترده سازمان اطلاعات ملی آمریکا (سازمان دربرگیرنده ۱۶ نهاد اطلاعاتی) از کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۳ کسی گمان نمی کرد که اسرائیل نیز در میان اهداف جاسوسان آمریکایی باشد اما گویا شخص «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا، شخص دستور جاسوسی از مقامات تل آویو را صادر کرده است.

بر اساس گزارش راشاتودی و وال استریت ژورنال، اوباما به دلیل تنش هایی که میان آمریکا و رژیم صهیونیستی به ویژه در خصوص مذاکرات هسته ای ایران بوده دستور این کار را صادر کرده است.

بر اساس این گزارش، به موجب جاسوسی های انجام شده دولت آمریکا دقیقاً در جریان لابی گری های گسترده

مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ نیز افشا شد که برای مدتی بر مذاکرات تاثیر گذاشت.

سازمان اطلاعات ملی آمریکا تقریباً از تمامی کشورها و نهادهای بین المللی بویژه همیمانان اصلی ایالات متحده جاسوسی کرده است. افشای این موضوع که سرآغاز آن در سال ۲۰۱۳ و با اقدامات «داوآرد اسنودن» انجام شد موجب گردید تا برای مدتی روابط آمریکا با کشورهایی همچون آلمان، برزیل و دیگر کشورهای آمریکای لاتین وارد تنش شود.

اسرائیل با قانوتگذاران آمریکا برای زمین زدن توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ قرار داشته است.

در جریان مذاکرات هسته ای ایران و حتی پس از حصول توافق و پیش از موافقت کنگره آمریکا با توافق هسته ای انجام شده، رژیم صهیونیستی تلاش زیادی برای به شکست کشاندن این توافق انجام داد و حتی «آپیک» لابی قدرتمند صهیونیست ها در آمریکا هزینه های چندصد میلیونی دلاری برای زمین زدن توافق هسته ای انجام داد. حتی در این میان موضوع جاسوسی اسرائیل از محل

گفتگو با استاد دانشگاه آلابامای آمریکا:

دلیل مخالفت با برنامه موشکی ایران / برجام ابهام دارد



در برابر ایران و بویژه توان موشکی این کشور حفظ کنند. از دید این کشورها توان موشکی ایران مانعی در راه حفظ برتری نظامی محسوب می شود.

|| آیا براساس برجام محدود کردن برنامه موشکی ایران قانونی است؟

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) برنامه موشکی ایران به غیر از بخشی را که امکان حمل کلاهک هسته ای را دارد بخش های دیگر را محدود نمی کند و این امر (ابهام) در لحن برجام وجود دارد. چگونه می توان ثابت کرد که موشکی برای حمل کلاهک هسته ای طراحی شده است؟ محدوده خاصی که برای تعریف موشکی با قابلیت حمل کلاهک هسته ای وجود دارد چیست؟ به این پرسش ها و سوالات مشابه آنها نمی توان بدون آگاهی از میزانی از اطمینان پاسخ داد. متأسفانه این ابهام از سوی مخالفان برجام مورد استفاده قرار می گیرد تا این توافق را زیر سوال برده و تحریم های جدیدی را علیه ایران وضع کنند.

|| آیا اقدام ایران در آزمایش موشک میان برد نقض قطعنامه ۱۹۲۹ بود؟

قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل محدودیتی را بر برنامه موشکی ایران از جمله موشک های میان برد اعمال می کند. اما با این وجود ما باید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را که در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید به یاد داشته باشیم. در بند هفتم این قطعنامه بخش اول عنوان شده که بر اساس مشاهدات شورای امنیت از گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد عمل به تعهدات هسته ای از سوی ایران، قطعنامه های ۱۶۹۶ (تصویب شده در سال ۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (تصویب شده در سال ۲۰۰۹)، ۱۷۴۷ (تصویب شده در سال ۲۰۰۷)،

استاد دانشگاه آلابامای آمریکا با اشاره به بهانه جویی برخی کشورها درباره برنامه موشکی ایران و استناد آنها به قطعنامه ۱۹۲۹ گفت که به موجب تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، قطعنامه های قبلی دیگر ماهیتی ندارند.

اقدام ایران در آزمایش کردن موشک جدید عاملی شده تا تندرتهای حاضر در کشورهای غربی و همچنین رقیبان منطقه ای ایران پروژه های هراسی خود را دوباره به راه بیاورند و تلاش کنند تا بدین ترتیب کشورهای غربی اقدامات تنبیهی جدیدی را علیه تهران به اجرا بگذارند. از سوی دیگر برخی نگران آن هستند که بزرگنمایی افراطیون غربی در مورد تهدیدهای ناشی از برنامه موشکی ایران بر اجرای برجام تأثیر بگذارد. در همین رابطه برای تحلیل بهتر این جریان با پروفسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی به گفتگو نشستیم که مشروح آن به شرح زیر است

|| چرا برخی کشورها سعی در محدود کردن برنامه موشکی ایران دارند؟

برخی کشورها توانایی های موشکی ایران را به عنوان موثرترین نیروی بازدارنده این کشور در برابر تجاوزهای احتمالی در منطقه می دانند. این دیدگاه با در نظر گرفتن این حقیقت که دشمنان منطقه ای ایران اقدام به خرید و انبار حجم گسترده ای از سلاح کرده و توانایی های نظامی خود را نیز افزایش داده اند مشخص می شود. برای مثال، عربستان سعودی سومین بودجه بزرگ نظامی جهان را دارد و یک اشتیاق پایدار برای خرید پیشرفته ترین تسلیحات از غرب را دارد. حتی یک کشور کوچک همچون امارات نیز به این جریان پیوسته است. این کشورها و همراهان غربی آنها می خواهند تا برتری نظامی خود را بویژه در بعد هوایی

۱۸۰۳ (در سال ۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (تصویب شده در سال ۲۰۱۰) و قطعنامه ۲۲۲۴ (تصویب شده در سال ۲۰۱۵) باید خاتمه بیابند. به عبارت دیگر قطعنامه ۱۹۲۹ به موجب تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ دیگر ماهیتی ندارد.

|| آیا تنش های میان ایران و عربستان تأثیری بر اجرای برجام خواهند داشت؟

همه طرف های حاضر در توافق هسته ای ایران از مدت ها پیش اعلام کرده اند که خود را متعهد به اجرای برجام می دانند. با این وجود با توجه به آنکه تنش های اخیر میان عربستان و ایران تا چه حد افزایش خواهند یافت این امکان وجود دارد که مخالفان منطقه ای و آمریکایی برجام از این تنش ها سوءاستفاده کرده و از آن به عنوان اهرمی برای از مسیر خارج کردن برجام استفاده کنند. عربستان سعودی در میان کشورهایی است که علیه برجام لابی های زیادی را انجام داده است و ریاض حامیان قدرتمندی در کنگره آمریکا دارد که آنها بدون شک از طریق اعمال تحریم های جدید علیه ایران سعی در خارج کردن برجام از مسیر خود خواهند داشت.

شوند، ناچیز است.

از سوی دیگر گروهی مدعی اند اعمال تحریم های جدید در شرایط فعلی، ممکن است توافق به دست آمده برای برچیدن بخش مهمی از فعالیت های اتمی ایران را به خطر بیاندازد.

برخی دیگر نیز به تاثیر اعمال این تحریمها بر فضای سیاسی و انتخابات پیش روی ایران اشاره کرده اند. گزارش تازه وال استریت ژورنال در زمانی منتشر شده که حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، در آستانه آغاز سال نوی میلادی، نامه ای به وزیر دفاع خود نوشت و خواستار «تولید انواع موشک های مورد نیاز نیروهای مسلح با سرعت و جدیت بیشتر» شد.

با این همه جان کری، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده، گفته است موضوع تحریم های جدید ایران، ارتباطی با «تهدیدهای» اخیر و توافق اتمی صورت گرفته ندارد.

کری ادعا کرده است «ما به اقدامات مناسب خود برای جلوگیری از رفتارهای بی ثبات کننده تهران ادامه می دهیم».

پیش از این قرار بود در صبح چهارشنبه (به وقت واشنگتن) این تحریمها اعلام شوند، اما به گزارش وال استریت ژورنال در همان روز تصمیم گرفته شد که فعلاً به تأخیر بیافتند.

می گوید اعمال این تحریم ها، در سایه اجرای توافق اتمی میان تهران و شش قدرت جهانی، به تأخیر افتاده است. در حال حاضر ایران در حال اعمال محدودیت هایی بر برنامه اتمی خود است، و در پی آنها تحریم های بین المللی علیه تهران برداشته خواهند شد.

مقامات دولتی آمریکا تأکید کرده اند که کاخ سفید برای مقابله با «توسعه برنامه موشکی» ایران «ثابت قدم» است و وزارت خزانه داری آن کشور نیز همچنان تحریم های جدید را در دستور کار خود دارد. با این همه تاریخ مشخصی برای اعمال این تحریم های احتمالی ارائه نشده است.

قانونگذاران جمهوریخواه در ایالات متحده انتقادهایی را متوجه دولت باراک اوباما کرده و می گویند رئیس جمهوری و دولت آن کشور اراده خود را برای به چالش کشیدن ایران از دست داده اند. برخی دیگر از منتقدان می گویند تحریم های احتمالی جدید در برابر تحریم هایی که قرار است برداشته

وال استریت گزارش داد:

کاخ سفید اجرای تحریم های جدید ایران را به تعویق انداخت

یک روزنامه آمریکایی از اقدام کاخ سفید در به تعویق انداختن تحریم های جدید ایران خبر داد.

تحریم های جدیدی که قرار بود کاخ سفید علیه ایران، به خاطر «توسعه برنامه موشکی» آن اعمال کند، به تأخیر افتاده است.

هر چند این تحریم ها به تعویق افتاده اما مقام های ایالات متحده بر مقابله با برنامه موشکی جمهوری اسلامی تأکید کرده اند.

در روزهای گذشته اعلام شده بود که آزمایش های اخیر موشکی در ایران سبب شده تا آمریکا تحریم های تازه ای را علیه افراد حقیقی و حقوقی مرتبط با این موضوع آماده کند و فهرستی از کسانی که قرار بود با تحریم های جدید روبه رو شوند نیز منتشر شد که دست کم ۱۲ فرد و شرکت را در بر می گرفت.

روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از مقامات رسمی



خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیران: سمیه خماری
رامین حسین آبادیان

اهمیت نبرد الرمادی در جنگ با داعش در عراق / موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک

فرزاد فرهادی



قطع شد. محورهای عملیات از الحصیبه در شرق الرمادی و منطقه العنکور به سوی مناطق الطاشی و کیلومتر ۳۵ تا محور غربی در کیلومتر ۱۸ بود و نیروهای عراقی بر ناظم التقسیم و منطقه الالین در جنوب شرق مسلط شدند.

موانع موجود در مسیر آزادسازی الرمادی

اما آنچه عملیات در الرمادی را سخت می کرد وجود غیر نظامیان در آن است که نیروی هوایی عراق با پخش اطلاعیه هایی از آنها خواست که شهر را ترک کنند. وجود غیر نظامیان امکان عملیات هوایی و توپخانه ای را دشوار می کند. تروریست ها مطابق معمول از بمب گذاری خیابان ها و مناطق اطراف آن استفاده می کنند. تکفیری ها از غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی استفاده می کنند و اجازه خروج آنها را نمی دهند.

عزم راسخ برای فتح الرمادی

اما با وجود دشواری های عملیات بازپس گیری الرمادی ارتش عراق مصمم به انجام آن است زیرا بازپس گیری این شهر اهمیت استراتژیک و ملی برای دولت عراق در جنگ با داعش دارد.

نیروهای امنیتی و مردمی عراق مصمم هستند تا داعش را در الرمادی به زانو درآورند. نیروهای عراقی کوی افسران را به کنترل خود درآورده اند و موفق به ورود به منطقه البکر در الرمادی شده اند. این منطقه در حدفاصل میان الحمیره و ساختمانهای دولتی واقع شده است. نیروهای عراقی پل های شناور بر روی رود السورار بسته اند تا به سوی مرکز الرمادی بروند.

تاکنون در این عملیات غافلگیر کننده بسیاری از تروریست های داعش به مزارع مجاور گریخته اند. ده ها تروریست به هلاکت رسیده و خودروهای بمبگذاری شده آنها منهدم شده است. نیروهای عراقی در حال پیشروی به سوی مرکز الرمادی و پاکسازی همه مناطق این شهر هستند. داعشی ها در الرمادی چاره ای جز مرگ و تسلیم شدن ندارند.

ها از سلاح آب در جنگ علیه عراق و مردم آن بهره برده اند.

– مرکز یکی از بزرگترین استان های عراق که یک سوم مساحت عراق را تشکیل می دهد، است. – اهمیت بافت جمعیتی آن که نزدیک به یک میلیون نفر هستند و بیشتر آنها را عشایر تشکیل می دهند. – این شهر از کانون های مهم مقابله با آمریکایی ها بوده و شورای های بیداری در آن تشکیل شده است. – این شهر در نزدیکی بغداد واقع است و حلقه ارتباط اصلی راههای بین المللی میان بغداد-مشق و امان است. این مثلث گذرگاهی تقریباً اجباری در ارتباط میان سه پایتخت مذکور است و بنابراین پیوند دهنده زمینی استراتژیکی میان سوریه، اردن و عراق است. رود فرات وارد آن می شود و در داخل آن به سوی فلوجه در شرق و دریاچه حبانیه در جنوب شرق حرکت می کند. میان مناطق آنها پلهای آبی بر رود فرات وجود دارد که بر اهمیت جغرافیایی حساس آن می افزاید.

– برای ارتش عراق، شهر الرمادی از نظر نظامی و استراتژیک در جنگ با تروریست ها اهمیت استراتژیکی بیش از موصول دارد. این شهر دروازه خطر برای بغداد و کربلا است. هر که بر آن مسلط شود می تواند بر اغلب محورهای منتهی به پایتخت عراق و جنوب عراق مسلط شود.

اصرار دولت عراق بر بازپس گیری الرمادی

این اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی سبب می شد که دولت عراق خیلی سریع به دنبال بازپس گیری الرمادی باشد و نیروهای ارتش و مردمی با انواع سلاح های سنگین در اطراف این شهر خیمه زدند. مشکلی که درباره ورود نیروهای مردمی به الانبار وجود داشت پس از موافقت شیوخ الانبار حل شد.

در مراحل اول و دوم عملیات مناطق زیادی در منطقه الکرمه در شمال شرق الرمادی آزاد شدند. خط جنوب سامراء به الرثار متصل شد. امداد رسانی برای داعش از استانهای نینوا و صلاح الدین به طور کامل قطع شد و از سمت شمال غرب الانبار نیز تا حدودی

نیروهای عراقی که از مدتها قبل در اطراف الرمادی مرکز استان الانبار در غرب این کشور گلوی داعش را فشرده اند آرام به داخل این شهر استراتژیک وارد شده اند تا ضربه نهایی را بر تکفیری ها وارد کنند.

الرمادی شهری است که حدود ۱۰۸ کیلومتر با بغداد فاصله دارد. این شهر در استان الانبار یکی از استانهای پهناور عراق قرار دارد. این شهر در جنوب غرب آنچه مثلث سنی عراق نامیده می شود واقع شده است. بر اساس برآوردها تعداد ساکنان آن ۹۰۰ هزار نفر تخمین زده می شود.

بیشتر ساکنان این شهر از عشایر الیدیم البوفهد، البوعلوان، البوذیاب، البوعساف، البومرعی، البو خلیفه، البو ریشه و البوعبید هستند. این شهر در دوره مدحت پاشا در حدود سالهای ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۲ بنا شده است. در حدفاصل الرمادی و فلوجه فرودگاه سن الذبان که انگلیسی ها در سال ۱۹۳۵ بنا کردند، قرار دارد.

پس از سال ۱۹۳۲ الرمادی به شکل کنونی آن درآمد و راههای مواصلاتی در آن کشیده شد و کارهای عمرانی در آن صورت گرفت. در دوره اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، الرمادی محلی برای مبارزه با آمریکایی ها بود.

گروه داعش در سال ۲۰۱۴ هنگامی که بخش هایی از عراق را اشغال کرد وارد الانبار هم شد اما سقوط شهر الرمادی به دست داعش در هفده ماه مه ۲۰۱۵ بود. تروریست ها داعش از دو محور شمال از منطقه البوفراج و دوم از شرق از ناحیه فرات در امتداد الحبانیه و الخالدیه در مسیر الرمادی-فلوجه به این شهر یورش بردند.

همزمان با این یورش، داعش از ۲۷ عملیات انتحاری در ورودی های شهر الرمادی استفاده کرد و به دنبال آن تکفیری ها مانند مور و ملخ وارد شهر شدند و مناطق خیابانهای این شهر را اشغال کردند که از جمله آن مقر تیپ دوم ارتش عراق در داخل این شهر و منطقه سد السورار در شمال غرب بود.

اهمیت استراتژیک این شهر از جمله دلایل اشغال آن توسط داعش بوده است.

موقعیت ژئوپلیتیک

– این شهر از موقعیت جغرافیایی ممتازی برخوردار است و به بغداد نزدیک است. داعش با اشغال این شهر به عنوان اهرم فشاری علیه ارتش عراق استفاده می کند.

– مرزهای چسبانی با سوریه دارد و این امکان را به داعش می دهد که تحرکات زیادی داشته باشد. داعش از این طریق امکان حرکت در دیگر مناطق استان الانبار و به داخل سوریه را دارد. حرکت به سوی شهرهایی مانند القائم و البوکمال و دیرالزور یا به سوی تدمر در حمص سوریه از این مسیر میسر است. داعش می تواند از تروریست های خود در الحبانیه و فلوجه حمایت کند و با دشت جنوب غرب منطقه به سمت اردن و عربستان سعودی ارتباط داشته باشد.

– تسلط بر الرمادی به مثابه تسلط بر جریان آب به سوی مرکز و جنوب عراق است به ویژه که تکفیری

گفتگو با معاون وزیر خارجه سابق ترکیه:

تروریسم ارتباطی به اسلام ندارد/ ماهیت واقعی ائتلاف سعودی مشخص نیست

پیمان یزدانی



«اوزدم سانبرک» با رد «اسلامی» خواندن ائتلاف ضد تروریسم سعودی، تروریسم را مشکلی جهانی دانست که ارتباطی به اسلام ندارد و گفت: تأکید بر اسلامی بودن راهکار مبارزه با تروریسم نوعی به دام افتادن است. هفته گذشته «محمد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان اعلام کرد که ائتلافی با حضور ۳۴ کشور به همراه تشکیلات خودگردان فلسطین برای آنچه وی مبارزه با تروریسم خواند تشکیل شده است.

این ائتلاف به اعتقاد برخی از کارشناسان و سیاستمداران منطقه به خاطر وجود اختلافات گسترده داخلی بین اعضای ائتلاف و عدم حضور کشورهای ایران که از قدرت های منطقه ای است نخواهد توانست به اهداف ادعایی خود دست یابد.

در همین راستا در روزهای گذشته گروهی از دیپلمات های ارشد سابق ترکیه درباره ماهیت و ساختار مذهبی حاکم بر این ائتلاف هشدار داده و تصریح کردند چنین ائتلافی می تواند به تشدید اختلافات فرقه گرایانه در منطقه بیانجامد.

در همین خصوص گفتگویی با «اوزدم سانبرک» رئیس سازمان تحقیقات استراتژیک بین المللی (USAK) و معاون وزیر خارجه پیشین ترکیه انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است.

|| با توجه به اینکه کشورهای عضو ائتلاف سعودی ضد داعش تعریف مشترک و واحدی از موضوع تهدید ندارند و خودشان در میان خودشان اختلافات زیادی دارند، آیا فکر می کنید چنین ائتلافی موفق خواهد بود؟

ایجاد کند تا همکاری بهتری با همدیگر داشته باشند و بر اختلافاتشان غلبه کنند، حتی آنهایی که دارای دیدگاه های متفاوت هستند.

|| چنین ائتلافی بدون حضور بازیگر عمده ای مثل ایران چه جایگاهی خواهد داشت؟

استفاده از واژه «اسلامی» برای این ائتلاف مشکل ساز است زیرا آنچه که ما با آن درگیر هستیم ارتباطی به دین ندارد و قرار است ما یک مسئله ملموس را حل و فصل کنیم. به اعتقاد من عربستان سعودی باید به عنوان کشور ایجادکننده ائتلاف و ایران که خارج از این ائتلاف است در این خصوص مواضع خود در قبال همدیگر را

در ائتلاف ها اینکه کشورهای عضو دارای دیدگاه ها و برداشت های کاملاً مشترک از یک تهدید باشند مسئله ضروری نیست. نمی توان گفت که تمامی کشورهای که به یک «ائتلاف اراده ها» می پیوندند باید همیشه دارای اهداف دقیقاً یکسان و درکی دقیقاً یکسانی از تهدیدات داشته باشند. خود نفس دور هم گرد آمدن برای کاری ممکن است حتی مشوق هایی برای کشورها

هر چند ما هنوز به خاطر نداشتن بسیاری از جزئیات درباره این ائتلاف از ماهیت واقعی آن خبر نداریم. مشارکت ترکیه در این ائتلاف می تواند از میزان فرقه ای بودن آن بکاهد.

|| آیا فکر نمی کنید که بهتر بود چنین ائتلافی که عنوان ائتلاف اسلامی ضد تروریسم را دارد از طریق سازمان همکاری اسلامی صورت می گرفت و تشکیل می شد؟

مجدداً تکرار می کنم این نوع همکاری نیازی به این ندارد که تحت عنوان اسلامی صورت گیرد زیرا تعریف این مشکل به عنوان مشکلی «اسلامی» غیرمنطقی است و به تبع آن «اسلامی» خواندن راهکار آن نیز اشتباه است. پدیده تروریسم که ما امروز با آن مواجه هستیم، عملاً یک مشکل جهانی است پس باید ما بتوانیم گزینه های سیاست محکم را برای برطرف کردن آن بکار بندیم. به اعتقاد من داشتن نگاه مبتنی بر مذهب برای حل یک مشکلی که غیر مذهبی است؛ به نوعی در دام افتادن است.

تعدیل کنند. حقیقتاً باید دو کشور خیلی پیشتر در خصوص حل مشکلات منطقه ای شروع به همکاری با هم می کردند و این کار ابتدا باید قبل از اینکه مسئله سوریه یک مسئله جهانی می شد از طریق یک مکانیسم منطقه ای در سوریه توسط ایران و عربستان آغاز می شد.

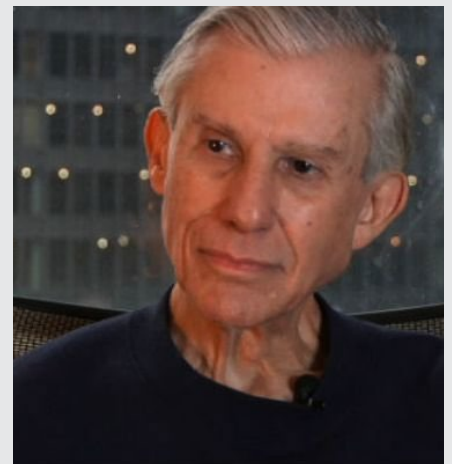
برای دستیابی به یک مکانیسم واقعی که بتواند پاسخگوی حل و فصل مشکلات منطقه ای باشد بازیگران منطقه ای یا کشورهای که جمعیت بزرگ مسلمان دارند باید بتوانند برای حل مشکلاتشان فراتر از تفکرات و اختلافات مذهبی خودشان عمل کنند. این بازیگران باید سعی کنند مشکلاتشان را از طریق گفتگو و راهکارهای سیاسی حل و فصل کنند.

|| تبعات یا مزایای احتمالی حضور ترکیه در چنین ائتلافی برای آنکارا چه خواهد بود؟

ترکیه و دیگر بازیگران با استفاده از روابط خوب خود با کشورهای مسلمان از جمله ایران می توانند با حضور در این ائتلاف این تضمین را بدهند که چنین مکانیسمی صرفاً یک مکانیسم فرقه ای نخواهد بود.

گفتگو با نظریه پرداز آمریکایی:

غرب چشم خود را به روی جنایات عربستان بسته است



نظریه پرداز آمریکایی با اشاره به اعدام شیخ نمر توسط عربستان سعودی گفت: آمریکا و دیگر کشورهای غربی چشم خود را به روی جنایتهای عربستان بسته اند.

وزارت کشور عربستان سعودی امروز با صدور بیانیه ای اعلام کرد که ۴۷ نفر را در این کشور اعدام کرده است که آیت الله «شیخ نمر النمر» و «فارس الشویل» نیز در میان آنها قرار دارند.

دادگاه عالی عربستان حکم اعدام شیخ نمر النمر را تأیید کرده بود و این حکم در مرحله ای قرار داشت که تنها به دستور پادشاه عربستان اجرا و با لغو می شد که به مرحله اجرا درآمد. آنچه در این میان جالب توجه می نماید چشم چوشتی مدعیان حقوق بشر در خصوص جنایات آل سعود است.

استفن لندمن نظریه پرداز آمریکایی در خصوص اعدام

شیخ نمر النمر و چرایی سکوت حامیان غربی آل سعود از این اقدام به خبرنگار مهر گفت: تنها نظر من در این خصوص این است که آمریکا و دیگر کشورهای غربی به همراه رسانه های عمده خودشان چشم خود را به روی زشت ترین جنایات ریاض بسته اند.

این نظریه پرداز برجسته آمریکایی در ادامه تصریح کرد: آنها چشمان خود را به روی نقض وحشتناک حقوق بشر توسط عربستان بسته اند.

لندمن در ادامه افزود: حامیان عربستان سعودی چشمان خود را به روی حمایت های سعودی از داعش و دیگر گروه های تروریستی بسته اند. عربستان حامی تروریستهاست و این موضوع اصلاً برای حامیان آن اهمیت ندارد.

وی در ادامه یادآور شد: آنها چشمان خود را به روی تجاوز عربستان و آشکار عربستان به یمن که با هماهنگی واشنگتن صورت گرفته است بسته اند. لندمن در پایان با اشاره به جنایتهای دولت آمریکا در سوریه تصریح کرد: حامیان آمریکا و عربستان شریک جنگ اوپاما در سوریه هستند.

«محمد البختی»؛

جنگ یمن به داخل عربستان کشیده شده است / یمن گورستان اشغالگران



مسالمت آمیز دارند. البختی در پاسخ به این پرسش که آیا قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت ملاک مذاکرات آتی انصارالله خواهد بود گفت: اکیدا خیر. ما می دانیم که تلاش های بین المللی بسیاری شده بود اتفاق نظری میان نیروهای مخالف و موافق تجاوز یمن ایجاد شود ما به یک توافق ۷ بندی رسیدیم و اعلام کردیم هر آنچه که با حاکمیت یمن در تعارض باشد مخالفیم، قطعنامه شورای امنیت جانبدارانه است و حمله به یمن را توجیه می کند، حق دفاع مردم یمن را نهی و حاکمیت یمن را نقض می کند و ما می گوئیم آنچه در نهایت حکم خواهد کرد نتیجه جنگ است که امور را روشن خواهد کرد نه قطعنامه شورای امنیت.

وی در پاسخ به این پرسش که انصار الله یمن متهم شده است روند سیاسی را قبول ندارد و می خواهد از راه جنگ و قدرت نتیجه را به پایان برساند گفت: ما از وقتی که عبدربه منصور هادی استعفا داد خواستار انتخاب رئیس جمهور و دولت جدید بودیم اما طرفداران عربستان مانع این راه حل شدند ولی باز هم قبل از اینکه جنگ آغاز شود به تفاهماتی رسیده بودیم اما جنگ شروع شد و راه حل تعطیل شد، اکنون ۹ ماه از جنگ می گذرد و نیروهای مردمی حامی سعودی راه حل ها را نمی پذیرند و شرط وضع می کنند مثل عقب نشینی انصار الله از شهرهای یمن و بازگشت عبدربه منصور هادی و توقف ۷ روزه جنگ.

البختی تصریح کرد: اگر ما این شروط را قبول می کردیم و عبدربه منصور هادی به یمن بازمی گشت دیگر نیازی به مذاکره نبود. ما توانستیم پیروزی هایی در جنگ داشته باشیم و جنگ را به خاک عربستان بکشانیم، طرفداران عبدربه منصور هادی می گویند عبدربه منصور هادی به منصب خود بازگردد اما مشکل اینجا است که آنها می خواهند سلطه در دست آنها باشد در حالی که پایگاهی در یمن ندارند ما می گوئیم در یمن باید شراکت باشد. اکنون مسئولیت توقف مذاکرات برعهده آنها است و ما می گوئیم تنها گفتگو راه حل بحران یمن است.



تهایی موشک اسکاد است. ما در نهایت پیروز خواهیم شد، مردم ما در پی جنگ کنونی متحدتر شده اند و با اینکه هزاران بمب و موشک بر سر ما فرود آمد اما آینده را بسیار روشن می بینیم. آل سعود به آمریکا و اسرائیل تکیه کرده است اما آنها قدرت ما که به خدای عزوجل است را ندیده اند.

در ادامه این نشست محمد البختی درباره حضور القاعده در یمن اظهار داشت: آنچه درباره اوضاع القاعده باید بگوئیم این است که وضعیت القاعده در این کشور با دیگر کشورهای اسلامی فرق می کند. مردم یمن توانسته بودند القاعده را محاصره کنند و این گروه قبل از شروع جنگ یمن در آستانه فروپاشی بود اما اکنون زمانی که خواستیم حمله را وارد شمال یمن کنیم و وارد خاک عربستان شویم در چنین شرایطی القاعده از فرصت استفاده کرد و در جنوب یمن مستقر شد.

وی افزود: البته مسئولیت پیکار با القاعده برعهده ارتش و کمیته های مردمی یمن نیست بلکه مردم جنوب یمن نیز باید در برابر القاعده ایستادگی کنند. معادله قدرت در حال حاضر به نفع ارتش و کمیته های مردمی یمن است چرا که این جنگ اکنون وارد خاک عربستان شده و ما موشک بالستیک را وارد عمل کردیم و با این کار سعودی ها را نگران کرده ایم. با کشیده شدن جنگ به خاک عربستان، نه تنها موازنه قوا را در داخل یمن بلکه در کل منطقه ایجاد کردیم و این موضوع سعودی ها را وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

شیخ عبدالسلام وجیه نیز اظهار داشت: علی رغم حباب صوتی و پدیده رسانه ای که به نام القاعده شناخته می شود باید اعلام کنیم القاعده در جنوب یمن جایگاهی ندارد چرا که فکر مردم جنوب یمن که شافعی هستند خواهان تفکر تکفیری نیست. عربستان میلیاردها دلار برای گسترش القاعده در یمن هزینه کرده است اما با این حال مذهب شافعی و زیدی در یمن با هم همزیستی

عضو دفتر سیاسی جنبش انصار الله یمن در نشست خبری بررسی تحولات یمن با اعلام اینکه قطعنامه اخیر شورای امنیت درباره یمن جانبدارانه است گفتگو را تنها راه حل بحران این کشور دانست.

نشست بررسی تحولات یمن امروز با حضور «محمد البختی» عضو دفتر سیاسی جنبش انصار الله یمن و «شیخ عبدالسلام وجیه» عضو مجلس علمای زیدی و رابطه العلماء یمن و با حضور رسانه های مختلف در خبرگزاری مهر برگزار شد.

«شیخ عبدالسلام وجیه» عضو مجلس علمای زیدی و رابطه العلماء یمن در ابتدای نشست اظهار داشت: یمن مورد هجوم وحشیانه ای قرار گرفته است حمله ای جهانی که توجیه انسانی ندارد. صهیونیست ها، آل سعود و آمریکا در این تجاوز دست دارند اما مطمئن باشید یمن گورستانی برای اشغالگران خواهد بود. این هجوم طی ۹ ماه گذشته به تخریب زیرساخت ها، مدارس و بیمارستان ها و شهید و زخمی شدن هزاران نفر منجر شده است. ولی آنچه دردناک است و ما از آن رنج می بریم سکوت جهانی در زمینه اطلاع رسانی در جهان و حتی نهادهای بین المللی است.

وی افزود: یمن یک کشور ثابت پایدار و مقاوم است که شاخ شیطان را همچون قبل خواهد شکست، بسیاری از مزدوران اماراتی، سعودی و کلمبیایی را در جنگ یمن به درک واصل کردیم و این کشور گورستانی برای اشغالگران خواهد بود.

وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به حملات علیه مردم بی دفاع یمن آینده این کشور را چگونه ارزیابی می کنید و یمن تا چه اندازه می تواند پایداری کند گفت: نیروهای اشغالگر فکر می کردند ظرف یک هفته می توانند جنگ را به پایان برسانند و پیروز شوند اما متجاوزان تاریخ را نخوانده بودند و یمن همچون گذشته گورستان اشغالگران خواهد بود. یک مرد یمنی خود به

گفتگو با شیخ نعیم قاسم:

سوریه به باتلاق غرب تبدیل شد/ نقش آل سعود در پشتیبانی از تروریسم

عنوان اختلاف اساسی میان سنی و شیعه وجود ندارد و در حقیقت این موضوع یک سوء استفاده سیاسی است که هنگامی که عنوانی مذهبی به آن داده می شود امریکا و اسرائیل پشت آن قرار می گیرند. وی ادامه داد: همچنین بخشی از مسلمانان که تعداد اندکی هستند و دارای تفکر وهابی می باشند و همه مسلمانان را کافر می دانند اختلافات مذهبی را مستقیما ایجاد می کنند اما ما نمی توانیم بگوییم که این اختلافات فقط یک فتنه مذهبی است بلکه فتنه ای اسلامی است زیرا آنان با سنی ها بیشتر از شیعیان درگیر هستند و در حقیقت تکفیری ها مشکلی برای همه مسلمانان بوده یک مشکل مذهبی داخلی نیستند.

معاون دبیر کل حزب الله لبنان درباره نقش نظام سلطه در برنامه ریزی برای تجزیه کشورهای منطقه نیز گفت: نظام استکبار جهانی که در امریکا خلاصه می شود می خواهد بر منطقه تسلط یابد و معتقد است که اختلافات میان کشورهای منطقه و اختلافات در داخل این کشورها راه تسلط بر گروه های درگیر در جنگ و تسلط بر این کشورهای درگیر آشوب و مشکلات را آسان تر می کند. شیخ نعیم قاسم با بیان اینکه البته معلوم نیست که آیا آنان به دنبال تجزیه جغرافیایی هستند یا خیر، افزود: شاید به تجزیه جغرافیایی نیازی هم نداشته باشند زیرا تجزیه سیاسی که ایجاد کرده اند و تحریک کشورها بر ضد یکدیگر، به خودی خود یک مشکل بسیار بزرگ است لیکن آنها انشاءالله موفق به اجرای این پروژه نخواهند شد.



دامن زدن به این اختلافات و فرق گذاشتن میان مسلمانان سنی و شیعه است و در پس آن اختلافات مذهبی عوامل سیاسی و اختلافات سیاسی نهفته است که رنگ مذهبی به خود می گیرد زیرا اساسا ما اختلافی تحت عنوان رودرویی سنی با شیعه یا بالعکس نداریم. معاون دبیر کل حزب الله لبنان در این باره افزود: دلیل اختلاف موجود این است که آل سعود می خواهد بر عراق، سوریه و یمن تسلط یابد و دست به چنین اقداماتی می زند، آیا این ربطی به شیعه و سنی دارد؟ این یک سلطه گری سیاسی است که آنها دنبال می کنند. امریکا هنگامی که می خواهد بر منطقه تسلط یابد به عنوان یک مستکبر دست به این کار می زند و اسرائیل هنگامی که بر منطقه تسلط پیدا می کند به عنوان یک نیروی اشغالگر این کار را می کند پس چیزی تحت

دفع کرد مگر با تشکیل محوری بدین شکل، اما به لطف خداوند متعال داده های موجود حکایت از آن دارد که پروژه تکفیری ها شکسته شده و همچنین از پیشروی پروژه غربی - صهیونیستی نظام سلطه جلوگیری به عمل آمده است زیرا هدف جبهه استکبار شکست دادن سوریه در چند ماه بود ولیکن سوریه ۵ سال است که پایداری می کند و اوضاعش رو به بهبودی است و به باتلاقی برای غرب تبدیل شده است، بنابراین باید محور چهار ضلعی مذکور ادامه پیدا کند و این به سود منطقه و به سود اعضای این محور است. شیخ نعیم قاسم همچنین در پاسخ به سوالی پیرامون مهمترین عامل ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و نقش گروه های تروریستی و دستگاه های اطلاعاتی غرب در این زمینه گفت: مهم ترین سبب بروز اختلافات مذهبی

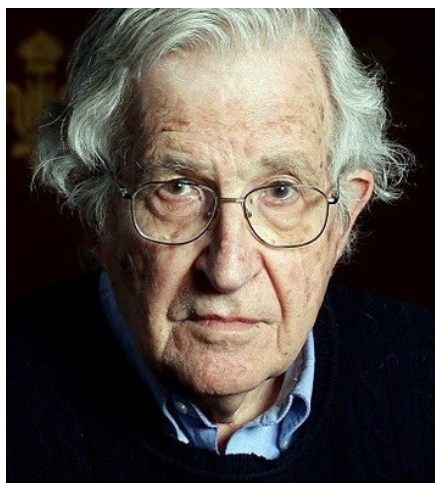
معاون دبیر کل حزب الله لبنان تأکید کرد محور چهار ضلعی روسیه و سوریه و عراق و ایران مصمم است مانع تسلط امریکا و همپیمانانش بر سوریه و عراق شود. شیخ نعیم قاسم که برای مشارکت در کنفرانس وحدت اسلامی به تهران سفر کرده است با بیان اینکه جریان تروریستی - تکفیری مورد حمایت کشورهای غربی در حال شکست است، گفت: این محور چهار ضلعی در نتیجه رخدادهای منطقه و به ویژه اوضاع سوریه تشکیل شد زیرا مصلحت حتمی این کشورها ایجاب می کند مانع تسلط امریکا و همپیمانانش بر سوریه و عراق شوند و از تغییر سیاست های این دو کشور و تغییر نظام سیاسی در بغداد و دمشق جلوگیری کرده و اجازه ندهند دشمنان اهدافی را که سوریه در مقاومت و استقلال دنبال می کرد ناکام گذارند.

شیخ نعیم قاسم در ادامه افزود: من معتقدم که مصلحت حتمی همه کشورهای این محور این است که با محور امریکایی مقابله کنند زیرا هیچ یک از چهار کشور این محور به تنهایی قادر نیست از خود و از مقاومت دفاع کند و به همین خاطر باید دست به دست هم دهند تا خطر گروه های تکفیری که از همه نقاط دنیا گرد هم آمده اند و از کمک های مستقیم کشورهای منطقه ای مانند عربستان، قطر، اردن، ترکیه و کمک های مالی آل سعود و قطر و کمک های تسلیحاتی و آموزشی و حمایت امریکا و کشورهای اروپایی برخوردارند دفع کنند. وی همچنین اظهار داشت: ما با خاطر بزرگی مواجه هستیم که نمی توان آن را

گفتگو با نوآم جامسکی:

سرکوب شدیدتر شیعیان عربستان بعد از اعدام شیخ نمر محتمل است

جواد حیران نیا



شده اند. ممکن است که وضعیت شیعیان عربستان بعد از اعدام شیخ نمر بدتر نیز بشود و بیشتر سرکوب شوند. وی در پایان و در خصوص واکنش امریکا و غرب به اعدام شیخ نمر نیز گفت: آنها ممکن است تنها اعتراضاتی پوچ و توخالی نسبت به این اقدام از خود نشان دهند.

خصوص جنایات آل سعود است. پروفیسور نوآم جامسکی نظریه پرداز امریکایی و استاد بازنشسته دانشگاه MIT در خصوص اعدام شیخ نمر و چرایی سکوت حامیان غربی آل سعود از این اقدام به خبرنگار مهر گفت: در خصوص اعدام ایشان برخی واکنشها از سوی نهادهای حقوق بشری صورت گرفته است. وی افزود: اما باید توجه داشت که احتمالا هیچ کار خاص و اقدامی عملی در قبال عربستان صورت نخواهد گرفت. جامسکی در خصوص علت عدم واکنشها به اقدام عربستان گفت: دلیل این موضوع این است که عربستان یک متحد خیلی ارزشمند برای حامیان است. جامسکی در خصوص وضعیت شیعیان عربستان که حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند بعد از اعدام شیخ نمر گفت: شیعیان عربستان به صورت بدی سرکوب

نوآم جامسکی با اشاره به اینکه سرکوب شیعیان عربستان بعد از اعدام شیخ نمر ممکن است بدتر شود گفت: واکنش احتمالی غرب به این اعدام پوچ و توخالی خواهد بود.

وزارت کشور عربستان سعودی دیروز با صدور بیانیته ای اعلام کرد که ۴۷ نفر را در این کشور اعدام کرده است که آیت الله «شیخ نمر النمر» و «فراس الشویل» نیز در میان آنها قرار دارند.

پیش از اجرای این حکم، دادگاه عالی عربستان حکم اعدام شیخ نمر النمر را تأیید کرده بود و این حکم در مرحله ای قرار داشت که تنها به دستور پادشاه عربستان اجرا و یا لغو می شد که به مرحله اجرا درآمد. آنچه در این میان جالب توجه می نماید چشم پوشی مدعیان حقوق بشر در

سمیه خمارباقی

گفتگو با سفیر سابق ایران در ریاض:

اعدام شیخ نمر هشدار آل سعود به مردم و فعالان حقوق بشر این کشور است



سفیر سابق ایران در ریاض با اشاره به اعدام آیت الله شیخ نمر النمر ابراز عقیده کرد که عربستان سعودی به دوران سیاست انقباض کامل بازگشته است. وزارت کشور عربستان سعودی امروز با صدور بیانیه ای اعلام کرد که ۴۷ نفر را در این کشور اعدام کرده است که آیت الله «شیخ نمر النمر» نیز در میان آنها قرار دارد. دادگاه عالی عربستان حکم اعدام شیخ نمر النمر را تأیید کرده بود و این حکم در مرحله ای قرار داشت که تنها به دستور پادشاه عربستان اجرا و یا لغو می شد که به مرحله اجرا در آمد. در این رابطه گفتگویی با سید محمد حسینی سفیر سابق ایران در عربستان و مشاور عربی خاورمیانه وزارت امور خارجه انجام شده است که از نظر می گذرد:

|| رژیم آل سعود آیت الله شیخ نمر النمر را به رغم هشدارهای جهان اسلام اعدام کرد، چرا آل سعود دست به این اقدام زد؟

ضمن ابراز تأسف شدید از شهادت عالم بزرگوار، به نظر من می توان این را در ۳ سطح مورد تحلیل قرار داد. ابتدا در سطح داخلی خبرهایی که وجود دارد سطح نارضایتی در این کشور به ویژه پس از روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز پادشاه جدید این کشور افزایش پیدا کرد و این نارضایتی فقط در میان شیعیان نیست بلکه در میان فعالان حقوق بشری و شخصیت هایی که به هر حال وضعیت داخلی عربستان را درک می کنند نیز افزایش یافته است.

این می تواند هشدار جدی باشد در ناحیه جناح تندرو، هم به مردم و هم فعالان حقوق بشر که با مشت آهنین برخورد می کند. دومین مسئله که نباید در تحلیل غفلت کرد، تضاد جناح های قدرت هر از گاهی در مسائلی خود را نشان می دهد کما اینکه در فاجعه حج امسال ما شاهد این تضادها بودیم؛ تضاد میان «محمد بن سلمان» و «محمد بن نایف» و جناح هایی که در راس قدرت هستند. این هم می تواند ناشی از تضادهای داخلی باشد که جناح تندرو سعی می کند با امنیتی کردن

فضا، رقبای خود را از صحنه خارج کند. سطح سوم به تحولات منطقه برمی گردد، به هر حال چنین رخدادهایی را نمی توان بی ارتباط با تحولات منطقه دانست این هم می تواند در واقع هشدار به کشورهای حامی مقاومت باشد و کشورهای که به هر حال در مسائل منطقه ای تضادهایی با منافع عربستان دارند.

|| تبعات اعدام آیت الله شیخ نمر النمر برای رژیم آل سعود چه خواهد بود؟

طبعاً این حادثه نمی تواند تبعاتی برای دولت آل سعود داشته باشد چون شخصیت شیخ نمر فارغ از بحث مذهبی ایشان یک فعال حقوق بشر محسوب می شود و خواهان گشایش و اصلاحات همچون آزادی های سیاسی و اجتماعی در عربستان بود و این در واقع نشان می دهد عربستان قصد ندارد حداقل اصلاحاتی که در زمان ملک عبدالله شروع شده بود را ادامه دهد بلکه به دوران ماقبل ملک عبدالله و سیاست انقباض کامل و فشار بر فعالان حقوق بشر و شیعیان بازگشته است.

اینکه آیا دولت آل سعود بتواند با این روش سختگیرانه مردم را از دستیابی به حداقل حقوقشان باز بدارد مورد تردید است به

نظرم هم در سطح منطقه ای و هم بین المللی نارضایتی اوج خواهد گرفت، به هر حال شخصیتی مثل مجتهد عالم شیخ نمر شخصیت مشهوری در جهان اسلام و حتی غیر کشورهای اسلامی بود. در وهله اول حتماً یک پرونده سیاهی برای دولت آل سعود خواهد بود که به حقوق اولیه بشر هم اعتقاد ندارد و ناقض حقوق اولیه شهروندان خود نیز هست.

|| وظیفه رهبران دینی و سیاسی از جمله دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص این اعدام چیست؟

طبیعی است که اکنون کشورهای اسلامی به ویژه علما تحركات جدی را شروع کنند، یکسری شخصیت های مذهبی و مدافعان حقوق بشر و سازمان های مدافع حقوق بشری حتماً تحركاتی را انجام خواهند داد اما تجربه نشان داده است که دولت سعودی سعی می کند با شکردها

و تاکتیک هایی مانع از اعتراضات شود. به نظرم اتحادیه علمای بزرگ اسلام، مجمع تقریب مذاهب و علمایی که در کشورهای عربی و اسلامی هستند یک واکنش متناسبی نشان بدهند و از ظرفیت NGO ها حتی در کشورهای غیر اسلامی استفاده بشود به هر حال گروه های حقوق بشری امروزه در دنیا فعال هستند هر چند که تابع مسائل سیاست بین الملل هستند اما به هر حال گروه های که به مسائل حقوق بشری اهمیت می دهند وجود دارد.

طبیعی است که دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از ابتدا موضوع اعدام آیت الله شیخ نمر النمر را به طور جدی پیگیری می کرد و تماس های متعددی گرفته شد و هشدارهایی داده شد اما متأسفانه این اتفاق رخ داد و حتماً دستگاه دیپلماسی با ابزارهایی که دارد موضوع را پیگیری خواهد کرد اما نکته مهم که وجود دارد، آگاهی بخشی به مسلمانان و غیر مسلمانان در رابطه با ماهیت ضد حقوق بشری عربستان است.

یکی از ائمه جماعت لندن:

اعدام شیخ نمر به دستور اربابان سعودی بود/عدم استقلال آل سعود

قتل رسید، ما حکومت را به دست ولی او خواهیم داد، لذا این عمل وحشیانه سقوط آل سعود را در پی خواهد داشت و ملت مسلمان منطقه بیدار خواهد شد و اجازه نخواهد داد که رژیم آل سعود جنایات خود را ادامه دهد.

|| وظیفه رهبران دینی و سیاسی در خصوص این اقدام چیست؟

وظیفه رهبران دینی و شخصیت های مذهبی پرده برداشتن از چهره ننگین آل سعود، شناسایی صحیح شخصیت شیخ نمر و افکار ایشان، آگاهی مردم از سیاست های شوم استعماری در منطقه و قیام در مقابل جنایت های دولت استعماری و عمال منطقه ای آنها، به ویژه کار و تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی در بین فرق اسلامی است تا دشمن نتواند به اهدافی که در نظر گرفته دست یابد.

آل سعود جنایتکارترین رژیم در منطقه است. لذا از این رژیم هر جرمی می شود توقع داشت. این رژیم برای امثال آیت الله شیخ النمر چاره ای جز قتل ندارد چرا که این رژیم قصد دارد سلطه خودش را در این کشور ادامه دهد.

باید توجه داشت که دولت سعودی اراده ای از خود ندارد و این اقدام نیز بنا به اوامر اربابان و دولت های استعماری است که قصد دارند با چنین اقداماتی، جنگ تمام عیار را در بین فرق اسلامی و در منطقه بوجود بیاورند و در واقع به این طریق می خواهند رژیم صهیونیستی را حفظ کنند.

|| تبعات اعدام شیخ نمر برای آل سعود چه خواهد بود؟

همانطوری که در قرآن کریم خداوند می فرماید: «من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً نصیراً» (اگر کسی مظلومانه به

وزارت کشور عربستان با صدور بیانیه ای اعلام کرد که ۴۷ نفر را در این کشور اعدام کرده است که آیت الله شیخ نمر النمر نیز در میان آنها قرار داشت.

گفتنی است، دادگاه عالی عربستان حکم اعدام شیخ نمر النمر را تأیید کرده بود و این حکم در مرحله ای قرار داشت که تنها به دستور پادشاه عربستان اجرا و یا لغو می شد که به مرحله اجرا در آمد.

در این راستا گفتگویی با «غلام حر شبیری» یکی از ائمه جماعات امام جماعت لندن انجام شده که در ادامه از نظر می گذرد.

|| آل سعود «آیت الله شیخ نمر» را به رغم هشدارهای جهان اسلام اعدام کرد. چرا آل سعود به این اقدام دست زد؟



الگوی رفتار سیاسی حاکمان سعودی؛ بنیان سست رژیم آل سعود

محمد عبدالغنی

های زیر را ایجاد می کند:

تأمین امنیت با کمک دارائی های نفتی

مقاومت در برابر تغییرات منطقه ای

جلوگیری از هرگونه اصلاحات در داخل

پایه گذاری ائتلاف های منطقه ای مبتنی بر اصول فوق اعم از طرح تشکیل اتحادیه کشورهای عرب خلیج فارس و ایجاد فرماندهی نظامی مشترک تا پروژه افزودن مصر، مراکش و اردن به این ائتلاف های عربی در منطقه.

اما به نظر می رسد تحولات بین المللی و منطقه ای به ویژه از ابتدای هزاره سوم میلادی این راهبردهای سنتی را به تدریج منسوخ و ناکارآمدی آنها را آشکارتر کرده است.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ به عقیده بسیاری از صاحب نظران، تبعات حوادث ۱۱ سپتامبر تأثیر جدی بر ائتلاف هفتاد ساله اسلام سعودی و ایالات متحده آمریکا بر جای گذاشت. ائتلافی که در ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ بر روی عرشه ناو آمریکائی کونینسی میان عبدالعزیز و روزولت به امضا رسید. اما تبعات حوادث ۱۱ سپتامبر کار را تا بدانجا پیش برد که ایالات متحده آمریکا در جستجوی «اسلام جایگزین»

سال ۲۰۰۵ توسعه روابط با اخوان المسلمین را در اولویت سیاست منطقه ای خود قرار داد. صرف نظر از ناکامی اخوان و عقیم ماندن این سیاست آمریکا بازگشت روابط این کشور با عربستان به فردای ۱۴ فوریه ۱۹۴۵ نیز دور از دسترس قرار گرفته است.

هژمونی نئولیبرالیسم جهانی؛ گسترش هژمونی سرمایه داری نئولیبرال بر جهان و تناقضات ارزشی و ضرورت های آن با ماهیت نظام های سیاسی -ایدئولوژیک عرب خاورمیانه اعم از فرهنگ جهانی شدن، حاکمیت قانون و شفاف سازی و مهم تر از همه همگام سازی مفاهیم اسلامی با ضرورت های اقتصادی و اجتماعی نئولیبرالیسم صرف نظر از تهدید بنیان مشروعیت این نظام های سیاسی از متغیرهای اساسی تأثیر گذار بر سیاست های سنتی و الگوهای راهبردی آنها در منطقه به شمار می آیند.

سطح فزاینده پویایی نیروهای اجتماعی: تحولات ۲۰۱۱ صرف نظر از نتایج کوتاه مدت خود به شکل گیری پویایی سیاسی در میان جوامع عربی انجامید. به واقع موجی که در گفتمان های معطوف به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران از آن به

با توجه به الگوی کنش سیاسی رهبران سعودی و تحولات داخلی، منطقه ای و بین المللی به نظر می رسد ثبات و بقای این رژیم با تهدیدات جدی مواجه است.

«آلبرت اینشتاین» می گوید: «شما نمی توانید مشکلات جدید را با آگاهی قدیمی حل کنید». اما به نظر می رسد عربستان و برخی هم پیمانان عرب این کشور همچنان اصرار دارند تحولات و منازعات کنونی منطقه ای را با الگوهای تفکر سنتی و براساس راهبردهای صرفاً نظامی - امنیتی به سرانجام برسانند. قابل توجه اینکه این کشورها در کنار راهبردهای گذشته خود سیاست تهاجمی را در منطقه دنبال کرده اند. الگوی رفتار سیاسی عربستان و در سطح پایین تر، امارات و قطر در قبال کشورهای منطقه اعم از لیبی و مصر تا سوریه و عراق، و از مالی تا یمن، اقدامات پادشاهی های محافظه کار قرن نوزدهم اروپا را در ذهن متبادر می کنند.

بر این اساس می توان ادعا کرد، ساختار کنونی و تلاش پادشاهی های عربی برای حفظ وضع موجود، بی شباهت به نظام های محافظه کار قرن نوزدهم در اروپا نیست. نظامی که تحت تأثیر انقلاب فرانسه و در مقابله با نفوذ ارزش های این انقلاب مردمی بر رژیم های سلطنتی اروپا، پس از کنگره وین در سال ۱۸۱۵ توسط مترنیک، صدراعظم اتریش برقرار شد به نحوی که اتحادی تمام عیار بین رژیم های محافظه کار اروپایی در مقابل تغییرات پیش رو در اروپا به وجود آمد و بر اساس آن سرکوب شورش های آزادیخواهانه در دستور کار قرار گرفت. به عبارتی که طرح مترنیک در شکل جدید خود در قرن بیست و یکم و با سردمداری سران سعودی انجام می شود.

براشتی کلی از تحلیل ها و استقرای سیاستگذاران و کانون های تصمیم گیری درون نظام های پادشاهی عرب از تحولات کنونی منطقه از منظر سرعت این تحولات و با در نظر قرار دادن ساختار نظام های سیاسی و الگوی سنتی رفتار سیاسی این نظام ها حاکی از این واقعیت است که اصل بقاء ایجاد می کند دفاع از وضع موجود در قالب هجوم انجام پذیرد. بازتولید این راهبرد سنتی، ضرورت

بیداری اسلامی یاد می شود فراتر از آن است که با ایجاد انحراف در مسیر تحولات فوق به انزوا کشیده شود. این موج به تدریج و با تأثیرپذیری از یکایک تحولات و حوادث منطقه ای و بین المللی شکل فزاینده ای به خود گرفته و به تهدید جدی برای پادشاهی های مرتجع منطقه به ویژه عربستان تبدیل شده است.

از منظر دیگر و با الهام از الگوی تحول انقلابی «چالمرز جانسون» به نظر می رسد امواج تغییر در منطقه خاورمیانه با چند سال تأخیر به سمت عربستان جهت گیری می کند. جانسون در الگوی خود تحول انقلابی را معلول بدکارکردی چندجانبه، کشمکش نخبگان و در نهایت یک عامل سرعت بخش (کاتالیزور) عنوان می دارد.

همچنان که اشاره شد عربستان در راستای حفظ موقعیت منطقه ای خود از یک طرف و حفظ وضع موجود در خاورمیانه با اتخاذ رویکرد سنتی تلاش کرده است، ضمن پایه گذاری ائتلاف های معطوف به اصل اشتراک زبانی، نقش رهبری را در ساختار مدنظر خود ایفاء کند. این رویکرد در حال حاضر ضمن پایبندی به اصول خود به تدریج در قالب ائتلاف های فرقه ای مبتنی بر تمایزات مذهبی تجلی یافته است. عربستان در راستای مقابله با دیگر قدرت های منطقه ای به ویژه جمهوری اسلامی ایران با تقویت گروه های سیاسی و به تدریج گروه های تکفیری در عراق، سوریه، لبنان و... تلاش کرد ضمن راه اندازی جنگ نیابتی به مقابله با توسعه نفوذ این قدرت منطقه ای بپردازد. از طرفی نیز با اتخاذ راهبرد عجولانه و حمله نظامی، کشتار وسیع غیرنظامیان، انهدام زیرساخت ها و تأسیسات یمن خود را در باتلاق این کشور درگیر کرد.

در حوزه تحولات سوریه، لبنان و عراق نیز این کشور با حمایت آشکار از تروریست های تکفیری ضمن دامن زدن به ناامنی و بی ثباتی در این کشورها چهره ناخوشایندی را از خود در میان مردم برجای گذاشته است. مقاومت و پایداری دولت و مردم سوریه در برابر حملات سهمگین تکفیری های مورد حمایت عربستان و اظهار عجز حامیان غربی این گروهها از یک طرف و باز خورد های اخیر این حمایت ها در قالب انفجارهای پاریس، به علاوه تهدیدات امنیتی علیه پایتخت های اروپایی و آمریکا ضمن یادآوری تبعات حوادث یازده سپتامبر ۲۰۱۱ ناکارآمدی رویکردهای منطقه ای عربستان و هم پیمانانش را آشکارتر کرده است.

علاوه براین در حوزه داخلی نیز بدکارکردی سعودی ها در اداره مهمترین مراسم مسلمانان و کشته شدن هزاران نفر در جریان مناسک حج امسال ضمن زیر سوال بردن مشروعیت این کشور در توانائی اداره این مراسم و مطرح شدن موضوع واگذاری اداره امور حج به سازمان کنفرانس اسلامی موج خشم دولت ها و ملت های مسلمان را از آنچه ناکارآمدی سعودی ها در این راستا قلمداد می شود به دنبال داشته است. فاجعه اخیر مراسم حج و ناکارآمدی سعودی ها در جمع بندی موضوع جان باختگان ضمن ایجاد موج نارضایتی در افکار عمومی منطقه ای و بین المللی زمینه های مشروعیت زدائی را هرچه بیشتر از ملک سلمان که خود را خادم الحرمین قلمداد می کند فراهم آورد.

آنچه مسلم است تحولات منطقه ای و بین المللی اعم از روند تحولات عراق، لبنان، سوریه و به ویژه مناسبات بین المللی معطوف به توافق هسته ای اخیر هر اندازه در راستای تقویت نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران جریان داشته است، برخلاف خواسته ها و آرمان های عربستان و هم پیمانانش بوده است. این فرایند در کوتاه مدت به سردرگمی سعودی ها و اتخاذ مواضع نادرست به ویژه از جانب دستگاه سیاست خارجی و شخص وزیر خارجه جوان این کشور انجامید.

در حوزه روابط درونی حاکمیتی، شواهد حاکی از قدرت گیری نوادگان بنیان گذار پادشاهی آل سعود در عربستان

حاکمی از کاهش حجم این ذخایر تا پایان دهه کنونی است. علاوه بر این هشدارها احتمال افزایش قیمت آب آشامیدنی برای غیر شهروندان در این کشور و همچنین برنامه ریزی های انجام شده با هدف کاهش بارانه سوخت برای نخستین بار در تاریخ عربستان سعودی شاهدهی بر این مدعا است.

بنابراین با توجه به الگوی کنش سیاسی رهبران سعودی و تحولات داخلی، منطقه ای و بین المللی به نظر می رسد ثبات و بقای این رژیم کم از زمان تحولات ۲۰۱۱ و علیرغم پیش لرزه های وارده نسبتاً حفظ شده است، در حال حاضر با تهدیدات جدی مواجه شده است. تدبیر در جمله نخستین اینشتاین و بهره مندی از الگوی چالمرز جانسون در بررسی روند تحولات پادشاهی آل سعود حاکمی از این واقیعت است که بدکار کردی و سردرگمی سیاست گذاران داخلی و دستگاه دیپلماسی این کشور در برخورد با بحران های به وجود آمده به ویژه بحران عراق، یمن، سوریه در کنار حادثه اخیر منا و کاهش قیمت نفت همگام با کشمکش داخلی و جنگ قدرت میان خاندان سعودی این کشور را آبیستن حواث و دگرگونی های بسیاری کرده است. براین اساس به نظر می رسد رویکرد عجول مأبانه دولتمردان کنونی عربستان آخرین حلقه سرانجام بخش این تحولات و زمینه های تسریع دگرگونی ها را در این رژیم فراهم خواهد آورد.

سرنوشت ما وابسته به هوا و هوس عده ای نوجوان و تصمیمات عجولانه آنها باشد». در موضع دیگری نیز ضمن اشاره به ضعف جسمی و عقلی ملک سلمان که از بیماری آلزایمر رنج می برد، عزم جدی جمعی از امرای آل سعود و برخورداری این افراد را از حمایت مردمی و سران قبائل در جهت برکناری پادشاه فعلی بیان می کند. این پیام ها حاکمی از سرخوردگی فزاینده بین بخش هایی از خاندان حاکم است که احساس می کنند به حاشیه رانده شده اند. به علاوه اینکه رفتارهای این چینی در حد خود پدیده ای نوظهور در ساختار بسته قدرت عربستان سعودی به شمار می آید.

در کنار سردرگمی سیاست خارجی و بی ثباتی داخلی، کاهش قیمت نفت در ماه های اخیر که خود معلول همین سیاست های نابخردانه سعودی ها است متغیر اساسی در تهدید امنیت ملی و دوام پادشاهی آل سعود به شمار رفته است. این متغیر از آنجا اهمیت می یابد که بذل و بخشش سعودی ها به مردم این کشور از محل درآمدهای نفتی، مهمترین ابزار در شرایط بحرانی و با هدف خاموش کردن اعتراضات داخلی به شمار می آید. براین اساس تداوم ثبات فعلی قیمت نفت برای مدت زمان طولانی می تواند انتقادات بسیاری را از بابت تأمین ابزار تأمین ثبات و بقای نظام متوجه رهبران سعودی کند. صندوق بین المللی پول در گزارش اخیر خود هشدار داده است که میانگین فعلی ذخایر خارجی عربستان سعودی

است. فرایندی که انتظار می رود همگام با اوج گیری کشمکش قدرت در درون خاندان حاکم باشد. دایره اختلافات و نزاع ها در این پادشاهی حول محور قدرت فزاینده محمد بن سلمان، شاهزاده سی ساله، کم تجربه و مورد علاقه پادشاه، به حساب محمد بن نایف، ولیعهد کنونی و دیگر شاخه های خانواده حاکم می چرخد. این اختلافات به حدی پررنگ به نظر می رسد که تلاش رسانه های رسمی و غیر رسمی سعودی در انحراف افکار عمومی به سمت بزرگ نمایی خطر ایران نتوانسته است این اختلافات را کم رنگ جلوه کند.

محمد بن سلمان توسط پدرش به عنوان معاون ولیعهد و وزیر دفاع منصوب شد و هم زمان مسئولیت شوری امور اقتصادی و توسعه را در اختیار گرفت. به موازات این تصمیمات، اقدامات گسترده ای در راستای کنار گذاردن نزدیکان ملک عبدالله از مراکز قدرت انجام گرفت. در کنار قرار گرفتن محمد بن سلمان در هرم قدرت، اقدامات سیاسی داخلی و خارجی که این معاون ولیعهد دنبال کرده است به ظهور مخالفت ها و انتقادات از منظر آنچه روزنامه گاردین «بی سابقه در قاموس سیاسی سعودی ها» می نامد، انجامیده است.

در شدیدترین موضع گیری ها، یکی از شاهدان خواستار ائتلاف فرزندان آل سعود در جهت سرنگونی ملک سلمان شده است. این عضو خانواده سلطنتی که هویت خود را کشف نکرده است می گوید: «چگونه پذیرفتیم که

«طلال عتریسی» تشریح کرد؛

چرایی اعدام آیت الله نمر النمر / آشتگی در سیاست سعودی ها

سمیه خماری

وزارت کشور عربستان سعودی با صدور بیانیه ای اعلام کرد که ۴۷ نفر را در این کشور اعدام کرده است که آیت الله «شیخ نمر النمر» نیز در میان آنها قرار دارند. دادگاه عالی عربستان حکم اعدام شیخ نمر النمر را تأیید کرده بود و این حکم در مرحله ای قرار داشت که تنها به دستور پادشاه عربستان اجرا یا لغو می شد که به مرحله اجرا درآمد. در این رابطه گفتگویی با طلال عتریسی استاد دانشگاه و تحلیلگر لبنانی انجام شده است که از نظر می گذرد:

|| رژیم آل سعود آیت الله شیخ نمر النمر را به رغم هشدارهای جهان اسلام اعدام کرد، چرا آل سعود دست به این اقدام زد؟

در این راستا باید به چند نکته اشاره داشت. اول اینکه عربستان با اعدام آیت الله نمر النمر می خواهد در پی ناکامی اش در جنگ یمن، قدرت خود را در مقابله با ایران و هم پیمانان آن به رخ بکشد.

دوم اینکه مناقشه بر سر قدرت و رهبری در عربستان سعودی میان ولیعهد و ولی ولیعهد در واقع مناقشه بر سر این است که چه کسی از دیگری افراطی تر است به همین خاطر می بینیم مقامات عربستان سعودی با درخواست های [جهانی] برای عدم اجرای حکم اعدام آیت الله شیخ نمر النمر موافقت نکردند.



سوم اینکه عربستان سعودی با اجرای حکم آیت الله شیخ نمر النمر سعی داشت احساسات مذهبی در منطقه را تحریک کند و این تنها سلاح عربستان برای جلب همراهی جهان اسلام با خود است.

چهارم اینکه اجرای این حکم بیانگر آشتگی عربستان در سیاست این کشور در منطقه است و همه اقدامات سعودی ها طی ماه های گذشته همچون سردرگمی در جنگ یمن، فاجعه منا، تشکیل ائتلاف اسلامی برای مقابله با تروریسم و اعدام آیت الله شیخ نمر النمر همگی ناشی از این آشتگی است.

|| تبعات اعدام آیت الله شیخ نمر النمر برای رژیم آل سعود چه خواهد بود؟
در مورد پیامدهای اعدام شیخ نمر النمر باید گفت همانطور که طی روزهای گذشته شاهدیم اعتراضات شدیدی در

محافل شیعه در جهان در حال برگزاری است و مراجع دینی و مسئولان جمهوری اسلامی ایران این اقدام را محکوم کرده اند. همچنین این حادثه از سوی نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ... محکوم شده است. پیش بینی می شود نارضایتی از سیاست های عربستان سعودی در جهان و حتی در محافل غربی افزایش یابد، در حال حاضر شاهد هستیم که در گزارش ها اشاره می شود تصمیم گیری سعودی ها درباره اعدام آیت الله شیخ نمر النمر مشابه صدور احکام اعدام از سوی گروه داعش است. همچنین پیش بینی می شود که تنش میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد و عربستان سعودی تلاش خواهد کرد در پی حمله به سفارت و کنسولگری این کشور در تهران و مشهد، افکار عمومی جهان عرب را علیه ایران تحریک کند.

هفت تیر سعودی‌ها روی پیشانی ساکنان زادگاه شیخ نمر/ عوامیه زیر آتش

رامین حسین آبادیان



پس از اعدام شیخ نمر توسط رژیم سعودی، نیروهای امنیتی این رژیم برای جلوگیری از هرگونه اعتراضات داخلی به سرکوب گسترده شیعیان ساکن «العوامیه» زادگاه رهبر فقید شیعیان عربستان پرداختند.

رژیم سعودی روز شنبه هفته جاری حکم اعدام صادر شده علیه «شیخ نمر النمر» رهبر فقید شیعیان عربستان را اجرا کرد. مقامات رژیم سعودی انتظار این را می کشیدند که انتشار این خبر خیزش مردمی گسترده در مناطقی شرقی عربستان - که البته شیعه‌نشین هستند - را در پی داشته باشد. مقامات رژیم سعودی که از پیامدهای وخیم احتمالی شهادت شیخ نمر النمر در مناطق شرقی به ویژه در زادگاه وی یعنی منطقه «العوامیه» با خبر بودند، ساعاتی پس از اجرای حکم اعدام با یورش به شهر القطفیف به صورت عام و منطقه العوامیه به صورت خاص، اقدام به سرکوب شدید شیعیان مناطق شرقی کردند.

شهر شیعه‌نشین قطفیف در استان «احساء» در شرق عربستان سعودی واقع شده است. این شهر از شهرهای قدیمی عربستان به شمار می رود و تاریخ آن به دوران پیش از اسلام بازمیگردد. شهر قطفیف دارای یک میلیون نفر جمعیت شیعه است. منطقه «عوامیه» نیز که زادگاه شیخ نمر النمر محسوب می شود در شهر قطفیف قرار دارد.

از زمان اعدام شیخ نمر النمر در روز شنبه هفته جاری، شهر قطفیف به ویژه منطقه عوامیه شاهد تظاهرات گسترده شیعیان عربستان در محکومیت اقدام سعودی‌ها است. برخی از رسانه های عربی با انتشار گزارش‌هایی از آخرین تحولات مناطق شیعه نشین عربستان پس از اعدام رهبر شیعیان این کشور گزارش دادند: از روز شنبه تاکنون شیعیان عربستان تقریباً هر شب در محکومیت اعدام شیخ نمر تظاهرات برپا می کنند. با وجود مسالمت آمیز بودن تحركات شیعیان در مناطق شرقی عربستان، نیروهای امنیتی آل سعود همواره با بکارگیری سیاست های خشونت آمیز برای سرکوب تظاهرات کنندگان تلاش می کنند. البته کارشناسان مسائل سیاسی معتقد هستند مسالمت آمیز ماند تظاهرات اعتراضی به اعدام شیخ نمر النمر منوط به نوع سیاست های آینده آل سعود در قبال مناطق شرقی است. آنها بر این باورند که سرکوب بیش از پیش شیعیان در عربستان سعودی می تواند خشم گسترده آنها را برانگیزد به طوری که روی به سست کردن پایه‌های رژیم سعودی آورد. به گفته کارشناسان خشم شیعیان مناطق شرقی تنها ناشی از اعدام شیخ نمر النمر نیست، بلکه از سالیان سال

محرومیت از بدیهی ترین حقوق خود توسط آل سعود نشأت می گیرد.

اقدامات سرکوبگرانه رژیم سعودی در منطقه «العوامیه» واقع در شهر «قطفیف» تاکنون سه شهید برجای گذاشته است. روز گذشته نیز خودروهایی زرهی رژیم سعودی به منظور مقابله با معترضان به اعدام شیخ نمر النمر وارد عوامیه شدند. در همین ارتباط، بسیاری از کارشناسان هشدار دادند که در صورت ادامه سیاست های سرکوبگرانه رژیم سعودی، آتش خشم ساکنان مناطق شرقی عربستان به صورت بی سابقه ای شعله ور شده و دامان این رژیم را خواهد گرفت.

اقدامات خشونت آمیز رژیم سعودی با شیعیان ساکن عربستان ناشی از هراس آنها از تفکر شیعی است. سعودی‌ها که ایدئولوژی شیعی را بزرگترین مانع بر سر راه تحقق اهداف خود در داخل و خارج از مرزها می پندارند، همواره سرکوب شیعیان را در رأس اولویت های خود قرار داده اند. نمونه ای از این سیاست ها را می توان در کشتار مردم بی گناه یمن و حمایت از تروریست های تکفیری داعش جستجو کرد.

عربستان سعودی همواره شیعیان را از برخورداری از حقوق طبیعی خود به عنوان یک شهروند محروم کرده، گویی که آنها شهروند سعودی به شمار نمی روند. در واقع باید گفت که ناآرامی های گسترده در شهر شیعه نشین قطفیف در سال ۲۰۱۱ کلید خورد؛ زمانی که شیعیان مناطق شرقی خواستار آزادی زندانیان سیاسی، بهبود وضعیت معیشتی و توجه به حقوق شیعیان شدند. در همان سال بود که وزارت کشور عربستان سعودی با صدور بیانیه ای مدعی شد که شیعیان در جریان تظاهرات اعتراضی از گلوله های جنگی علیه نیروهای امنیتی سعودی استفاده کرده اند. همین ادعا، دستاویزی شد تا نظامیان رژیم سعودی سرکوب گسترده علیه شیعیان را آغاز کنند.

مقامات سعودی برای جلوگیری از گسترده تر شدن دامنه تظاهرات - چه در سال ۲۰۱۱ و چه پس از اعدام شیخ نمر - یک سیاست اساسی را نصب العین خود قرار دادند و آن بازداشت فعالان حقوق بشری و روحانیون تأثیرگذار بر افکار عمومی شیعیان است. گزارش های رسمی و غیر رسمی حاکی از آن هستند که عربستان سعودی علاوه بر بازداشت های گروهی مخالفان و منتقدان خود، اقدام به حملات پراکنده به منازل شیعیان در قطفیف و عوامیه می کنند. این اقدامات خشونت آمیز در حالی صورت می

گیرد که تاکنون هیچ اقدام خارج از چارچوب و موازین بین المللی در اعتراضات شیعیان اتفاق نیافتاده است.

به اعتقاد کارشناسان، نگرانی ها پیرامون سیاست های خشونت آمیز سعودی ها علیه شیعیان مناطق شرقی تنها به اقدامات مستقیم آنها ختم نمی شود. کارشناسان معتقدند نگرانی بزرگتر، پیرامون توطئه چینی سعودیها برای گرفتن انتقامی سخت از شیعیان است؛ توطئه ای درست همچون انفجار عاشورای سال گذشته در یک حسینیه که در نتیجه آن شماری از شیعیان به شهادت رسیدند؛ انفجاری که هیچگاه هیچ گروهی مسئولیت آن را بر عهده نگرفت و عاملان آن هیچگاه توسط دستگاه قضایی آل سعود معرفی و مجازات نشدند.

سیاست دیگری که نظامیان رژیم سعودی در مقابله با شیعیان مناطق شرقی، بستن مساجد است. سعودی ها از مساجد قطفیف و منطقه عوامیه به عنوان کانون فتنه یاد می کنند. از همین روی، همواره تلاش کرده اند تا با بستن مساجد از تجمع شیعیان در آنجا جلوگیری کنند. در این میان بعید به نظر نمی رسد که شیاطین رژیم سعودی عملیات خرابکارانه ای را علیه نیروهای امنیتی خود در مناطق شرقی ترتیب داده و آن را به شیعیان نسبت دهند.

به نظر می رسد این اقدام، آخرین پرده نمایش رژیم آل سعود برای قلع و قمع نهایی شیعیان باشد؛ رژیمی که ثابت کرده است، کوچکترین دستاویزی برای آن جهت ارتکاب بزرگترین جنایت ها علیه شیعیان کافی است. البته نباید از این سیاست آل سعود هم به راحتی گذشت که در وهله اول، مبنای بازداشت افراد است نه کشتار آنها. رژیم سعودی با این اقدام از یک سو مانع هرگونه خیزش شیعیان علیه خود می شود و از سوی دیگر، محتمل انتقادات کمتری از سوی نهادهای حقوق بشری بین المللی می شود.

سیاست های سرکوبگرانه رژیم سعودی علیه شیعیان شهر قطفیف و منطقه عوامیه همچنان با قدرت ادامه دارد. بسیاری از منازل معترضان تخریب شده، مساجد بسته شده اند، خودروهایی زرهی وارد شهر شده اند، شمار زیادی از روحانیون تأثیرگذار بازداشت شده و نیروهای امنیتی ویژه شهر قطفیف را به محاصره خود در آورده اند. تمامی این تحولات در حالی است که مقامات سعودی با اتخاذ تدابیر امنیتی سخت و ویژه اجازه نمی دهند واقعیت آنچه که در مناطق شرقی می گذرد به سمع و نظر افکار عمومی مسلمانان جهان برسد.

ایندپندنت تحلیل کرد؛

بازی «محمد بن سلمان» با آتش / شاهزاده ساده لوح و متکبر سعودی



دهد که به دنبال جنگ با ایران نیست. محمد بن سلمان در مصاحبه ای به نشریه اکونومیست گفته بود: نبرد میان عربستان و ایران به مثابه آغازی بر فجایع بزرگ دیگر در منطقه بوده و بر سایر نقاط جهان نیز تأثیرات بسزایی بر جا خواهد گذاشت. مطمئناً ما اجازه چنین چیزی را نخواهیم داد.

وی در این مصاحبه تلاش کرد تا مثلاً بابت عدم وقوع جنگ به جهان اطمینان دهد. اما سخنان وی مفهوم ساده لوحی و جهالت دارد. اظهارات این شاهزاده سعودی همچنین نشان می دهد که وی قماربازی بی تجربه است چرا که اگر شرط خود را ببازد، دو برابر بازنده خواهد شد. رویه در پیش حکام محمد بن سلمان بر خلاف روال حکام پیشین سعودی است که هیچ گاه هر چه در چپته داشتند را به یک باره و در یک مسیر مورد استفاده قرار نمی دادند.

دلیل عمده اینگونه اقدامات یکجانبه سعودی ها به نوعی ناراحتی آنان از توافق هسته ای آمریکا با ایران در برنامه هسته ای این کشور است. این نگرانی باز هم نشان از ساده لوحی سعودی ها دارد؛ اتحاد نزدیک سعودی ها با آمریکا دلیل عمده بقاء حاکمیت پادشاهی سعودی در تنزاع با چالش های پیش روی آن ها در برابر ناسیونالیست ها و سوسیالیست ها از دهه ۱۹۳۰ تا کنون بوده است. اگر حتی از توان مالی و اتحاد عربستان با آمریکا نیز بگذریم، رهبران کشورهای خاورمیانه همواره به توان عملیاتی دولت سعودی با دیده تردید می نگریستند. این نکته برای تمامی تولیدکنندگان بزرگ نفت در این منطقه دارای مصداق است؛ خواب عربستان سعودی باشد و یا عراق، کویت یا لیبی. رویه آنان دولت هایی را ایجاد کرده است که از آنچه به نظر می رسند ضعیف تر باشند؛ در حالی که حاکمیت آنان ناتوان و ارتش هایشان ناکارآمد است.

دومین نکته درباره مصاحبه این شاهزاده سعودی این است که وی جز مشکل آفرینی برای خاندان آل سعود چیزی از این سخنان به دست نیآورد. این کشور به اصلاحاتی در این امور دست نزنند. اگرچه مردم عربستان دارای آزادی سیاسی نیستند، اما اقدامات سران این کشور مانند مجوزی برای غارت منابع مالی عربستان توسط اصحاب قدرت سیاسی شده است. دولت های وابسته به نفت تقریباً قادر به اجرای اصلاحات نیستند و معمولاً انجام و یا تلاش برای چنین اصلاحاتی عاقلانه نیز به شمار نمی آید. این دولت ها اگر می خواهند در قدرت باقی بمانند، باید از هر گونه جنگ نیز پرهیز کنند؛ چرا که شاید مردم در این کشورها علیه حکام خود قیام نکنند، اما حاضر هم نیستند تا جان خود را برای چنین حاکمیت هایی نیز در معرض خطر قرار دهند.

توسط این شاهزاده سعودی به انجام رسیده و یا در جریان است تا کنون موفق نبوده و یا احتمال موفقیت در آن ها وجود ندارد و تنها توانسته است حمایت های داخلی را برای وی به ارمغان بیاورد. بی آن دی هشدار داد که تمرکز این میزان قدرت در دستان وی، مأمّن خطرات پنهانی است که ممکن است وی را به دلیل تلاش برای استقرار خود در مسیر جانشینی پدرش آن هم در زمان حیات ملک سلمان دچار اینگونه تندروی ها کرده باشد. تندروی های او هر روز بدتر نیز می شود. در هر یک از مراحل مقابله با ایران در طول هفته گذشته، ریاض تهدیدات خود را افزایش داده است. حمله (افراد ناشناس) به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد غیر منتظره بودند، اما سعودی ها نمی بایست روابط خود را با ایران قطع می کردند. در ادامه این تنش ها، سفارت ایران در صنعا پایتخت یمن مورد حمله جنگنده های سعودی قرار گرفت.

هیچ یک از این موارد به شدت متعجب کننده نبودند؛ زیرا روابط عربستان و ایران به دنبال جان باختن ۴۰۰ زائر ایرانی در مراسم حج امسال در مکه به شکل ویژه ای کاهش یافته بود. در روزهای اخیر نشانه های افزایش تعمّدی تنش های سیاسی از سوی عربستان علیه ایران مشهود است به گونه ای که عربستان اعلام کرده است ۴ ایرانی را به اتهام جاسوسی و تروریسم محاکمه می کند. این ۴ نفر از سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در زندان های این کشور به سر می برند؛ لذا به جز افزایش تنش ها علیه ایران، دلیلی وجود ندارد که عربستان در شرایط کنونی به محاکمه آن ها مبادرت نماید. عربستان اخیراً به ضد حمله ای دست زده است تا از این طریق به جهان اطمینان

بودند را اعدام کرد، تقریباً برای اولین بار دولت ها متوجه این حقیقت شدند که تا چه میزان عربستان سعودی در شرایط کنونی به تهدیدی برای جهان مبدل شده است. به نظر می رسد عربستان عاملان از سوئی برای به دست گرفتن رهبری جهان اهل سنت و جهان عرب به تحریک ایران پرداخته است و از سوی دیگر شاهزاده محمد بن سلمان با تمسک به ناسیونالیسم برگرفته از فرقه گرای اهل تسنن به تقویت جایگاه خود در داخل این کشور مبادرت ورزیده است. آنچه در این میان کاملاً محرز است این واقعیت است که به دنبال به تخت نشستن ملک سلمان پس از مرگ ملک عبدالله در اواخر ژانویه سال گذشته، سیاست کشور عربستان سعودی به کلی تغییر کرده است.

اسناد افشا شده توسط این نهاد اطلاعاتی آلمان حوزه هایی که عربستان در آن ها به اتخاذ سیاست های جنگ افروزان و متخاصم روی آورده است را به صورت یک فهرست ارائه کرده است. این کشور در اوایل سال ۲۰۱۵ حمایت های گسترده ای را از تأسیس «جیش الفتح» به انجام رساند. این گروه عمدتاً از عناصر وابسته به «جبهه النصره» که به القاعده وابسته است تشکیل شده و به لحاظ ایدئولوژیکی پیرو تفکرات «احرار الشام» هستند. آل سعود علیه حوثی ها و ارتش یمن نیز تهاجم هوایی را آغاز کرد؛ تهاجمی که هیچ نشانه ای دال بر پایان آن وجود ندارد. از طرف هایی که در این میان منافعی را به دست آوردند می توان به «القاعده» در شبه جزیره عربستان اشاره کرد؛ گروهی که آمریکا سال ها است تلاش بیهوده ای را برای تضعیف آنان با استفاده از «پهپادها» به انجام رسانده است.

هیچ یک از ماجراجویی های خارجی که

یک رسانه غربی در گزارشی بر اساس اسناد افشا شده یک نهاد اطلاعاتی آلمان، به تحلیل زوایای گسترده ای از دلایل ماجراجویی های «محمد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان به ویژه در برابر ایران پرداخته است.

سازمان اطلاعاتی آلمان موسوم به «BND» در پایان سال گذشته سند یک و نیم صفحه ای را منتشر ساخت که بر اساس آن اتخاذ «سیاست تهاجمی مداخله جویانه» توسط عربستان سعودی به نمایش درآمده است. این گزارش درباره «محمد بن سلمان» جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان است؛ مرد قدرتمند ۲۹ ساله ای که فرزند ملک سلمان سالخورده به شمار رفته و به عنوان یک قمارباز سیاسی از طریق به راه انداختن جنگ های نیابتی در یمن و سوریه، جهان عرب را بی ثبات کرده است؛ چرا که به زوال عقل مبتلا شده است.

معمولاً نهادهای جاسوسی چنین اسنادی که به لحاظ سیاسی به مثابه باروت بوده و به انتقاد از سران یک متحد قوی و نزدیک مانند عربستان سعودی باشد را منتشر نمی کنند. بنابراین انتشار عمومی و گسترده این اسناد به وضوح مؤید عمق نگرانی این نهاد اطلاعاتی آلمان در این زمینه است. اگرچه به دنبال انتشار این اسناد و اعتراض شدیدالحن عربستان به دولت آلمان، این نهاد مورد مؤاخذه قرار گرفت، لیکن هشدار «بی ای دی» عمق نگرانی و ترس رو به رشد استفاده عربستان از کارت توحش را به تصویر می کشد. یکی از وزرای کشورهای حاشیه خلیج فارس که خواست نامش فاش نشود در اینباره گفت: سابقاً عربستان به دنبال آن بود که گزینه های مورد نظر خود را حتی درباره دولت های منفور خود، محتاطانه انتخاب و عملیاتی کند.

گزارش این نهاد اطلاعاتی آلمان در آن زمان، بر خلاف انتظار تأثیر بسیار کمی را در محافل بیرون از این کشور بر جای گذاشت؛ چرا که وقتی این اسناد در دوم دسامبر انتشار یافت، تنها سه هفته از حادثه تروریستی پاریس در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ گذشته بود و تمامی اصحاب رسانه در سراسر جهان تمام توجهات خود را به تهدیدات تروریستی داعش و چگونگی مبارزه مؤثر با آن متوجه کرده بودند. مثلاً در انگلستان درباره پیوستن نیروی هوایی این کشور به ائتلاف مبارزه با داعش در سوریه مناظره های فراوانی در جریان بود. این در حالیست که چند روز بعد نیز یک زوج وابسته به داعش به کشتار وسیعی در «سن برناردینو» واقع در ایالت کالیفرنیا در آمریکا دست زدند و به این وسیله آذهان عمومی و توجه رسانه ها از این گزارش مهم منحرف شد.

اما هنگامی که در دوم ژانویه سال نو میلادی عربستان شیخ نمر به همراه ۴۶ نفر دیگر که غالباً از معترضان سیاسی

گفتگو با مشاور وزیر دارایی پیشین عربستان:

کسری بودجه عربستان از دلایل خصوصی سازی «آرامکو» بود

چندی پیش «محمد بن سلمان» وزیر دفاع و نایب ولیعهد عربستان سعودی در گفتگو با نشریه «اکنومیست» از تصمیم ریاض برای واگذاری بخشی از سهام شرکت نفتی «آرامکو» که بزرگترین شرکت تولید انرژی جهان به شمار می آید، خبر داد. این تصمیم که در ظاهر برای جبران کسری بودجه ناشی از افول قیمت نفت اتخاذ شده و رنگ و بوی مشارکت مردمی به خود گرفته است، در عمل با جذب سرمایه گذاران خارجی بزرگ، آرامکو را به یک شرکت بین المللی تبدیل می کند. با توسل به این حربه، عربستان به عنوان یکی از اعضای تاثیر گذار در «اوپک» می تواند سیاست گذاری های این سازمان نفتی را با الهام از خط مشی شرکای بین المللی خود دستخوش تغییر کند.

در همین رابطه گفتگویی با پروفسور «حسین عسکری» انجام شده که در ادامه به آن می پردازیم.



ریاض ناشی می شود، نظر شما در این باره چیست؟

بله این دلیل درست است. گمان می کنم که تمایل عربستان سعودی در ایجاد مکانیزمی است که در صورت لزوم به راه های تامین منابع مالی این کشور تنوع ببخشد. از این رو، یک شرکت سهامی عام، که حسابرسی آن از شفافیت بیشتری برخوردار باشد، می تواند در سطح بین الملل گزینه های مالی بهتری را پیش روی عربستان قرار دهد.

آیا تنش های موجود بین ایران و عربستان تاثیری بر روی بهای نفت دارد؟

در پاسخ باید بگویم بله و خیر. در واقع به گمان من، ایران و عربستان هیچگاه در زمینه سیاست های نفتی با هم همکاری نداشته اند تا این موضوع بتواند بر بهای نفت تاثیر بگذارد. هر خبری در این خصوص را به شما گفتند باور نکنید. ممکن است هر دو طرف بگویند که قبلا همکاری هایی با هم داشته اند اما در عمل دو کشور سیاست های خود را اعمال می کنند.

تنش های جاری میان دو کشور به دلیل انگیزه هایی که در پس سیاست های یک جانبه عربستان سعودی نهفته است، قیمت نفت را با کاهش روبرو می کند. به باور من، افزایش حجم تولید نفت عربستان بیشتر به این دلیل است که سعودی ها حاضرند ضرر ناشی از افول بهای نفت را به جان بخرند تا در مقابل خسارت بیشتری را نصیب ایران نکنند. کمک به ایران آخرین مسئله ای خواهد بود که به ذهن سعودی ها خطور می کند و این حقیقت در سال های آینده تغییری نخواهد کرد.

جانز هاپکینز و دانشگاه کلارک را دارد. «جهانی شدن و مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز)، «ثبات مالیه اسلامی» (انتشارات جان ویلی اند سانز)، «اسلام و راه بشر و توسعه اقتصادی» (انتشارات پلاگزیو مک میلان) از جمله آثار او به شمار می روند.

«آرامکو» غول نفتی عربستان سعودی با ۶۰ هزار پرسنل و ذخایر نفتی به حجم ۲۶۱ میلیارد بشکه صحت شایعات مبنی بر فروش بخش کوچکی (معادل ۵ درصد) از سهام خود به سرمایه گذاران خارجی را در راستای تحقق اصلاحات اقتصادی ریاض، مورد تایید قرار داده است. این تصمیم در هر دو بازه کوتاه مدت و دراز مدت چه تاثیری بر بهای نفت می تواند داشته باشد؟

این تصمیم هیچ تاثیری در کوتاه مدت و بلندمدت بر بهای نفت نخواهد داشت.

در واقع فروش این حجم سهام هیچ تاثیری (بر بهای نفت) نمی تواند داشته باشد. چنانچه در سال های آینده کنترل عربستان سعودی بر «آرامکو» از دست برود، به همان نسبت این امکان که سیاست گذاری تولید در این شرکت کمتر تحت تاثیر ملاحظات سیاسی قرار بگیرد، وجود خواهد داشت. اما هنوز تا حدس زدن این موضوع که طرح فروش سهام آرامکو چه نقشی را در آینده ایفا خواهد کرد، فاصله زیادی داریم.

برخی این ادله را پیش می کشند که تصمیم عربستان برای فروش سهام شرکت نفتی آرامکو از کسری بودجه دولت

حسین عسکری مشاور وزیر دارایی عربستان بوده و از او به عنوان معمار اقتصاد عربستان نیز یاد می کنند. بنا بر اعلام «بانک نیویورک» عسکری اولین شخص در جهان بود که کاهش قیمت نفت به ۴۰ دلار را پیش بینی کرد.

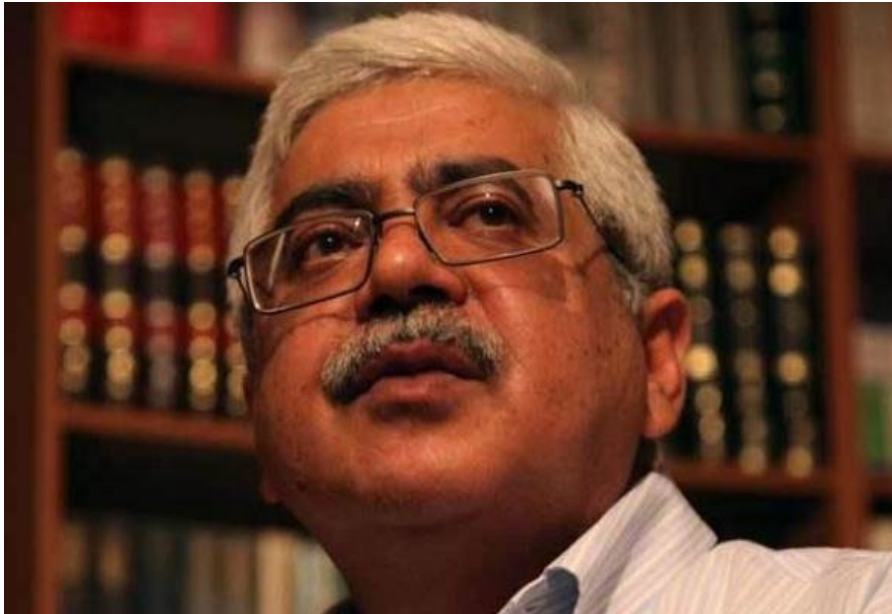
عسکری استاد تجارت بین الملل و امور بین المللی دانشگاه «جرج واشنگتن» آمریکاست. وی رئیس مؤسسه تحقیقات و مدیریت جهانی و رئیس پیشین دپارتمان تجارت بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن بوده است. زمینه تخصصی و بحث های او در دانشگاه جورج واشنگتن بر اقتصاد، توسعه سیاسی و انسانی در خاورمیانه، اختلافات و جنگ ها در خاورمیانه، اقتصاد سیاسی نفت و اقتصاد اسلامی متمرکز است.

از سوابق اجرایی وی می توان به دو و نیم سال فعالیت در هیئت اجرایی صندوق بین المللی پول اشاره کرد. او در زمینه سیاست توسعه اقتصادی، سیاست های نفتی و اقتصاد و تجارت بین الملل مشاور وزیران دارایی، روسای بانک های مرکزی، وزیران نفت و دیگر مقامات کشورهای خلیج فارس بوده است. عسگری همچنین در مقاطعی مشاور نهادها و شرکت هایی نظیر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، بانک جهانی، صندوق سرمایه داری کشورهای در حال توسعه (IFU)، سازمان ملل متحد و... بوده است.

حسین عسکری ۲۰ کتاب، شش رساله، بیش از ۱۰۰ مقاله و... درباره تحولات اقتصادی در خاورمیانه، اقتصاد اسلامی، تجارت و اقتصاد بین الملل، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد نفت و تحریم های اقتصادی منتشر کرده است. وی سابقه تدریس در دانشگاه های تگزاس در آستین، دانشگاه تافتس آمریکا، دانشگاه MIT، دانشگاه

عبدالله شهبازی مطرح کرد:

عربستان به دنبال بین المللی کردن ذخایر نفتی «اوپک» است



چندی پیش «محمد بن سلمان» وزیر دفاع و نایب ولیعهد عربستان سعودی در گفتگو با نشریه «اکنومیست» از تصمیم ریاض برای واگذاری بخشی از سهام شرکت نفتی «آرامکو» که بزرگترین شرکت تولید انرژی جهان به شمار می آید، خبر داد. این تصمیم که در ظاهر برای جبران کسری بودجه ناشی از افول قیمت نفت اتخاذ شده و رنگ و بوی مشارکت مردمی به خود گرفته است، در عمل با جذب سرمایه گذاران خارجی بزرگ، آرامکو را به یک شرکت بین المللی تبدیل می کند. با توسل به این حربه، عربستان به عنوان یکی از اعضای تاثیرگذار در «اوپک» می تواند سیاست گذاری های این سازمان نفتی را با الهام از خط مشی شرکای بین المللی خود دستخوش تغییر کند.

در همین رابطه گفتگویی با «عبدالله شهبازی» نویسنده و پژوهشگر ایرانی انجام شده که در ادامه به آن می پردازیم. شهبازی در سال ۱۳۶۷ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی را بنا نهاد و به مدت یک دهه ریاست آن را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۷۴ سرپرستی مرکز اسناد بنیاد مستضعفان و جانبازان را تحویل گرفت و آن را با نام مؤسسه تخصصی مطالعات تاریخ معاصر ایران تجدید سازمان داد. وی در این مؤسسه فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران و دهها طرح پژوهشی از جمله «فهرست نمایه مطبوعات ایران در دوره قاجاریه»، «دانشنامه ایلات و طوایف ایران» و «روزشمار تاریخ ایران در دوره قاجاریه» را طراحی کرد.

مهمترین کتاب شهبازی «رسالان» است که پنج جلد آن منتشر شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۵ بعنوان «کتاب سال» برگزیده شد.

|| خصوصی شدن شرکت «آرامکو» عربستان با چه اهدافی انجام می شود؟

مسئله خصوصی سازی شرکت آرامکو در تاریخ پنج ژانویه (حدود یک هفته پیش) از سوی «محمد بن سلمان» وزیر دفاع و نایب ولیعهد عربستان مطرح شد. وی در واقع رئیس شورای عالی آرامکو است. در توضیح این مطلب باید گفت شورای عالی آرامکو که یک سال پیش تاسیس شد در راس هیات مدیره شرکت قرار دارد و شاهزاده سعودی با این تدبیر کنترل غول نفتی عربستان را به دست گرفته است.

وی نیز در اعلام خبر فروش بخشی از سهام آرامکو تغییر خصوصی سازی را به کار برد که در واقع عرضه کردن سهام شرکت به بازارهای بورس جهانی است و شاید بتوان به تعبیری آن را بین المللی کردن آرامکو در نظر گرفت. این خبر شوک بزرگی را ایجاد کرد و می شود گفت در عرض یک هفته گذشته در صدر اخبار جهان بوده است.

در همان تحلیل اول می شد این مسئله را به دو نحو ارزیابی کرد. یک تلقی ساده لوحانه آن است که محمد بن سلمان -پسر ۲۹ ساله شاه سعودی- شاهزاده جوانی است که احتمالاً عده ای شاید بین المللی اطراف وی را گرفته اند و قصد دارند با ترغیب وی به فروش بخشی از سهام آرامکو، این شرکت نفتی را بالا بکشند.

اما همانطور که گفتیم این تصور ساده انگارانه ای است و باید به اهداف جدی که پشت این قضیه پنهان شده با تامل و درایت بیشتری نگاه کرد.

واقعیت این است که مسئله بین المللی کردن ذخایر انرژی از قبل هم مطرح بوده و برخی از کارشناسان غربی حوزه انرژی پیشتر این ادعا را مطرح کرده اند که اصولاً دلیلی وجود ندارد که با ارزش ترین منابع انرژی جهان،

وجود دارد این است که احتمالاً این مسئله بین المللی کردن ذخایر انرژی به صورت الگو در خواهد آمد و شاید فردا شاهد عرضه سهام نفتی کشوری مثل نیجریه -که بزرگترین ذخایر نفت و گاز قاره آفریقا را دارد- در بازارهای بورس جهانی باشیم و چه بسا که گام به گام این الگو به کشورهای دیگر هم تسری پیدا کند.

عملی شدن این روند را می توان به مثابه تحقق نظریه ای دانست که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر علیه کشورهای نفت خیز خاورمیانه مبنی بر ادعای تعلق ذخایر آنها به همه جهان مطرح می شد.

در راس خریداران سهام شرکت آرامکو می توان به بانک «اچ اس بی سی» چین و بانک «جی پی او» آمریکا اشاره کرد. بنابراین ظاهر قضیه این است که سهام غول نفتی عربستان در اختیار عموم قرار می گیرد حال آنکه مالکیت به طور عمده به کانون های مالی بسیار ثروتمند جهان انتقال پیدا می کند.

عربستان سعودی در حال حاضر هم با استفاده از تاثیر آرامکو بر اوپک قیمت نفت را با نازلترین مقدار خود رسانده است و بنابراین اگر طرح ریاض به فروش سهام آرامکو عملی شود در واقع از این پس نهادهای مالی بین المللی تعیین کننده قیمت نفت اوپک خواهند بود.

|| کنترل آرامکو از سوی سهامداران ثروتمند موجب گسترده تر شدن پیوند آل سعود با صاحبان ثروت می شود. این اقدام چه آثاری بر سیاست خارجی عربستان خواهد داشت؟

نمی توان آل سعود را یک خاندان محلی خاورمیانه ای به حساب آورد. آل سعود جزء از کان الیگارشی است که در دنیا سیاست گذاری و عمل می کنند و شروع فروش سهام آرامکو قطعاً برنامه ای از پیش طراحی شده است و نمی توان آن را به ابتکار فردی یک شاهزاده خودکامه نسبت داد. تحولات آینده با شروع موج تازه ای که عربستان به وجود آورده بسیار پیچیده خواهد بود و ما باید درباره پیامدهای سیاسی و ژئوپلیتیکی و پیامدهای مالی این طرح به درستی فکر کنیم.

به طور مثال گاز که به طور عمده در خلیج فارس و حوزه پارس جنوبی ایران متمرکز شده، به دلیل واقع شدن در یک قلمرو جغرافیایی مشخص متعلق به یک کشور خاص باشد.

این فرضیه همواره در قالب تئوری مطرح بوده اما تا کنون هیچ نوع تصویری برای اجرایی شدن این مسئله وجود نداشته است. به نظر من این حرکتی که در قالب بین المللی کردن یا خصوصی کردن آرامکو انجام می شود، در ادامه همین مسیر است. البته فراموش نشود که علیرغم نقش بورس به جذب سرمایه های کوچک، در واقع همیشه کنترل شرکت های بزرگ در اختیار نهادهای بزرگ مالی بوده است. با این حساب عربستان به دنبال غیرمنطقه ای کردن بزرگترین کمپانی نفتی دنیا است.

برخی ها این اقدام ریاض را با اقدامی که روسیه از سال ۲۰۰۲ شروع کرده است، مقایسه می کنند به این معنی که روسیه در این سال شرکتی را با نام «روس نفت» تاسیس کرد و سهام آن را در بازار عرضه کرد. اما به صراحت می گویم که اقدام این دو کشور اصلاً با یکدیگر قابل مقایسه نیست چرا که در درجه اول روسیه از این طریق سهام خود را عمدتاً به بازارهای داخلی عرضه کرد و هدفش جذب بخش خصوصی کشور و پول مردم در حوزه نفت بود و در درجه دوم کل درآمد روس نفت در حدود پنج میلیارد دلار است در حالیکه در آمد سالانه آرامکو حدود ۴۰۰ میلیارد دلار ارزیابی می شود.

در واقع قصد عربستان این است که با فروش سهام آرامکو بخش عمده ای از ذخایر نفتی و گازی «اوپک» را بین المللی کند و این امر تاثیرات بسیار عظیم سیاسی و ژئوپلیتیکی را به دنبال خواهد داشت.

|| خصوصی سازی آرامکو چه تاثیری بر تمهیم گیری های اوپک در خصوص تعیین قیمت نفت و تنظیم بازار خواهد داشت؟

با قدم گذاشتن به حوزه اوپک، چهره مسئله تغییر می کند و حتی برخی در تحلیل خود بین المللی شدن آرامکو را در راستای فروپاشی اوپک می بینند. خطر بزرگتری که

گفتگو با معاون حزب جمهوری خلق ترکیه:

اهداف آل سعود از بحران آفرینی/ عربستان دچار تغییرات بنیادین می شود

پیمان بردانی

اعدام ایت الله نمر باقر النمر مخالف شیعه رژیم آل سعود به همراه شمار دیگری از مخالفان واکنش های گسترده ای را در ایرانف منطقه و جهان داشته است.

در پی این اقدام تحریک آمیز سعودی در این مقطع زمانی خاص موجب شد تا گروهی از افراد ناشناس مشکوک به اماکن دیپلماتیک این کشور در تهران و مشهد تعرض کنند. اقدامی مشکوک که موجب جنجال سیاسی رژیم سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران شد هر چند عالی ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران با هدف کاستن از تنش ها تعرض صورت گرفته را محکوم کرده و وعده برخورد قضایی با عوامل آن را دادند.

به اعتقاد بسیاری این حرکتی مشکوک بوده است که رژیم سعودی با بهانه قرار دادن آن برای دستیابی به اهدافی کلان تر روابط خود با ایران را قطع کرد.

در همین رابطه گفتگویی انجام شده است با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه و منتقد سیاست های دولت این کشور که در زیر از حضور تان می گذرد.

|| شما تاثیر چنین تنش هایی را بر منطقه چگونه ارزیابی می کنید؟

تنش بین ایران و عربستان تبعات زیادی برای منطقه خواهد داشت، منطقه ای که شاهد جنگ های داخلی، تروریسم و افراطی گری است، پدیده هایی که در حال ویران کردن منطقه هستند.

آخرین مرحله ویرانی منطقه با اعدام رهبر شیعه عربستانی توسط دولت سعودی صورت گرفته است که موجب تشدید اختلافات دو قدرت منطقه ای یعنی ایران و عربستان شده است. ایران و عربستان علاوه بر اختلافات مذهبی در برداشت خود از اسلام و رقابت های منطقه ای اختلافات شدیدی در سوریه، عراق و یمن دارند. رجزخوانی های اخیر دو طرف هم م

|| به نظر شما اهداف احتمالی آل سعود از اعدام شیخ نمر و به دنبال آن قطع رابطه با ایران چه چیزهایی می توانند باشند؟

خاندان سعود با وجود مخالفت های گسترده داخلی، منطقه ای و بین المللی هنوز به اعدام ادامه می دهند. پادشاه عربستان قدرت عفو شیخ نمر را داشت اما این کار را نکرد زیرا پادشاه سعودی در اقدامی سنجیده و محاسبه شده با این کار سعی در تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی و مشکلات داخلی به نفع خود داشت. اهداف احتمالی آل سعود از این کار می توانند:

الف- افزایش نفوذ قدرت و نفوذ منطقه ای در زمانی که شاهد افزایش نفوذ ایران در سوریه هستیم و توافق هسته ای ایران و غرب در حال نزدیک شدن به اجرایی شدن است امری که موجب لغو تحریم های ایران و افزایش نفوذ ایران خواهد شد. عربستان قصد دارد با انزوای منطقه ای ایران موجبات برگرداندن ایران به وضعیت قبلی را فراهم کند.

ب- بر اساس برآوردهای اخیر صندوق بین المللی پول عربستان در آستانه ورشکستگی قرار دارد و ادامه بقای رژیم سعودی و ثبات آن تا حد زیادی وابسته به قیمت بالای نفت است. اما قیمت نفت رو به کاهش است شاید عربستان قصد دارد با ایجاد تنش در خلیج فارس موجب افزایش قیمت جهانی نفت باشد هر چند این مسئله به نفع ایران هم خواهد بود.

ج- تنش ها و رقابت های داخلی در خاندان سعودی برای کسب قدرت، وخامت اوضاع اقتصادی، تنش های قومیتی، فشارهای سیاسی و اجتماعی برای اصلاحات، و شکست های سیاست خارجی همگی تبدیل به آواری شده اند که موجب بیم خاندان سعودی درباره ادامه حیات خود شده اند. انحراف افکار عمومی داخلی از این مشکلات و برانگیختن حس ملی آنها علیه ایران می تواند از دیگر اهداف رژیم سعودی باشد.

د- خاندان سعودی بعد از شکست سیاست های خارجی خودشان در سوریه، یمن و عراق و نارضایتی از نحوه تعامل آمریکا با آنها به ویژه بعد از توافق هسته ای غرب و ایران، قصد دارد با شعله ور کردن یک بحران عمده در منطقه شکست سیاست خارجی خود را جبران کند و بار دیگر ایران را «شورو» جلوه دهد تا بتواند حمایت های آمریکا را از خود جلب کند.

ه- شاید عربستان اینگونه محاسبه کرده است که ائتلاف ۳۴ کشوری که اخیراً علیه تروریسم ایجاد کرده است در



ثانیا، پاسخ اولیه بازار نفت تا به اینجا بر خلاف انتظارات عربستان بوده است بطوریکه قیمت نفت به جای صعود سقوط داشته است هر چند این روند می تواند با توجه به روندهای آتی تغییر کند.

ثالثا، اینکه احساسات ملی مردم عربستان در این بحران پشت سر خانواده سلطنتی سعودی قرار گیرد جای سوال و تردید است. معمولا مشکلات داخلی با ماجراجویی در سیاست خارجی حل نمی شوند. بادهای تغییرات در جهان عرب به سوی سعودی ها شروع به وزیدن کرده و در صورت شکست این ماجراجویی خاندان سعودی به احتمال بسیار زیاد شاهد تغییرات بنیادین در عربستان خواهیم بود که تبعات آن موجب کاهش سیطره خانواده سلطنتی بر این کشور خواهد بود. رابعا، تمامی روندهای حاضر حکایت از آن دارند که همه خواستار کاهش تنش ها هستند که در صورت این اتفاق دست سعودی ها خالی خواهد ماند. و در صورت اصرار سعودی ها برای ادامه تنش با ایران این سعودی ها خواهند بود که بازنده خواهند بود. علاوه بر این هرگونه برخورد نظامی بین ایران و عربستان موجب ویرانی منطقه خلیج فارس و دو کشور خواهد شد و نتایج آن برای همه ویرانگر خواهد بود، البته اگر این درگیری پایانی داشته باشد. اگر قطب بندی فرقه گرایانه در منطقه به کشورهای دیگر تسری پیدا کند این درگیری تبعات بیشتری خواهد داشت.

رویارویی با ایران به حمایت از عربستان خواهد پرداخت. زیرا با وجود اینکه این ائتلاف گفته شده دارای ابعاد نظامی است اما در واقع یک اتحاد سنی علیه شیعیان می باشد زیرا که ایران، عراق و سوریه در آن حضور ندارند. منطقی ترین راه برای ایجاد یک اتحاد اسلامی علیه تروریسم ایجاد آن با محوریت سازمان همکاری اسلامی می باشد که تمامی کشورهای مسلمان شیعه و سنی در آن حضور دارند. به هر حال می تون گفت شاید عربستان قبل از برخورد احتمالی با ایران تلاش کرد تا این ائتلاف را ایجاد کند تا از آن در برخورد برنامه ریزی شده اش با ایران و بازیگران شیعه در منطقه بهره بجوید.

|| آیا به اعتقاد شما نهایتاً عربستان خواهد توانست از این بحرانی که طراحی کرده به نفع خود استفاده کند و به اهداف احتمالی که شما مطرح کردید دست بیابد؟

خیر زیرا اولاً بر خلاف انتظارات عربستان اوضاع بیشتر به ضرر عربستان پیش رفته تا ایران زیرا ایران بیشتر به خاطر تعرض به سفارت و کنسولگری سعودی مورد انتقاد بوده اما عربستان بطور گسترده ای به خاطر اعدام ها مورد انتقاد قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که رئیس جمهور ایران و سپاه پاسداران تعرض به سفارت سعودی را رد کرده و قول تنبیه عوامل آن را داده اند. بطور کلی هم جامعه جهانی خواستار کاهش تنش ها و حل مشکل از طریق دیپلماتیک شده اند به استثناء کشورهای حاشیه خلیج فارس و سودان.

|| آیا به نظر شما در صورت تشدید بحران و درگیری بین ایران و عربستان کشورهای مورد

گفتگو با محقق چتم هاوس:

کسری بودجه از دلایل خصوصی سازی «آرامکو» عربستان است



چندی پیش «محمد بن سلمان» وزیر دفاع و نایب ولیعهد عربستان سعودی در گفتگو با نشریه «اکنومیست» از تصمیم ریاض برای واگذاری بخشی از سهام شرکت نفتی «آرامکو» که بزرگترین شرکت تولید انرژی جهان به شمار می آید، خبر داد. این تصمیم که در ظاهر برای جبران کسری بودجه ناشی از افول قیمت نفت اتخاذ شده و رنگ و بوی مشارکت مردمی به خود گرفته است، در عمل با جذب سرمایه گذاران خارجی بزرگ، آرامکو را به یک شرکت بین المللی تبدیل می کند. با توسل به این حربه، عربستان به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار در «اوپک» می تواند سیاست گذاری های این سازمان نفتی را با الهام از خط مشی شرکت های بین المللی خود دستخوش تغییر کند. در همین رابطه گفتگویی با دکتر «سارا بازوبندی» از محققان موسسه چتم هاوس و استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه ریجنز انگلستان انجام شده که مشروح آن به شرح زیر است:

کسری بودجه عربستان انجام می شود؟
کسری بودجه عربستان در سال گذشته نزدیک ۱۰۰ میلیارد دلار بود و دولت این کشور برای متعادل نگه داشتن خود باید سرمایه های خارجی را جذب کند.

در بازارهای جهانی ارزش ریال عربستان به کمترین حد ممکن در برابر دلار رسیده است که این امر بی اعتمادی به اقتصاد عربستان را تایید می کند.

علاوه بر این این کشور با برخی مشکلات داخلی و منطقه ای هم مواجه است.

در نتیجه جای تعجب نیست که دولت عربستان تصمیم گرفته برخی تغییرات اقتصادی را به اجرا بگذارد که این امر شامل خصوصی سازی برخی شرکت های بزرگ می شود و بر همین اساس خصوصی سازی در بخش هایی همچون بهداشت، آموزش، و برخی صنایع نظامی انجام خواهند شد. فروش سهام آرامکو نیز به عنوان بخشی از برنامه خصوصی سازی برای کسب پول در زمانی است که کاهش بهای نفت مطرح است.

آیا تنش های میان ایران و عربستان تأثیری بر قیمت نفت دارد؟

نفت ماده ای است که بسیار سیاسی شده است و استراتژی های عربستان در اوپک و روابط این کشور با کشورهای دیگر بر اساس آن است. این امر همواره با مولفه های سیاسی و اقتصادی همراه شده است. تأکید دولت عربستان برای تنظیم سهم این کشور از بازار نفت ناشی از نگرانی های این کشور در خصوص واگذاری سهام بازار به دیگر تولیدکنندگان از جمله ایران است.

شرکت بزرگ نفت آرامکو عربستان با ۲۶۱ میلیارد بشکه ذخیره نفتی و ۶۰ هزار کارمند تأیید کرده که در نظر دارد بخشی از سهام خود را به فروش برساند. البته بخش کوچکی از سهام یعنی در حد ۵ درصد به عنوان بخشی از بسته اصلاحات اقتصادی به فروش می رسد. تأثیرات این تصمیم چه مواردی می تواند باشد؟

ابتدا مهم است که این نکته را در نظر داشت که این عرضه سهام فقط در بخش پالایشی مشترک با خارجی ها بوده و شامل عملیات های اکتشاف و تولید نفت نیست. اینطور برداشت می شود که گزینه عربستان برای عرضه سهام آرامکو ایجاد «هولدینگ» بوده که بتواند با آرامکو در مورد شرکت های تابع پائین دستی همکاری کند و بدین ترتیب دیگر نام آرامکو به تنهایی مطرح نباشد.

در نتیجه بدون در نظر گرفتن مسائل مالی فنی عرضه سهام، تصمیمات حوزه تولید نفت خام که بطور مستقیم در قیمت نفت تأثیر دارند همچنان توسط دولت عربستان اتخاذ می شوند.

از زمان آغاز روند کاهش بهای نفت استراتژی عربستان سعودی حفظ سهم خود از بازار نفت بوده است در حالی که سایر تولیدکنندگان نفت اوپک انتظار کاهش سقف تولید برای بالا بردن قیمت نفت را داشتند. این استراتژی می تواند در صورت مواجه شدن عربستان با مشکلات مالی جدی تغییر کند.

برخی معتقدند که این اقدام به دلیل

نظر عربستان به حمایت از این کشور خواهند پرداخت؟

احتمال اینکه عربستان بتواند حمایت های عمده ای از اعضای اتحاد اسلامی ضد داعش کسب کند کم است به جز برخی حمایت های محدود همراه ژست های دیپلماتیک.

چرا این کشورها به آل سعود کمک نخواهند کرد؟ زیرا اگر شکاف های فرقه گرایانه عمیق شوند بسیاری از این کشورها خودشان درگیر جنگ های فرقه گرایانه خودشان خواهند شد.

رفتار ایران در مواجهه با بحران سازی سعودی را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر می رسد که طرف ایرانی بازی را بطور صحیحی انجام می دهد. بجز برخی رجز خوانی های محدود پاسخ ایران حساب شده است و ایران از اقداماتی که شکاف فرقه گرایانه را تعمیق کند خودداری کرده است و سعی می کند اعتباری را که با دستیابی به توافق هسته ای و با حضور در کنفرانس وین درباره سوریه به دست آورده است را حفظ کند.

به اعتقاد شما این بحران چگونه باید حل و فصل شود؟ آیا ترکیه می تواند به عنوان میانجی بین ایران و عربستان وارد شود؟

بهترین بازیگری که می تواند نقش میانجی را داشته باشد ترکیه است. زیرا ترکیه کشوری است که هم با ایران و هم با عربستان رابطه نزدیک دارد. ترکیه باید با توسل به اصول سکولار خود بدون لحاظ ملاحظات فرقه گرایانه عمل کند. بحران موجود بهترین فرصت برای آنکارا است تا اعتبار و احترام قبلی خود را که در سال های گذشته از دست داده است را احیا کند. اما متأسفانه به نظر نمی رسد که ترکیه چنین کاری را بکند زیرا ترکیه بیش از یک دهه است که تحت حکومت حزب حاکم عدالت و توسعه است و خودش سیاست های فرقه گرایانه در پیش گرفته است و اختلافات زیادی با تهران دارد و روابط بسیار نزدیکی با ریاض برقرار کرده است. اردوغان در اولین واکنش خود مسئله اعدام های سعودی را مسئله داخلی عربستان خواند و تعرض به اماکن دیپلماتیک سعودی را محکوم کرد.

آیا ترکیه قدمی بزرگ برای حل این بحران تا کنون برداشته است؟

تنها اقدام عملی آنکارا برای حل این بحران این بوده است که از مدیر امور مذهبی ترکیه خواسته است تا با طرف ایرانی و سعودی صحبت کند یعنی اینکه کاری اشتباه به فردی اشتباه سپرده شده است زیرا مسئله بین ایران و عربستان مسئله سیاسی و استراتژیک است و نه مسئله مذهبی. فرصتی برای ترمیم روابط ایران و ترکیه ایجاد شده است اما متأسفانه از دست احزاب کاری بر نمی آید و این موضوع در دستور کار دولت نیست.

جای ناراحتی و تأسف است که برای کاستن تنش های منطقه ای بازباید قدرت های فرامنطقه ای مثل آمریکا و روسیه وارد عمل شوند و برای این کار از سیاست های چماق و هویج خود علیه کشورهای منطقه استفاده کنند. کاری که باید الان صورت نگیرد وارد کردن شورای امنیت سازمان ملل در این بحران است. هر چند ممکن است در آینده به این کار نیاز باشد.



اروپا

دبيران: عبدالحميد بياتي
مريم خرماني

گفتگو با سفیر آلمان:

آلمان به دنبال گسترش همکاری‌ها با ایران است



بازیکنان ایرانی خوبی در بوندسلیگا بازی می کنند.

«فرانک والتر اشتاین مایر» وزیر خارجه آلمان در دیدار اخیر خود از ایران خواستار گسترش روابط دو کشور در زمینه های فرهنگی و آموزش شد. منظور وی دقیقا چه زمینه هایی بوده است؟

ما گستره وسیعی از زمینه های همکاری را در عرصه های فرهنگی، علمی و آموزشی داریم. به عنوان مثال همکاری بین موزه ها، تئاترها و یا در عرصه هنر سینما، آلمان از سال ها پیش در جشنواره فجر ایران حضور می یابد و یا نمایشگاه آثار هنرمند معروف آلمانی «اتو پینه» که اخیراً فوت کرده، در موزه هنرهای معاصر تهران که با استقبال بسیار خوبی مواجه شد برگزار شد.

همچنین باید به بخش مهم آموزش زبان و تبادل دانش توجه کرد. در حال حاضر چندین هزار ایرانی در دانشگاه های آلمان مشغول تحصیل هستند. مؤسسه تبادلات آکادمیک آلمان (DAAD) دفتری در ایران دارد و در تلاش است تا تعامل بین دانشگاه های دو کشور را افزایش دهد. همچنین وظیفه دارد زمینه های تحصیل دانشجویان ایرانی در آلمان را تسهیل نماید و نیز بر عکس، دانشجویان آلمانی را به ایران بیاورد. در زمینه باستانشناسی نیز یک مؤسسه تحقیقاتی آلمانی در ایران وجود دارد که همکاری بسیار نزدیکی با مؤسسات ایرانی دارد.

از این رو سیاست فرهنگی ما در حال حاضر دو هدف اساسی دارد. از یک طرف ما خواستار دستیابی به یک توافق جامع با ایران در ارتباط با تبادل فرهنگی هستیم تا همکاری را برای طرفین تسهیل نماییم. همزمان تلاش می کنیم همکاری های موجود را توسعه دهیم. من فکر می کنم آلمان برای ایرانی ها به دلایل مختلف کشور جذابی است و آلمانی ها نیز به وضوح به ایران و فرهنگ چندین هزار ساله آن علاقه مند هستند. بیشترین توریست هایی که از ایران دیدار می کنند خوشبختانه از کشور ما می آیند. بنابراین یک علاقه اجتماعی وسیع در هر دو کشور وجود دارد و نمی توان از کمبود تقاضا برای رویدادهای فرهنگی گالیه کرد.

نکته دیگر این است که فرهنگ محدود به ادبیات و نقاشی نمی شود، ورزش و بخصوص فوتبال نیز مردم ما را به هم نزدیکتر می کند. اخیراً یکی از بازیکنان سرشناس آلمانی که در گذشته برای بایرن مونیخ بازی می کرد، در برنامه ۹۰ صدا و سیمای ایران شرکت کرد. در طرف مقابل نیز

پیمان بزدانی و جواد حیران نیا

«میکایل بارون فون اونگرن» سفیر آلمان در ایران در گفتگو با مهر به بررسی موضوعاتی چون گسترش روابط آلمان با ایران، روابط انگلیس و اتحادیه اروپا و تلاش برلین برای عضویت دائم در شورای امنیت پرداخت. با نزدیک شدن به زمان لغو تحریمهای ایران در ماه ژانویه و همچنین افزایش تلاش های بین المللی برای حل بحران سوریه و تبدیل شدن موضوع مهاجران به بحرانی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا خبرگزاری مهر گفتگویی با «میکایل بارون فون اونگرن» سفیر آلمان در ایران انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

دیگر دلایل بحران در سوریه، کمبود تفاهم و درک متقابل بین بازیگران اصلی منطقه ای است. از این رو با تحلیل شما موافق نیستم.

در حال حاضر با یک فاجعه انسانی مواجه هستیم و اتحادیه اروپا و آلمان در تلاش هستند تا به رفع آن کمک کنند. البته بار اصلی این بحران بر دوش کشورهای همسایه سوریه است، در لبنان، اردن و ترکیه میلیون ها آواره سوری تحت سخت ترین شرایط منتظر پایان این درگیری خونین هستند. از این رو لازم است جامعه جهانی از این کشورها و آوارگان حمایت کند. البته در نهایت تنها یک تفاهم سیاسی می تواند این مناقشه و درگیری خونین و در نتیجه این وضعیت اضطراری انسانی را برطرف کند.

در همین راستا اخیراً شاهد دو کنفرانس درباره سوریه در وین بوده ایم که بی گمان حرکتی در مسیری درست است. وزیر امور خارجه آلمان، اشتاین مایر، بارها گفته است که حضور ایران در این گفتگوها به دلیل اهمیت منطقه ای این کشور مهم و مفید است. اکنون باید هر چه سریع تر اختلاف های گذشته را پشت سر بگذاریم و در مسائل کلیدی به پیش برویم.

پیش بینی شما از نتیجه کنفرانس های وین درباره سوریه چیست؟

همانطور که گفتیم، تا به حال تنها دو نشست برگزار شده است که کشورهای حاضر در آنها به پیشرفت هایی دست یافته اند. البته مشخص است که در ادامه باید مردم سوریه را نیز وارد تصمیم گیری کنیم، زیرا هدف ما این است که مردم سوریه در نهایت آینده سیاسی خود را به صورت مستقل بسازند. البته مسیری که ما را به این مرحله پایانی می رساند باید تبیین و روشن شود. به این ترتیب حداقلی از ثبات پیش نیاز برگزاری هرگونه انتخابات است.

چرا برخی کشورها مثل مجارستان بر خلاف کشوری مثل آلمان از پذیرش آوارگان طفره می روند؟

این سوال را می بایست از همکار مجارستانی من پرسید.

بعد از حوادث پاریس، آیا ممکن است شاهد نوعی پاسخ یکپارچه از سوی کشورهای اتحادیه اروپا و متحدان آن به چنین بحران هایی باشیم؟

من فکر می کنم که واقعه پاریس این نکته را برای ما برجسته کرد که درگیری های مسلحانه سوریه به اروپا رسیده است. واضح است که موضع گیری مشترک اروپا همواره هدف ما بوده است، هر چند ممکن است همواره نتوانسته باشیم به سرعت به آن دست یابیم. همانطور که اطلاع دارید، پس از وقوع بحران پناهجویان، مذاکراتی در سطح اتحادیه اروپا صورت گرفت که هنوز به اجماعی

آینده روابط اقتصادی و تجاری ایران و آلمان را بعد از لغو تحریم های علیه ایران چگونه می بینید؟ سطح کنونی روابط را چگونه ارزیابی می کنید؟

آلمان و ایران از دهه ها پیش روابط اقتصادی بسیار خوبی با هم دارند، بطوریکه کشور ما تا حدود ۱۰ سال پیش اولین شریک تجاری صادرکننده به ایران بوده است، به ویژه در زمینه های محصولات صنعتی، دارویی و مواد شیمیایی. با این وجود مشخص است که حجم مبادلات بازرگانی به دلیل تحریم ها در سال های اخیر کاهش یافته و در سال گذشته به ۲۵ میلیارد یورو رسیده است.

در حال حاضر در بین شرکت های آلمانی، علاقه مندی زیادی برای تجارت و سرمایه گذاری در ایران وجود دارد و شرکت هایی که در گذشته در ایران فعال بوده اند، هنوز ارتباط خود با شرکای ایرانی را حفظ کرده اند. من معتقدم به خاطر سابقه خوب صنعت آلمان در ایران و اعتماد ایرانی ها به صنعت آلمان، زمینه مناسبی برای توسعه روابط تجاری بین ایران و آلمان وجود دارد، هر چند اطلاع دارم که کالاهای ما همیشه جزو ارزاترین کالاها نیستند. با این وجود فکر می کنم ایرانی ها آماده پرداخت قیمت برای کیفیت کالاهای ما هستند. البته مشخص است که در نهایت این خریداران و مصرف کنندگان ایرانی هستند که تصمیم می گیرند.

در خصوص سرمایه گذاری، شرکت های آلمانی آگاهی دارند که ایران تنها به دنبال خرید کالا نیست، بلکه خواهان انتقال فن آوری و ایجاد شغل است. در این زمینه نیز علاقه ها و منافع مشترکی داریم که دلیل دیگری برای روابط نزدیکتر است.

یکی از دلایل بروز بحران مهاجران در سوریه حضور نظامی آمریکا در منطقه و سوریه است. نظر شما در این خصوص چیست؟

من با عقیده شما موافق نیستم. مشکلاتی که امروز ما در سوریه شاهد آن هستیم، صرفاً ناشی از سیاست های آمریکا نیست، بلکه بخش اصلی آن ناشی از عوامل داخلی سوریه است. در این راستا، روش و نوع برخورد بشمار اسد با اپوزیسیون و مخالفان داخلی نقش اساسی داشت. همچنین از

ایالات متحده آمریکا از عضویت دائم آلمان در شورای امنیت سازمان ملل حمایت می کند. آیا فکر می کنید دیگر اعضای این شورا مثل چین و روسیه هم از این عضویت حمایت می کنند؟

مسئله تغییرات در ساختار شورای امنیت سال ها است که با شور و شوق در سازمان ملل در دست بررسی است. لیکن ساختار این شورا فقط یک بار در سال ۱۹۶۵ اصلاح شد و طی آن اعضای غیر دائم آن افزایش یافتند. اکنون اگر چه در درون سازمان ملل تمامی اعضا درباره لزوم اصلاحات اتفاق نظر دارند، تا شورا با شرایط جدید مطابقت داده شود. سال ۲۰۰۵ سندی در این خصوص در مجمع عمومی سازمان ملل امضا شد. اما تا کنون توافقی اساسی درباره اصلاحات در شورای امنیت حاصل نشده است. طبیعتاً این تصمیم توسط ایالات متحده آمریکا گرفته نمی شود، بیش از ۱۹۰ کشور در این تصمیم گیری دخیل هستند. آلمان هم خواستار تغییر ساختار شورا است. اما به نظر من، هنوز راهی طولانی پیش رو داریم.

آیا فکر نمی کنید جهان اسلام با توجه به گستره جغرافیایی و جمعیتی باید یک کرسی در شورای امنیت داشته باشند؟

در درجه اول مهم است که بدانیم که سازمان ملل و نهادهای مربوط به آن تقسیم بندی های مذهبی یا فرقه ای نمی شناسند. بنابراین کشورها را بر اساس تعلقشان به اسلام، مسیحیت یا بودیسم در نظر نمی گیرند. اما پنج گروه منطقه ای وجود دارند: آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا، اروپا به اضافه اقیانوسیه و آمریکای شمالی. باید برای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در قرن بیست و یکم، وزن بیشتری در نظر گرفته شود و ما معتقدیم که این باید در شورای امنیت بازتاب پیدا کند. از این رو ما فکر می کنیم شورای امنیت باید به جای ۱۵ عضو غیر دائم، ۲۵ عضو داشته باشد. همچنین کشورهایی که بزرگ ترین سهم در رسیدن به اهداف سازمان ملل را دارا هستند، حضور پررنگ تری داشته باشند. مسلماً روشن است که در این میان، بین کشورهای هر گروه منطقه ای رقابت شدیدی وجود دارد.

برخی افزایش اعضای شورای امنیت را به دیده تردید می نگرند. بر این اساس آیا افزایش شمار اعضای شورای امنیت که منجر به افزایش اختلاف نظرها خواهد شد، واقعا می تواند منجر به افزایش ثبات شود؟

پیشگویی این موضوع بسیار دشوار است. اما آنچه روشن است این است که کشورهایی که اکنون هم شورای امنیت را تشکیل می دهند، در بسیاری مواقع نمی توانند تصمیمی واضح بگیرند. بحث های مربوط به مناقشه سوریه را به یاد آورید که شورای امنیت نتوانست وظیفه و تکلیف خود را در خصوص حل مناقشه انجام دهد.

ما معتقدیم که وجود شورای امنیت، برای سر و سامان دادن و حل چالش های جهانی، غیر قابل چشم پوشی است، اما ترکیب فعلی، به انجام رساندن این وظیفه را دشوار می سازد. یک تفاهم عمومی وجود دارد که شورای امنیت باید بزرگتر شود اما در خصوص میزان و چگونگی بزرگ تر شدن آن اختلاف نظرهایی وجود دارد: برخی کشورها معتقدند سهم کشورهای عضو - از نظر مالی و نیز سیاسی - در میزان حضور آنان در نهادهای سازمان ملل باید لحاظ شود. برخی دیگر هم موضوع مناطق جغرافیایی را پیش می کشند و خواستار توازن بیشتری در این خصوص هستند. ۲۰ سال است که درباره اصلاح ساختار سازمان ملل بحث ها در جریان است ولی هنوز نتیجه ای حاصل نشده است. کار سختی باقی خواهد ماند.



است که نیازمند اقدام سریع است.

انگلستان همواره سخن از خروج از اتحادیه اروپا می گوید و همواره بین این کشور با آلمان و فرانسه اختلافاتی وجود داشته است. حقیقت امر این است که اهمیت رابطه با آنسوی اقیانوس اطلس برای انگلستان مهمتر از رابطه با اتحادیه اروپا بوده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

انگلستان عضو مهمی از اتحادیه اروپا است و آلمان اعتقاد دارد که عضویت انگلستان در اتحادیه اروپا بر اهمیت این اتحادیه می افزاید. اگر انگلستان تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا بگیرد، این امر حقیقتاً صدمه و خسارتی بزرگ برای اتحادیه اروپا خواهد بود. مذاکراتی در جریان است تا نگرانی ها و مسائل موجود حل و فصل شوند در این راستا موضوعاتی مانند جریان آزاد نیروی کار و مزایای اجتماعی نقش مهمی دارند. بنابراین باید منتظر بمانیم و ببینیم نتیجه فرآیند پیش رو چه خواهد بود.

البته درست است که انگلستان بطور سنتی روابطی قوی با آمریکا و کشورهای دیگری خارج از اروپا دارد؛ این امر اما در تضاد با عضویت آنها در اتحادیه اروپا نیست. انگلستان نگرانی های دیگری در ارتباط با فرآیند همگرایی و انطباق دارد که در مذاکرات اشاره شده در دست بررسی هستند.

در پی تحولات در شرق اوکراین مواضع آلمان در قبال روسیه در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی ملایم تر بود. آیا این به خاطر تعاملات اقتصادی گسترده آلمان با روسیه بوده است؟ آینده این بحران را چگونه می بینید؟

من با این گفته شما موافق نیستم. در درجه اول به، ما روابط اقتصادی قوی با روسیه داریم و آلمان شریک اول تجاری روسیه در اتحادیه اروپا است. اما مواضع ما در قبال نقض حقوق بین المللی واضح است، در صورتیکه تمامیت ارضی و حاکمیت یکی از کشورها نقض شود. این موضوع باید فراتر از روابط اقتصادی قرار گیرد. از این رو ما - به همراه شرکای اروپایی مان - تحریم های اقتصادی را علیه روسیه اعمال کردیم. اما در عین حال معتقدیم که این مسئله تنها با راهکار سیاسی می تواند حل و فصل شود. امیدواریم و بر روی این موضوع کار می کنیم که توافقات حاصل شده در مینسک مورد احترام قرار گیرند و از سوی همه طرفین اجرا شوند.

جامع منتخ نشده اند. با این وجود به نظر من اشتباه است که بگوییم بین موج اخیر پناهجویان و حملات تروریستی پاریس ارتباطی وجود دارد. این مسئله باید حداقل بیشتر بررسی شود. گفته شده بود که یکی از تروریست ها سوری بوده است، اما شماری از آن تروریست ها تابعیت فرانسوی داشتند و در فرانسه بزرگ شده بودند.

با این وجود مشخص است که با توجه به تهدیدات تروریستی، اتحادیه اروپا نیز باید ورود و خروج ها را زیر نظر داشته باشد و از این رو مصمم است نظارت خود در مرزهای بیرونی را افزایش دهد. برای داخل اتحادیه اروپا و بین کشورهای عضو، اصولاً کنترل و موانع مرزی، مانند چیزی که در گذشته بوده، پیش بینی نشده است.

در هفته های منتهی به حملات پاریس ما شاهد برخی اظهارات از سوی مقامات آمریکایی، غربی و ترک درباره لزوم حضور نیروی زمینی در سوریه و نیز ایده ایجاد یک منطقه حائل در سوریه از سوی ترکیه و متحدانش بوده ایم. آیا حوادثی مثل حملات پاریس می تواند موجب تسریع چنین روندی از سوی آنها شود و مداخله نظامی غرب و متحدان منطقه این در این کشور را فراهم سازد؟

آلمان اعتقاد دارد که اصل مناقشه سوریه باید در مرحله اول از طریق ابزارهای دیپلماتیک حل شود. هدف استفاده از ابزارهای نظامی، که در حد محدود با آن موافق هستیم، ایجاد شرایط مناسب برای فرآیند سیاسی است. حضور صرف نظامی اتحادیه اروپا، ناتو و یا «غرب» را پیش بینی نمی کنم. با این وجود نباید چشممانمان را به روی اقدامات داعش بندیم. به همین دلیل مجلس فدرال آلمان چندی پیش با اعزام نیروهای مسلح، جهت پشتیبانی در مبارزه با گروه های تروریستی در سوریه، موافقت نمود. ایجاد منطقه امن می تواند ایده خوبی باشد، اما قبل از هر چیز باید موافقت طرفین در این خصوص حاصل شود.

حدود یک هفته قبل از انتخابات پارلمانی ترکیه، گروهی از نخبگان این کشور با امضای طوماری از صدر اعظم آلمان «انگلا مرکل» خواستند تا به ترکیه سفر نکنند؛ زیرا این امر می تواند به مفهوم حمایت اتحادیه اروپا و آلمان از حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه باشد. آیا فکر نمی کنید حزب حاکم ترکیه در آستانه انتخابات این کشور از مسئله «آوارگان سوری» به عنوان اهرم فشاری بر اتحادیه اروپا به ویژه آلمان جهت گرفتن امتیازاتی، شاید حتی عضویت در اتحادیه اروپا استفاده می کند تا از این طریق بتواند آرای بیشتری را جلب کند؟

آلمان بخشی از اتحادیه اروپا است اما نمی تواند به جای کلیت این اتحادیه حرف بزند. اتحادیه اروپا مقامات و نمایندگان خودش را دارد. عضویت در اتحادیه اروپا روند خاص خودش را دارد و ترکیه هم خواستار عضویت در این اتحادیه است. صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان، خانم مرکل، توضیح دادند که مذاکرات عضویت بدون مشخص بودن نتیجه صورت می گیرند، اما قصد داریم در این فرآیند با ترکیه همکاری نمائیم.

در خصوص سفر خانم مرکل به ترکیه حق با شماست و انتقاداتی به زمان سفر وجود داشته است. ببینید، ما به طور مستقیم درگیر بحران آوارگان هستیم و ترکیه در این خصوص نقش کلیدی دارد. ترکیه مسیر اصلی عبور آوارگان از سوریه به سمت یونان و اتحادیه اروپا است. اینکه ما بخواهیم تا یک ماه دیگر و تا پس از انتخابات ترکیه کاری نکنیم، منطقی نیست و ما را به هدف نزدیکتر نمی کند. طبیعت مسئله به گونه ای

در نشست خبری در خبرگزاری مهر با حضور «مراد ایلخان» معاون مرکز مطالعات استراتژیک ترکیه و آسیا (TASAM) و از سفیران سابق ترکیه در کشورهای مختلف و پروفیسور «ازد زینب اکتاو» استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه یلدیز ترکیه به بررسی تحولات منطقه، بحران آوارگان و تلاش های ترکیه برای الحاق به اتحادیه اروپا و بر برخی موانع موجود بر سر راه آن به بحث و تبادل نظر پرداخته شد که در ادامه می آید.

نشست «تحولات ترکیه»؛ ریاکاری اروپا و سعودی درباره آوارگان/مداخله اسرائیل در قبرس



|| ترکیه توانسته است فصل جدیدی را در مذاکرات با اتحادیه اروپا برای الحاق به این اتحادیه آغاز کند. آیا فکر می کند که ترکیه نهایتاً بتواند به عضویت اتحادیه اروپا در بیاید؟ مراد ایلخان: تلاش های ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا داستانی طولانی دارد که آغاز آن به سال ۱۹۶۳ برمی گردد. در طول تمامی این سال ها در تمامی سازمان ها و نهادهای اروپایی از جمله ناتو عضو بوده است به استثناء اتحادیه اروپا. علت عضویت ترکیه در این نهادها دکتترین «ترومن» و طرح مارشال بود که موجبات پیوستن ترکیه به بلوک غرب شد. در این سیستم روابط ترکیه و یونان از اهمیت زیادی برخوردار است.

زینب اکتاو: من خیلی امیدوار نیستم که ترکیه نهایتاً بتواند به عضویت کامل اتحادیه اروپا در بیاید.

نکرد. ترکیه فقط می خواست توجه اروپایی ها را به مسئله آوارگان جلب کند و به آنها بگوید که در خصوص آوارگان با چه مشکلاتی مواجه است و چه هزینه هایی را متحمل می شود. خود حزب حاکم عدالت و توسعه هم به خوبی می داند که اتحادیه اروپا عضویت کامل ترکیه در این اتحادیه را در آینده نزدیک نخواهد پذیرفت. ۳ میلیارد یورو پولی که اتحادیه اروپا در خصوص کمک برای اسکان آوارگان پیشنهاد داده در مقایسه با هزینه های ترکیه رقم ناچیزی است. ایلخان: ترکیه فقط خواهان تقسیم مسئولیت و هزینه های بحران آوارگان اروپایی ها در این خصوص بسیار ریاکارانه عمل می کنند و صادق نیستند. آنها حتی در خصوص پذیرش همین تعداد کم آوارگان قصدشان کمک به مردم آواره و ترکیه نیست. آنها تعداد کمی از آوارگان ثروتمند و تحصیل کرده را گل چین می کنند و به کشورهای خودشان می برند تا از استعدادهای آنها در راستای منافع خودشان استفاده کنند. آنها باید مسئولیت بین المللی خود در این خصوص را بپذیرند. آنها هزاران آواره را در دریاها غرق کرده اند در مواردی آنها تمهیداتی هم برای آوارگان را سوراخ کرده اند تا غرق شوند و به کشورهای اروپایی نرسند.

یک سوال دیگر هم اینجا مطرح است که چرا این آوارگان با وجود اینکه دارای هم ذهنان و حامیانی در میان کشورهای

اروپا استفاده می کند. نظر شما در این خصوص چیست؟

اکتاو: این روزها یکی از مهمترین موضوعات مسئله آوارگان است. در خصوص مسئله آوارگان تا امسال ترکیه نمی خواست به عنوان منطقه حائل برای اروپا عمل کند و هیچ یک از کشورهای اروپایی هم به مشکلات ترکیه در این خصوص اهمیتی نمی داد. آوارگان سوری حاضر در ترکیه تدریجاً بطور بی سر و صدا سعی کردند خودشان را به کشورهای اروپایی مثل یونان و برخی کشورهای دیگر برسانند اما مقصد نهایی آنها آلمان است و آنها به دنبال دریافت اقامت آلمان هستند و ترکیه هم همواره به آوارگان به چشم میهمان نگر بسته و قصد دادن اقامت به آنها را ندارد. بنا بر این طبیعی است که آوارگان به فکر زندگی بهتر باشند. بعد از تراژدی ها و رخدادهای اخیر اتحادیه اروپا به نقش مهم ترکیه در حل بحران آوارگانی که از سوریه می آیند بلکه آنها را می بیند که از افغانستان، پاکستان، عراق، لیبی و برخی کشورهای آفریقایی می آیند. لذا مرکز به ترکیه آمد و درباره خیلی چیزها مذاکره کرد و باید این را هم به یاد داشته باشیم که مرکز یکی از رهبران اروپایی است که قول عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا را نداده است.

به اعتقاد من ترکیه از مسئله آوارگان به عنوان اهرم فشاری علیه اروپا استفاده

این کشور بازار خوبی برای کالاهای آنها خواهد بود اما این در حالی است که در حال حاضر اقتصاد ترکیه از اقتصاد بسیاری از اعضای این اتحادیه بهتر و قوی تر است ولی هنوز اقتصاد ترکیه نیازمند بهتر و شکوفاتر شدن است. اروپایی ها در سال های گذشته موانع بیشتری را بر سر راه الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا ایجاد کرده اند موضوعاتی مثل اختلاف فرهنگی، سبک زندگی و برخی آزادی های خاص مثل آزادی بیان و حقوق بشر.

اکتاو: اما ترکیه هم از این مسئله سودهایی برده است.

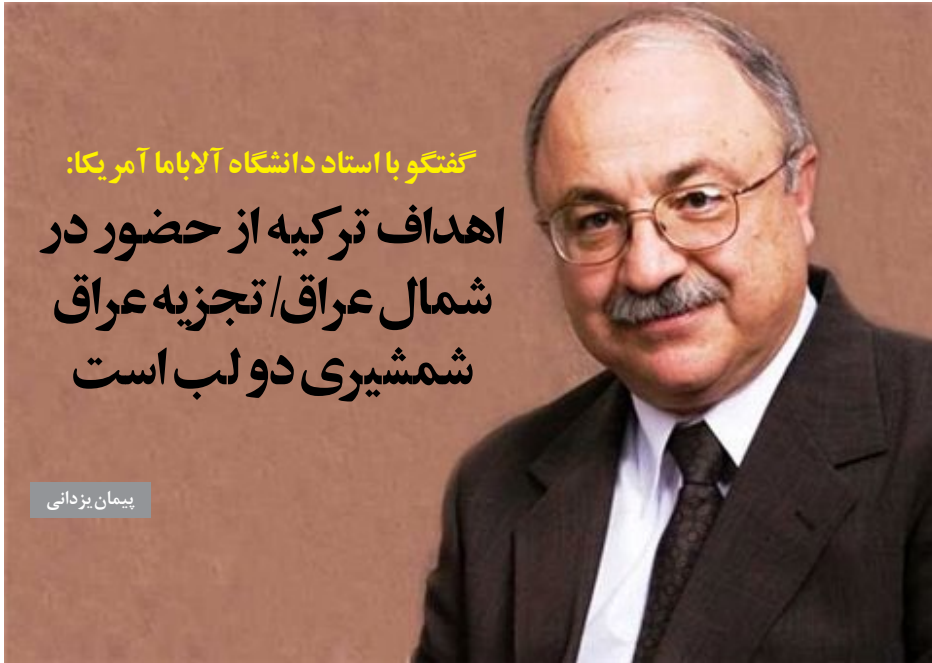
ایلخان: بله درست است تلاش ترکیه برای الحاق به اتحادیه اروپا موجب افزایش و بهتر شدن استانداردهای ترکیه شده است.

اکتاو: این امر موجب شد تا برخی شاخصهای اقتصادی و امنیتی ترکیه رشد کنند.

|| در ماه های گذشته چند هفته قبل از دیدار «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان از ترکیه که منجر به دادن برخی امتیازات به ترکیه از سوی اتحادیه اروپا شد. شاهد وقوع برخی تراژدی های انسانی برای آوارگانی بودیم که از ترکیه راهی اروپا بودند. برخی معتقد هستند که ترکیه از مسئله آوارگان به عنوان اهرم فشاری برای گرفتن امتیاز از اتحادیه

مراد ایلخان: بله عضویت کامل ترکیه در تمامی نهادهای اتحادیه اروپا نکته بسیار مهمی است که در این خصوص روابط ترکیه و یونان از اهمیت زیادی برخوردار است. کشورهای غربی همواره سعی کرده اند ترکیه و یونان را در نهادهای غربی از جمله در ناتو به همدیگر نزدیک کنند اما رفتار آنها در خصوص این مسئله در اتحادیه اروپا فرق دارد بطوریکه موجب شده است ترکیه بعد از ۵۲ سال تلاش نتواند به عضویت این اتحادیه در آید.

اما یک نکته هم در این خصوص قابل طرح است و آن این است که فقط اتحادیه اروپا نبوده است که عضویت ترکیه را رد کرد بلکه مردم ترکیه خودشان هم از اتحادیه اروپا فاصله گرفته اند. در حال حاضر حدود ۱۶ درصد مردم ترکیه خواستار عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا هستند در حالیکه در گذشته ۲۸ درصد از ایده الحاق به اتحادیه اروپا حمایت می کردند. این به این معنی است که تنها اقلیت کمی از مردم ترکیه از الحاق به این اتحادیه حمایت می کنند. همچنین حدود ۵۰ درصد اعضای این اتحادیه هم مخالف عضویت ترکیه در خانواده خود هستند. الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا منافعی را برای آنها در پی خواهد داشت بطوریکه دارایی ها و ارزش افزوده آنها در برخی عرصه ها به ویژه در عرصه امنیتی افزایش خواهد یافت. همچنین آنها فکر می کنند که با توجه به جمعیت ترکیه،



پیمان یزدانی

گفتگو با استاد دانشگاه آلاباما آمریکا: اهداف ترکیه از حضور در شمال عراق/تجزیه عراق شمشیری دولاب است

استقرار حدود ۱۵۰ نیروی نظامی ترکیه به همراه ادوات سنگین شامل ۲۰ تا ۲۵ تانک و نفربر در پایگاه بعشقه در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرق شهر موصل عراق واکنش هایی را از سوی دولت مرکزی عراق، اتحادیه عرب و برخی هم پیمانان آنکارا در پی داشت.

حضور نظامی ترکیه در مناطق اقلیم کردستان عراق سابقه دارد ولی استقرار این نیروها در نزدیکی موصل که خارج از مناطق تحت کنترل دولت اقلیم کردستان این کشور است از سوی دولت مرکزی این کشور تجاوز به خاک این کشور قلمداد شده است بطوریکه موجب شکایت دولت عراق از ترکیه در شورای امنیت سازمان ملل شد.

در خصوص حضور نظامی ترکیه در شمال عراق و گسترش همکاری های این کشور با دولت اقلیم کردستان این کشور خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوی آمریکا انجام داده که در زیر مشروح آن آمده است. کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» نوشته انتصار از جمله آثار مهم حوزه مطالعات کردی است.

منطقه هستند ترجیح می دهند به اروپا بروند. مثلاً چرا عربستان سعودی به آنها کمک نمی کند. عربستان حداقل می تواند به آنها کمک های مالی ارائه دهد.

اکتاف: مردم ترکیه، شبکه های تلویزیونی و رسانه های ترکیه اتقادهای زیادی را در این خصوص متوجه عربستان می کنند. آنها خیلی تروتمند هستند و پول های زیادی را صرف بسیاری از کارها می کنند ولی وقتی به مسئله آوارگان سوری می رسند هیچ پولی خرج نمی کنند. ترکیه در گذشته از نظام دو قطبی حاکم بر نظام بین الملل در دوران جنگ سرد منافع زیادی برده است. به نظر می رسد که وضعیت استراتژیک ترکیه در نظام تک قطبی کنونی مثل گذشته نیست. نظر شما در این باره چیست؟ ایلخان: ترکیه در گذشته توانست مثل یونان از نظام دو قطبی جهان بهره برداری کند. ترکیه به جهت رقابت های تاریخی خود با روسیه مجبور شد تا دنباله رو مسیر غربی ها در نظام جهانی باشد. ترکیه و روسیه در طول تاریخ ۱۶ جنگ با هم داشته اند و این به معنی وجود خصومت و دشمنی بین ترکیه عثمانی و روسیه بوده است. حتی در زمان استالین روسیه دارای ادعاهای ارضی علیه ترکیه بود و همچنین روس ها خواستار کنترل تنگه های ترکیه بین دریای سیاه و مدیترانه بودند به همین دلیل ترکیه نتوانست به بلوک شرق اعتماد کند. ترکیه همواره از قدرت روس ها بیم داشت و به همین دلیل زیر چتر امنیتی غرب جای گرفت.

|| مشکلات ترکیه و قبرس یکی از دلایلی است که از موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا است. ترکیه چگونه می تواند مشکلات خود را با قبرس حل کند تا راه برای عضویت در اتحادیه اروپا هموار شود؟

اکتاف: مذاکراتی درباره قبرس در جریان است. حقیقت امر این است که اسرائیل نمی خواهد مشکلات در قبرس حل و فصل شود. به علت وجود پروژه های آبی و انرژی تعریف شده برای قبرس اوضاع در آنجا کمی پیچیده است. موانع بسیاری برای حل و فصل مسئله قبرس وجود دارند از جمله مداخلات خارجی. با اینحال با وجود همه مداخلات و موانع، نشانه هایی از حل مشکلات ظاهر شده اند. رئیس دولت جدید قبرس ترک نشین مواضع نرم تر و معطوف تری اتخاذ کرده است و از مذاکرات وحدت دو قبرس حمایت می کند. نتیجه رفتارندومی که قرار است در ماه مارس در قبرس برگزار شود در حل و فصل مشکلات بین دو قبرس بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

|| ترکیه روابط خود با اقلیم کردستان عراق را توسعه داده است. هدف آنکارا از این کار چیست؟

هدف آنکارا بطور کلی حفظ و گسترش نفوذش در خاورمیانه است به ویژه در عراق و سوریه. ترکیه تحت رهبری اردوغان امیدوار است که نهایتاً بتواند تنها کشور مهم منطقه در عراق و سوریه باشد تا بتواند منافع ایران را در این دو کشور به حاشیه براند.

|| آیا ترکیه از تجزیه احتمالی عراق سود خواهد برد؟

تجزیه عراق برای ترکیه هم می تواند مهلک و هم سودمند باشد. در صورتیکه در بخش تجزیه شده عراق هرج و مرج و بی ثباتی برقرار باشد این مسئله قطعاً به منافع ترکیه آسیب خواهد رساند. ترکیه فکر می کند که ادامه حمایتش از دولت کردستان عراق و کنترل آن می تواند برخی منافع اقتصادی و استراتژیک را در عراق تجزیه شده برایش به همراه داشته باشد. ترکیه تصورش بر این است که از رهگذر حفظ دولت اقلیم کردستان عراق یا یک کردستان مستقل که در خدمت ترکیه باشد خواهد توانست تا مشکلات خودش را در خصوص کردستان ترکیه کاهش دهد و خود را حامی کردها معرفی کند.

|| آیا منافع کنونی ترکیه در اقلیم کردستان

عراق تاکتیکی است یا استراتژیک؟

هم تاکتیکی است و هم استراتژیک. ترکیه با قرار دادن خودش در کنار دولت اقلیم کردستان عراق به برخی منافع تاکتیکی دست یافته است اما اهداف درازمدت آنکارا استراتژیک هستند و فقط یکی از اهداف استراتژیک ترکیه در خاورمیانه هستند.

|| حضور نیروهای ترکیه در عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟

حضور اخیر گسترده نیروی زمینی ترکیه و سلاح های سنگین این کشور در پایگاه بعشقه در ۱۵ کیلومتری موصل در خارج از مرزهای دولت اقلیم کردستان عراق صورت گرفته است. باید به یاد داشته باشیم که حضور نیروهای نظامی ترکیه در شمال عراق و تحت کنترل اقلیم کردستان پدیده جدیدی نیست.

ترکیه در گذشته هم دارای پایگاه های نظامی در نزدیکی استان های دهوک و اربیل بوده است که این پایگاه ها در ابتدا ترکیه مجاز بود از آنها در حملات خود علیه گروه پ ک ک استفاده کند. بعشقه تنها پایگاه ترکیه در شمال عراق است که برای هدفی غیر از جنگ با پ ک ک مورد استفاده قرار می گیرد. همانطور که گفتیم این پایگاه در خارج مرزهای اقلیم کردستان عراق است. تنها هدف ترکیه از حضور نظامی در این پایگاه انجام عملیات هایی است که بتواند موصل را بطور غیر مستقیم از طریق نیروهای اقلیم کردستان تحت کنترل خود درآورد.

عضویت مونته نگرودر ناتو/ گسترش به شرق و محاصره روسیه

مهدی ذوالفقاری



ارسال نامه دعوت از مونته نگرودر برای عضویت در ناتو از تلاش های این سازمان نظامی برای گسترش به شرق، تنگ تر کردن حلقه محاصره روسیه از مرزهای غربی و تسلط بیشتر بر دریای مدیترانه حکایت دارد.

روند پیوستن مونته نگرودر به ناتو در نظر برخی کارشناسان حوزه بین الملل پیش از دوم دسامبر سال جاری میلادی (۱۱ آذر ماه) شروع شد؛ زمانیکه وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در نشست خود

در «بروکسل» مقر این سازمان به عضویت مونته نگرودر در این سازمان رأی داد.

«ینس استولتنبرگ» دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی پس از پایان این رأی گیری با شرکت در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: به مونته نگرودر تبریک می گوئیم چرا که این رخداد، آغاز ائتلافی خوب به شمار می آید.

اما پیشتر و در اول آذر ماه سال جاری، روزنامه آلمانی «دی ولت» در تحلیلی از اوضاع و شرایط نظامی و امنیتی جهان اعلام کرده بود که با وجود مخالفت های روسیه قرار است کشور مونته نگرودر به عنوان بیست و نهمین عضو این سازمان به ناتو وارد شود.

این در حالی است که گویا روسیه مدت ها قبل از همه این تحولات نیز از اقدام ناتو آگاهی پیدا کرده بود؛ چرا که در هشتم مهر ماه سال جاری، «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه در اظهاراتی برنامه ناتو برای گسترش حضور خود در کشورهای استقلال یافته از یوگسلاوی سابق را «تحریک آمیز» خوانده و در خصوص آن «هشدار» داده بود. سرانجام وعده های ناتو گام نیمه نهایی خود را نیز برداشت و در ۲۲ دسامبر سال جاری (اول دی ماه) «ینس استولتنبرگ» دبیر کل ناتو دعوتنامه ای رسمی برای پیوستن مونته نگرودر به این سازمان را برای مقامات این کشور ارسال و ابزار امیدواری کرد تا در ماه های آتی بحث عضویت این کشور در ناتو با جدیت و هدفمندی بالایی به انجام برسد. معاون نخست وزیر و نماینده وزارت امور خارجه مونته نگرودر از دریافت کنندگان این نامه بودند.

نکته قابل تأمل در این باره این است که اعلام رسمی خبر دعوت از این کشور برای عضویت در ناتو درست زمانی منتشر شد که روابط ترکیه به عنوان عضوی از ناتو با روسیه به خاطر سرنگونی جنگنده سوخو-۲۴ این کشور در خاک سوریه رو به تیرگی نهاده است. این امر خود گواهی بر دلایل تلاش ناتو برای مقابله با روسیه و از دلایل آشکار مخالف مسکو با افزون طلبی های ناتو به سوی شرق به شمار می آید.

وزارت امور خارجه مونته نگرودر نیز بلافاصله اعلام کرد که به درخواست های مطرح در راستای عضویت در این نهاد با هدف تأمین نظر کشورهای عضو؛ عمل خواهد کرد. همچنین، نشست آتی رهبران کشورهای عضو ناتو نیز با موضوع عضویت مونته نگرودر در این سازمان برنامه ریزی شده است.

پیوستن مونته نگرودر به ناتو با مخالفت های داخلی نیز همراه بوده است؛ به شکلی که با رسانه ای شدن این خبر تظاهرات گسترده ای در برخی شهرها به ویژه «بودگورستا» پایتخت مونته نگرودر در اعتراض به عضویت این کشور در ناتو برگزار گردید.

«مومیبر بولا توویچ» رییس جمهور سابق مونته نگرودر که در

این تظاهرات حضور داشت در سخنانی تأکید کرد: شهروندان نباید در مقابل دعوت برای عضویت مونته نگرودر در ناتو که در سال ۱۹۹۹ میلادی به یوگسلاوی سابق حمله کرد، سکوت اختیار کنند. وی در سخنانی که در اعتراضات مذکور به انجام رساند، گفت که این کشور بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹ (زمانی که مونته نگرودر بخشی از خاک یوگسلاوی سابق بود) را از یاد نبرده است.

در بُعد خارجی نیز «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کاخ کرملین در واکنش به این موضوع با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: روسیه در واکنش به عضویت مونته نگرودر در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به اقدامات متقابلی دست خواهد زد. در فاصله زمانی کوتاهی پس از آن، «ویکتور اوزروف» رئیس کمیته دفاع و امنیت روسیه هم از احتمال توقف برنامه های مشترک دو کشور به ویژه در حوزه نظامی پس از عضویت مونته نگرودر در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خبر داد.

«سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه در این راستا گسترش ناتو را «یک اشتباه» و اقدامی «تحریک آمیز» عنوان کرده و سیاست درهای باز ناتو را «غیرمسئولانه» دانست. «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا در پاسخ به واکنش های تند روسیه در سخنانی ناتو را یک «یک پیمان دفاعی» عنوان کرد و نگرانی مسکو در این زمینه را بی دلیل توصیف نمود.

با نگاهی به آخرین افزایش اعضاء ناتو در سال ۲۰۰۹ میلادی و عضویت کشورهای آلبانی و کرواسی؛ می توان اقدام کنونی نهاد مذکور را در ادامه سلسله تلاش های غرب برای احاطه روسیه از سمت غرب آن هم در نقطه ای حساس به نام حوزه بالتیک به شمار آورد؛ اقدامی که کارشناسان از آن به عنوان گسترش ناتو به شرق یا هدف یکه تازی و تحمیل خواسته های خود به مسکو یاد می کنند.

اهمیت استراتژیک مونته نگرودر مونته نگرودر، آخرین جمهوری از یوگسلاوی سابق است که ۲۱ ماه می سال ۲۰۰۶ میلادی (۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵) با برگزاری یک همه پرسی از صربستان جدا شد و به این ترتیب مراحل فروپاشی یوگسلاوی سابق (متحد بلوک شرق) پس از گذشت ۱۵ سال به اتمام رسید.

مونته نگرودر دارای ۱۹۹ کیلومتر ساحل در دریای «آدریاتیک» و چندین بندر مهم بوده و لذا از اهمیت راهبردی در منطقه بالکان برخوردار است.

اهمیت مونته نگرودر زمانی برای ناتو بیشتر آشکار می شود که به قرار داشتن این کشور در حوزه بالتیک، شرق اروپا و غرب روسیه نیز توجه کنیم.

اوایل نوامبر سال جاری میلادی «سرگئی شویگو» وزیر دفاع روسیه از نگرانی این کشور از افزایش شمار نیروهای ناتو در کشورهای حوزه بالتیک، لهستان و رومانی (شرق اروپا) خبر داد و این سازمان را به اتخاذ تدابیر تلافی جوانبده ای تهدید

کرده بود. سخنان «توماس چاکوفسکی» وزیر دفاع لهستان مؤید نگرانی روسیه و نشان دهنده صحت اطلاعات این کشور درباره استقرار تسلیحات در اروپای شرقی و حوزه بالتیک بود. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی عنوان کرده بود: وزارت دفاع تصمیم دارد از ناتو برای استقرار بمب های هسته ای آمریکا در کشورش در چارچوب برنامه موسوم به «هیئت های هسته ای مشترک» درخواست کند.

لذا استقرار نیروی نظامی ناتو در حوزه راهبردی بالتیک را می توان اقدامی در راستای اعمال محدودیت بر تحرکات آتی روسیه قلمداد نمود؛ آن هم با استفاده از کشورهایی که زمانی از هم پیمانان اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده و اکنون نیز در نزدیکی مرزهای روسیه به سر می برند.

در واقع ناتو می گوشت تا هرچه بیشتر خود را به مرزهای غربی روسیه نزدیک کند تا در صورت نیاز به مقابله با این کشور آسودگی ویژه ای از بابت شرق اروپا و غرب روسیه داشته باشد؛ اثبات این مهم با اطلاع از ایجاد پایگاه های نظامی در این منطقه، استقرار نیروی نظامی آموزش دیده و حتی اعلام قرار دادن تجهیزات مربوط به بمب های هسته ای در این منطقه از سوی ناتو تقویت و تحکیم می گردد.

یکی دیگر از نکات مهم انتخاب مونته نگرودر برای ناتو پس از کرواسی و آلبانی قرار گرفتن این دو کشور در شمال و جنوب مونته نگرودر است؛ نقشه راهبردی این سازمان نظامی نشان از ایجاد یک کریدور شمال جنوب برای انسداد غرب روسیه بوده است.

نگاهی به نقشه این کشورها در شرق اروپا واقعیت دیگری را نیز از حیث موقعیت ژئوپولیتیک این کشورها را برملا می سازد که همان دریای راهبردی مدیترانه است. توجه به این نکته که روسیه در امتداد شرق این دریا دارای پایگاه هایی در نقاطی چون «طرطوس» و «لاذقیه» سوریه بوده و از چهارشنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ به قدرت نمایی چشمگیری در برابر ائتلاف به اصطلاح مبارزه با داعش در سوریه پرداخته است؛ اهمیت حضور فعال ناتو در حاشیه مدیترانه واقع در اروپای شرقی را صد چندان می کند.

از آنجاییکه وزرای امور خارجه ناتو در ماه آوریل سال گذشته و متعاقب الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه (پس از مشخص شدن نتیجه همه پرسی آزاد در این منطقه) و بحران اوکراین، اعلام کردند ناتو تماس رسمی خود را با روسیه قطع کرده است؛ لذا مسکو از این ابزار برای مقابله یا ایجاد موازنه در برابر ناتو نمی تواند به صورت مستقیم بهره بگیرد.

در نتیجه به نظر می رسد در این گام، تجمع همیمانان ناتو در منطقه بالکان کامل تر شده و به این ترتیب صربستان تنها کشوری در اروپای شرقی است که تا کنون درخواستی برای عضویت در ناتو مطرح نکرده است و شاید همپیمانان با مسکو را به عضویت بر ناتو ترجیح دهد.

اروپا بدنبال حلقه گمشده‌ای به نام «امنیت»/مقصر در خانه است

شقایق لامع زاده



یکسال تلاطم، تنش و ناآرامی تنها ارمغانی بود که در میان بسته های رنگارنگ مشکلات مختلف در غرب برای شهروندان و ساکنان این پهنه از دنیا به چشم می خورد.

سال جدید میلادی در حالی آغاز شد که جهان غرب همچنان دلهره ای به نام «نا امنی» را با خود یدک می کشد. درست در نخستین ماه میلادی سال گذشته میلادی وقوع حملات تروریستی در «شارلی ابدو» واقع در فرانسه پرده از یک سناریوی جدید برای اروپا برداشت.

سناریویی با نام «عدم امنیت»!

یکسال تلاطم، تنش و نا آرامی تنها ارمغانی بود که در میان بسته های رنگارنگ مشکلات مختلف در غرب برای شهروندان و ساکنان این پهنه از دنیا به چشم می خورد. بهتر است بگوئیم حملات تروریستی در فرانسه آغازگر و پایانگر سال ۲۰۱۵ میلادی بود.

در ماه ژانویه سال جاری میلادی مجله طنز «شارلی ابدو» و یک سوپر مارکت یهودی هدف حملات تروریستی قرار گرفت. ۱۷ نفر در آن زمان کشته شدند. در ماه نوامبر نیز تروریست های داعش ۱۳۰ نفر را در پاریس طی یک عملیات تروریستی کشتند که این واقعه فرانسه و تمام اروپا را شوکه کرد.

«فرانسوا اولاند» رئیس جمهور فرانسه در ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی از یک هیولای وحشتناک سخن گفت. سیاستمداران اروپایی و همچنین رهبران گروه جی بیست که مدت کوتاهی بعد از حملات تروریستی پاریس در ترکیه گرد هم آمدند، وعده کمک و مشارکت در خصوص مبارزه با تروریسم را مطرح کردند.

حملات تروریستی در غرب به اینجا خاتمه پیدا نکرد، بلکه در ماه آوریل زنی به وسیله گلوله یک تروریست که می خواست یک کلیسای مسیحی را غارت کند، کشته شد.

در دانمارک نیز در فوریه در حمله به یک مرکز فرهنگی و یک کنیسه دو نفر کشته شدند. در ماه ژوئن یک کارخانه گاز در لیون فرانسه مورد هدف حملات تروریستی ناکام قرار گرفت. در ۱۸ نوامبر نیز یک یهودی در خیابان با یک چاقو هدف حمله قرار گرفت.

همچنین در برلین و لندن نیز حملات تروریستی انجام شد. از سوی دیگر ترکیه و روسیه نیز در سال ۲۰۱۵ میلادی آسیب جدی از اقدامات

تروریستی متحمل شدند. در حملات تروریستی در آنکارا و سوروج ترکیه و سقوط یک هواپیمای مسافربری روسی در صحرای سینا که توسط داعش انجام شد صدها نفر کشته شدند.

همه این رویدادها به اینجا ختم شد که سال گذشته سالی پرهراس نه تنها برای مردم که برای دلمردان غربی باشد. تا جایی که بی اغراق می توان گفتن تک تک مقامات دولتی در این باره به اظهار نظر پرداخته و نگرانی خود را تداوم چنین وقایعی اعلام کردند.

اما نکته و سوال اصلی اینجاست که بحران های امنیتی ایجاد شده در سال ۲۰۱۵ میلادی اروپا و تعمیم آن به سال جدید میلادی به عنوان بحرانی فراتر از بحران اقتصادی مرهون چه روندی در معادلات امنیتی کشورهای عضو و غیر عضو در اتحادیه اروپا بوده است؟ نهاد های امنیتی کشورهای اروپایی چه نقشی در ایجاد این وضعیت فوق العاده ایفا کرده اند؟

درست پس از وقوع حملات فرانسه دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی غرب اعلام وضعیت فوق العاده کرده و نیروهای پلیس را تجهیز کردند. حتی اوضاع تا آنجا پیش رفت که برخی کشورها بر خلاف پیمان شنگن، موضوع بازرسی از مرزها را مدنظر قرار داده و این پیمان جمعی را به چالش کشیدند. در چنین شرایطی «امنیت» حکم حلقه مفقوده ای جدید را در اروپا پیدا کرده است.

در سخنرانی های صورت گرفته از سوی

مقامات اروپایی، موضوع امنیت جمعی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به گونه ای مشخص مورد تاکید قرار گرفته است. حضور نیروهای امنیتی و پلیس اگرچه سبب آرامش شهروندان می شود، اما از سوی دیگر نشان دهنده افزایش سطح هشدارهای امنیتی در کشورهای مختلف اروپایی است. بدیهی است که در چنین شرایطی شهروندان اروپایی در زندگی اجتماعی خود به نسبت قبل محافظه کار تر خواهند شد.

مراسم سال جدید میلادی در کشورهای مختلف اروپایی نیز در سایه تدابیر امنیتی شدیدی برگزار شد. برخی از مراسم ها به علت هشدارهای امنیتی لغو و یا به زمان و مکان دیگری موکول شده است. با توجه به شرایط موجود به صراحت می توان گفت که بحران امنیت منحصر به کشور و منطقه ای خاص نیست و پلیس و نیروهای امنیتی کشورهای اروپایی را در «وضعیت هشدار» قرار داده است.

واقعیت امر این است که نهادهای امنیتی و دولتی اروپا در سال ۲۰۱۵ میلادی و سالهای گذشته، در ایجاد بحرانهای امنیتی در قاره سبز نقشی بسزا داشته اند.

برخی حمایت ها از گروه های تروریستی و عدم مقابله با جریان راست افراطی در اروپا را می توان مسبب چنین رویدادهایی قلمداد کرد.

آنچه در سال ۲۰۱۵ میلادی رخ داد، محصول عملکرد امنیتی اروپا طی

سالهای گذشته بوده است. مصدر وقوع بحرانهای امنیتی در اروپا را نباید در منطقه جست و جو کرد، بلکه باید در این خصوص بلافاصله نهادهای رسمی اروپا و اتاقهای فکر امنیتی قاره سبز را متهم اصلی این ماجرا دانست.

«لئو مک کینستری» مقاله نویس غربی با اشاره به بحران های حاکم بر اروپا می گوید: اتحادیه اروپا به شدت دچار بحران شده و ساختار فئودالیسم به وسیله تناقض های خود رو به ویرانی رفته و دچار مشکل شده است. در حالی که بنیانگذاران اتحادیه اروپا وعده داده بودند که صلح و رفاه را به ارمغان آورند اما حماقت هایشان باعث شده تا به ناامیدی و فروپاشی اتحادیه اروپا دامن بزنند.

وی در خصوص پیش بینی وضعیت آتی اروپا معتقد است: سال ۲۰۱۶ می تواند زمانی باشد که در آن اتحادیه اروپا از هم می پاشد و برگزاری همه پرسی برای خروج انگلیس از این اتحادیه هم اجتناب ناپذیر خواهد بود.

به هر صورت غرب و اتحادیه اروپا امروز با بحرانی روبرو شده اند که خود در ایجاد آن سهم داشته اند. در چنین شرایطی نه تنها نمی توان نهادهای اروپایی را قربانی بحران امنیت دانست، بلکه مداخله جویی آنها در نقاط دیگر دنیا از جمله سوریه، عراق و افغانستان و حمایت آنها از گروه های تروریستی و تکفیری را باید عاملی مهم و پررنگ در ایجاد وضعیت فعلی محسوب کرد.



آسیا

دبیران: بنفشہ اسماعیلی
علی کاووسی نژاد

ژئوپلیتیک فضای مجازی؛ نقش جمعیت مجازی در وزن ژئوپلیتیکی کشورها



رابطه میان جمعیت مجازی کشورها با وزن ژئوپلیتیکی هر کشوری مشروط است که می تواند مثبت یا منفی باشد. گسترش بکارگیری فناوری های اطلاعاتی به خصوص اینترنت در جوامع گوناگون فضای جدیدی را در کنار فضای فیزیکی زیست انسانی ایجاد کرده که از آن به عنوان فضای مجازی یاد می گردد به طوری که بسیاری از فعالیت های فردی و اجتماعی افراد به تدریج وارد این فضا می گردد و در واقع این فعالیت ها در دوفضای مجازی و فیزیکی قابل انجام است. امروزه بکارگیری واژگانی مانند دولت مجازی، آموزش مجازی، سرگرمی های مجازی، بانکداری مجازی و این قبیل فعالیت ها از دوفضایی شدن فعالیت های بشری حکایت می کند. به دلیل دوفضایی شدن فعالیت های بشری هر روز به جمعیت مجازی جهان افزوده شده است. به طوری که میزان رشد جمعیت مجازی جهان از سال ۲۰۰۰ تاکنون حدود ۸۰۱٪ بوده است و هم اکنون نیمی از جمعیت جهان از فضای مجازی استفاده می نمایند. ضریب نفوذ اینترنت در کشورها در صد جمعیت مجازی این واحدهای سیاسی را تعیین می نماید. حال می توان این پرسش را مطرح کرد که تاثیر جمعیت مجازی جهان بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها چگونه

خواهد بود؟

وزن ژئوپلیتیکی کشورها در حقیقت منزلت سیاسی کشورها در نظام بین الملل بوده و منعکس کننده میزان تاثیرگذاری آنها بر رفتار بازیگران عرصه بین المللی است. در واقع وزن ژئوپلیتیکی کشورها میزان قدرت کشورها را در سطح نظام بین الملل مشخص می کند و از حاصل جمع جبری عوامل مثبت و منفی تاثیرگذار بر قدرت ملی کشورها استخراج می گردد و هر چه این جمع جبری به سمت مثبت گرایش یابد به این معنی است که وزن ژئوپلیتیکی کشورها در نظام بین الملل بیشتر شده است.

در واقع وزن ژئوپلیتیکی کشورها رابطه نزدیکی با ساخت درونی قدرت ملی دارد. رابطه بین جمعیت مجازی یعنی ضریب نفوذ اینترنت و وزن ژئوپلیتیکی کشورها را می توان با این گزاره پاسخ گفت اگرچه افزایش جمعیت مجازی کشورها می تواند با افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنها رابطه مثبت برقرار نماید ولی این رابطه دارای شروطی است.

بدین معنی که هرچقدر جمعیت مجازی کشورها بیشتر شده و از فضای مجازی در جهت افزایش ساخت درونی قدرت استفاده شود وزن ژئوپلیتیکی کشور هم در فضای مجازی و هم در فضای فیزیکی افزایش

می یابد. ولی اگر استفاده از فضای مجازی به تخریب عوامل قدرت ملی منجر گردد گسترش استفاده از این فضا بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها اثر منفی خواهد داشت. در حقیقت برای استفاده از فضای مجازی در جهت افزایش قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشورها باید متغیرهای تاثیرگذار بر فضای مجازی و عوامل تاثیرگذار فیزیکی بر فضای مجازی را در جهت افزایش قدرت ملی هدایت کرد. برای تحلیل این پدیده می توان از سه سطح فردی، میانی و ملی استفاده نمود.

به عنوان مثال در سطح فردی هر چه سواد اینترنتی جمعیت مجازی کشورها بیشتر باشد میزان آسیب های افراد در فضای مجازی و فیزیکی کمتر خواهد شد و هر چه افراد از این فضا برای افزایش توانمندی های فردی و کسب علم و فناوری استفاده نمایند به طور طبیعی قدرت ملی کشورشان افزایش خواهد یافت. در سطح میانی و یا نهادهای مدنی نیز این نکته صادق است. بدین معنی که هر چه فعالیت های مجازی نهادهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مانند بنگاه های اقتصادی و مراکز فرهنگی در جهت تقویت سرمایه های اجتماعی و مادی جامعه استفاده شود بر میزان قدرت ملی کشور افزوده می گردد ولی اگر فعالیت

های مجازی این نهادها در جهت تخریب سرمایه های مادی و معنوی جوامع بکار رود به طور طبیعی بر قدرت ملی کشورها و وزن ژئوپلیتیکی کشورها اثر منفی خواهد گذاشت.

در سطح ملی نیز اگر نهادهای حکومتی برنامه مشخصی برای استفاده از جمعیت این فضا برای تولید قدرت ملی داشته باشند به طور طبیعی قدرت ملی کشور و وزن ژئوپلیتیکی کشور را افزایش خواهند داد. فضای مشاع بین المللی است برنامه ریزی دولت ها و نهادهای ملی برای استفاده از جمعیت مجازی برای افزایش قدرت ملی در برابر بازیگران رقیب از اهمیت زیادی برخوردار است.

به عنوان مثال ایجاد خدمات ملی مانند دولت مجازی و پیامدهای مثبت آن مانند کاهش فساد، افزایش بهره وری، افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم گیری به افزایش ساخت درونی قدرت و افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور منجر می گردد. در واقع اگر برآیند مثبت و منفی افزایش ضریب نفوذ اینترنت و افزایش جمعیت مجازی کشورها در جهت افزایش قدرت ملی در سطوح فردی، میانی و ملی باشد به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشورها منجر خواهد شد.

گفتگو با دبیر کل شورای همبستگی ملی پاکستان:

حضور چین در مذاکرات صلح طالبان بزرگ برنده پاکستان مقابل آمریکا است



استراتژیک هم از لحاظ اقتصادی نیازمند افغانستان است. بنابراین اگر برای انجام مذاکرات صلح تنها سران دولت برای همکاری اطمینان دهند کافی نیست و اعلام رسمی و قطعی سران ارتش برای انجام و حمایت از این مذاکرات لازم و ضروری است. در چنین حالتی، وقتی «راچیل شریف» رئیس ستاد ارتش پاکستان اعلام همکاری می کند احساس اطمینان در گروه طالبان از حمایت و عملی شدن این مذاکرات به وجود خواهد آمد. چرا که طالبان از این حقیقت به خوبی آگاه است که اگر ارتش اطمینان همکاری ندهد این مسئله هرگز حل نخواهد شد.

لذا با در نظر گرفتن این مسئله که تمام گروه های طالبان که هم اکنون در پاکستان حضور دارند، با طالبان افغانستان به صورت گسترده در ارتباطند و دائما در حال رفت و آمد به این مناطق هستند. سران کشور ما باید این مسئله را در سطوح بالای سیاسی مطرح و حل کنند تا نتایج مثبتی در این باره حاصل شود. اکنون وارد مرحله خوبی برای پیشبرد مذاکرات شده ایم و با وجود اینکه امکان دارد دوباره در میانه راه مشکلاتی به وجود آید اما باز امید می رود که دستاورد خوبی از این مذاکرات حاصل شود.

پس از دیدار «تواز شریف» و «نارندرا مودی» نخست وزیران دو کشور هند و پاکستان در پاریس و به دنبال آن حضور «سوشما سوراج» وزیر خارجه هند در پاکستان و شرکت در کنفرانس «قلب آسیا- روند استانبول» زمینه های بهبود روابط هند و پاکستان فراهم شد، به طوری که در سفر وزیر خارجه هند به پاکستان و دیداری که با نواز شریف داشت دو طرف برای شروع دوباره مذاکرات به توافق رسیدند و قرار بر این شد که برای حل درگیری های موجود از جمله منازعات در خطوط مرزی کشمیر، وزاری خارجه دو کشور در اواسط ژانویه سال جاری با یکدیگر دیدار و مذاکره کنند.

پس از برگزاری کنفرانس قلب آسیا بیانیه ای صادر شد مبنی بر اینکه تمام کشورهای حاضر برای از سرگیری دوباره مذاکرات صلح افغانستان و طالبان تلاش کنند و زمینه را برای بهبود وضعیت امنیتی در افغانستان فراهم سازند. که در این راستا سران سیاسی و نظامی دو کشور افغانستان و پاکستان نیز دیدار و مذاکراتی با هم داشتند. برای روشن تر شدن موضوعات مذکور خبرنگار مهر با «سید ثاقب اکبر» دبیر کل شورای همبستگی ملی پاکستان گفتگویی داشته که در ادامه از نظر می گذرد. سید ثاقب اکبر دبیر کل شورای همبستگی پاکستان و از تحلیلگران سیاسی برجسته این کشور است وی هم چنین معاون حزب «فیضان الله»، رئیس موسسه علمی تحقیقاتی، سیاسی «البصیره» و مدیر مسئول ماهنامه «پیام» پاکستان است.

|| «راچیل شریف» رئیس ستاد ارتش پاکستان و «محمد اشرف غنی» رئیس جمهور افغانستان در «کابل» با یکدیگر ملاقات کردند. حاصل این ملاقات مشترک چه بود؟

در واقع بعضی از حقایق پوشیده و از دید ما پنهان است اما حقایق بسیاری نیز وجود دارد که واضح و روشن است. در این شکی نیست که دولت پاکستان در گذشته حکومت طالبان را به رسمیت شناخت و پذیرفت اما پاکستان در باره مسئله افغانستان دیدگاه مخصوص به خود دارد و آن هم یک نظریه نظامی است. نظریه دولتی هم درباره افغانستان وجود دارد و دلیل آن هم این است که رهبری و هم و تربیت بسیاری از گروه های طالبان توسط پاکستان صورت می گیرد و برای راه اندازی و پیشرفت آنان در آینده نیز امکانات لازم را فراهم می کند. «آی اس آی» (سازمان اطلاعات پاکستان) نیز در این باره همکاری ها و حمایت های لازم را انجام می دهد. در واقع حمایت های بسیاری از طالبان در پاکستان در گذشته صورت می گرفت و بنابراین رهبران بسیاری که هم اکنون در افغانستان روی کار آمده اند این ذهنیت را دارند که پاکستان به مانند گذشته در گروه طالبان نفوذ دارد. این در حالی است که به دلیل ورود پاکستان به شرایط جدید این نفوذ کم شده است.

در واقع پاکستان با مشکلات اقتصادی فراوانی روبروست که هم اکنون در بخش های مختلف از جمله گاز و برق شاهد آن هستیم. بنابراین به لحاظ استراتژیک برای پاکستان ضروری است که در جهت فروغ و گسترش اقتصاد خود و غلبه بر بحران انرژی با افغانستان هماهنگ شود.

اما از دیگر سو گروههایی از طالبان وارد پاکستان شده اند که ارتش پاکستان را یک ارتش استعماری و دست نشانده کشورهای غربی می نامند و بیان می کنند که این ارتش برای آمریکا کار می کند. آنان همچنین دولت پاکستان را دولت اسلامی نمی دانند و آیین و مقررات پاکستان را نمی پذیرند. بنابراین ارتش پاکستان مجبور است که علیه این گروه ها اقدامات لازم را انجام دهد و دست به عملیات نظامی بزند. با این وضعیت و در صورت انجام اقدامات علیه آنان روابط پاکستان با این گروه از طالبان به هم خواهد خورد این در حالی است که پاکستان هم از لحاظ

|| در ملاقات راچیل شریف با اشرف غنی مقرر شد که مذاکرات صلح کابل با طالبان با حضور ۴ کشور آمریکا، افغانستان، پاکستان و چین برگزار نشود. آیا این مذاکرات راه حلی را برای رفع مشکلات اسلام آباد- کابل در پی خواهد داشت؟

در مرحله اولیه راه حلی پیدا خواهد شد یعنی در واقع با حضور و شرکت این ۴ عضو ۱۰۰ درصد اولین اقدامات و مراحل لازم برای پیشبرد اقدامات بعدی شکل خواهد گرفت، چرا که اگر چنین نبود گرد هم آمدن این ۴ کشور و حضور آنان در این مذاکرات ضرورتی نداشت و دلیل آن هم این است که تمام این کشورها هر کدام به سهم خود به دنبال منافع خویش در افغانستان هستند. ناتو به دنبال دستیابی به اهداف و منافع خود در پاکستان و افغانستان است و سایر کشورها نیز به همین ترتیب، بنابراین شکی در این نیست که این معامله در پایان به سرانجام خوبی خواهد رسید. به نظر من اگر صحبت بر حضور ۴ کشور در این مذاکرات شده است پس امکان این نیز هست که حتی کشورهای دیگری نیز در این مذاکرات حضور داشته باشند و هر دو کشور پاکستان و افغانستان نیز قطعا از این مسئله استقبال خواهند کرد.

|| کشور چین اولین بار که به صورت رسمی در این مذاکرات شرکت می کند. دلیل حضور چین و منفعت پاکستان از حضور این کشور در مذاکرات صلح افغانستان چیست؟

در واقع حضور چین در این مذاکرات را می توان هم به نوعی نیاز و ضرورت پاکستان تلقی کرد و هم برگ برنده اسلام آباد. زیرا در شرایطی که آمریکا نیز به عنوان یکی از ارکان حاضر بر سر میز مذاکرات می نشیند و با توجه به روابط تیره ای که پاکستان با آمریکا دارد، حضور چین به عنوان کشوری که روابط اقتصادی و سیاسی خوبی با اسلام آباد دارد می تواند به نحوی کمک و حمایت خوبی برای پاکستان در برابر قدرت بزرگی همچون آمریکا باشد و در

واقع حضور چین به عنوان یکی از ۵ کشور اقتصادی بزرگ دنیا و به دلیل رقابت های اقتصادی عظیمی که با آمریکا دارد برگه برنده ای برای پاکستان است.

اما از دیگر سو باید توجه داشت که خود چین نیز از حضور در این مذاکرات کاملا سود خواهد برد چرا که چین در پی محفوظ نگه داشتن سرمایه گذاری ۴۲ میلیون دلاری خود در بندر «گوار» پاکستان است.

همچنین مسئله ی دیگری که وجود دارد این است که افغانستان یک راه ارتباطی برای حضور چین در آسیای مرکزی است.

چین نیز برای ایفای نقش در افغانستان تمایل زیادی برای حضور در این مذاکرات دارد چرا که مرزهای چین با پاکستان بسیار گسترده است و همچنین چین در پاکستان بازارهای زیادی دارد و سرمایه گذاری های که هر دو کشور (به ویژه چین) در خاک یکدیگر انجام داده اند نیز بسیار گسترده و برای هر دو کشور حیاتی است.

بنابراین مسئله ای که مطرح می شود این است که چین تنها به خاطر تسهیل در ورود به خاک افغانستان با پاکستان وارد مناسبات اقتصادی نشده است، چرا که اگر چنین بود، کریدور اقتصادی چین- پاکستان اهمیت و ضرورتی نداشت و در واقع اگر چین صرفا به دنبال دست یافتن به مسیر ارتباطی برای ورود به خاک افغانستان بود از طریق ایران نیز می توانست وارد عمل شود.

در اصل ورود چین به خاک افغانستان از طریق پاکستان به شکل قابل ملاحظه ای کم هزینه تر و آسان تر خواهد بود چرا که اگر به مناطق اقتصادی چین نگاه کنیم خواهیم دید که اتصال این مناطق به افغانستان اگر از طریق پاکستان صورت بگیرد چیزی حدود ۵ برابر مسیری که از طریق ایران یا سایر کشورها می تواند به کابل وصل شود کاهش خواهد داشت. علاوه بر این چین از طریق پاکستان می تواند به آسانی به ترکیه نیز متصل شود.

با این وجود نمی توان گفت که اهداف چین در این باره صرفا اقتصادی است و هیچ هدف استعماری و یا نظامی

سران طالبان افغانستان را به عنوان رهبر خود برگزیده اند. هم در بین طالبان افغانستان و هم در بین طالبان پاکستان افرادی هستند که نه تنها این رهبران را قبول ندارند بلکه خود شاخه جدیدی تشکیل داده اند و حتی به فکر پیوستن به داعش نیز هستند.

|| در صورت آغاز مجدد مذاکرات صلح بین طالبان و دولت افغانستان، به نظر شما چه کسی از گروه طالبان به نمایندگی برای حضور در این مذاکرات شرکت خواهد کرد؟

قطعا ملا اختر منصور به عنوان نماینده طالبان افغانستان در این مذاکرات شرکت خواهد کرد. اگرچه در مورد زنده یا مرده بودن وی شک و تردیدهایی وجود دارد اما چندی پیش انتشار یک نوار صوتی منسوب به ملا اختر منصور تا حدودی اظهار نظر در این باره را مشکل کرده است.

|| اگر ملا منصور زنده نباشد چه کسی به نمایندگی از سوی طالبان افغانستان خواهد آمد و آیا طالبان پاکستان نیز نماینده ای را برای شرکت در این مذاکرات خواهد فرستاد؟

در صورت زنده نبودن ملا اختر منصور فردی از بین «شبکه حقانی» که در واقع ملا اختر منصور حامی و فرمانده اصلی این شبکه است خواهد آمد که به احتمال بسیار قوی این فرد «سراج الدین حقانی» خواهد بود.

|| مهم ترین شرط طالبان افغانستان برای برقراری صلح با دولت افغانستان چیست؟

مهم ترین و اصلی ترین شرط طالبان افغانستان و در واقع شرط ملا اختر منصور، خروج ناتو و نیروهای آمریکایی از افغانستان است. از نظر این گروه ناتو و آمریکا در برقراری امنیت در افغانستان نه تنها نقش مثبتی نداشته بلکه تا زمانی را در این منطقه تشدید کرده است. بنابراین اگر طالبان افغانستان و ملا اختر منصور این شرط را نگذارند پس اصلا مذاکرات برای چه و به چه دلیلی صورت بگیرد.

|| گفته می شود که بعضی از افراد از جمله بعضی از شاخه های طالبان در پاکستان با گروه داعش اعلام وفاداری کرده اند. این افراد جزء کدام از دسته از طالبانند؟

یک مشکل بسیار بزرگ این است که هم اکنون افراد زیادی از پاکستان و افغانستان در سوریه و عراق حضور دارند که به داعش پیوسته اند و در واقع این افراد به «جبهه النصره» پیوسته اند، و اگر این افراد به پاکستان و افغانستان برگردند، مشکل بسیار بزرگی را برای جامعه ما ایجاد می کنند اما این افراد برای افغانستان به نسبت پاکستان خطرناک ترند چرا که ارتش پاکستان عملیات گسترده ای را بر ضد تروریست ها آغاز کرده است و با مشکلات کمتری از این لحاظ مواجه است.

|| گفته می شود که داعش هم اکنون به دنبال ایجاد پایگاه در «جلال آباد» مرکز ولایت «ننگرهار» افغانستان است. این موضوع تا چه حد صحیح است؟

بله همین طور است. اما به نظر من داعش آینده ای در پاکستان و افغانستان ندارد که چرا جامعه پاکستان نیروهای نظامی و امنیتی و دولت پاکستان هیچکدام از حضور داعش استقبال نخواهند کرد، چرا که کشورهای نظیر آمریکا، افغانستان، چین، هند و ظاهرآ عربستان که مناسبات گسترده ای با پاکستان دارند هیچکدام داعش را نپذیرفته اند و از آن استقبال نکرده اند پس پاکستان به چه دلیل باید داعش را بپذیرد.



شکی در این مسئله نیست و نه تنها هند بلکه پاکستان نیز خواهان گسترش و پیشرفت اقتصاد در افغانستان است. اما در واقع هند خواهان این امر است که از راه پاکستان وارد افغانستان شود و در واقع هند در نظر دارد که از زیرساخت ها و امکانات پاکستان برای دستیابی به این مهم بهره ببرد. حال اگر پاکستان به هند اجازه ورود به افغانستان از طریق خاک کشورش را ندهد، هند مجبور خواهد شد که از طریق ایران وارد خاک افغانستان شود که این برای هند بسیار پرهزینه خواهد بود و در واقع هند به دنبال یک راه آسان و کم هزینه است. اما باید دید که اگر پاکستان در این راستا با هند همکاری کند آیا هند نیز با پاکستان همکاری خواهد کرد

در آخر باید گفت که حل مسئله افغانستان و گسترش اقتصاد در این منطقه برای دو کشور هند و پاکستان سودمند خواهد بود. هم اکنون نیز همه منتظر این هستند که ببینند مسئله افغانستان چگونه حل خواهد شد و اقتصاد در این کشور به چه شکل گسترش خواهد یافت.

|| مهم ترین دلایل اساسی اختلافات و دشمنی طالبان و افغانستان در چیست؟

دلایل این امر بسیار قدیمی و در عین حال واضح و روشن است چرا که دولت جدید افغانستان با کنار گذاشتن طالبان روی کار آمد و در واقع دولتی است که با کمک ناتو و آمریکا شکل گرفت و به قدرت رسید. طبیعی است که طالبان دولت جدید افغانستان را قبول ندارد. طالبان بیان می کند که ما نماینده صحیح و قانونی افغانستان هستیم و در حال حاضر نیز ما نماینده و مسئول دولت اسلامی افغانستان هستیم، چرا که دولت جدید روی کار آمده افغانستان دولتی دست نشانده آمریکا و کشورهای غربی است که برای رسیدن ناتو و آمریکا به اهدافش روی کار آمده در حالی که ما نماینده عموم مردم افغانستان هستیم.

|| رابطه بین طالبان پاکستان و افغانستان به چه صورت است؟ آیا این دو گروه با هم در ارتباطند؟

بله قطعاً؛ طالبان پاکستان و طالبان افغانستان به صورت گسترده با هم در ارتباطند تا جایی حتی می بینیم که بسیاری از طالبان پاکستان «ملا عمر» را به عنوان رهبر خود انتخاب کرده اند و وی را قائم خود می خوانند. علاوه بر این گروه های بسیار زیادی نیز در پاکستان هستند که «ملا اختر منصور»، «ملا فضل الله» و دیگر

ندارد چرا که وقتی منافع اقتصادی اش کل منطقه را فراگرفته است پس ضروری است که برای حفظ این منافع اقتصادی از راه های نظامی نیز وارد عمل شود.

حضور چین در این مذاکرات به گونه موثری به نفع پاکستان نیز خواهد بود چرا که اگر اقتصاد در پاکستان قوت بگیرد، حصول اهداف راهبردی در برابر کشورهای نظیر آمریکا آسان تر خواهد بود و پاکستان به آزادی بیشتری دست خواهد یافت و حتی در مورد روابط با روسیه نیز شاید بهبودهایی حاصل شود چرا که پاکستان از زمانی که تاسیس شده بر علیه روسیه با آمریکا متحد شد، اما همان طور که می بینیم اکنون روسیه خود برای عضویت پاکستان در سازمان همکاری شانگهای بر کشورهای دیگر فشار آورده و از پاکستان حمایت می کند. مسکو هم چنین برای افزایش روابط تجاری و نظامی با اسلام آباد پا پیش گذاشته و پیشنهاد گسترش مناسبات دو کشور در بخش های تجاری و نظامی را داده است.

هم چنین مسئله پاکستان و ایران نیز بهتر حل خواهد شد. چرا که اگر معاملات پاکستان با چین عملیاتی شود روابط ایران و پاکستان نیز بهبود خواهد یافت به این خاطر که چین نمی خواهد با ایران درگیری و منازعه داشته باشد و این مسئله در مورد مالزی نیز صدق می کند.

به این ترتیب می توان گفت که این معامله بزرگ تجاری با چین می تواند تصویر روشنی از آینده پاکستان در ارتباط با سایر کشورهای منطقه به ما بدهد و در واقع آینده این کشور را در گسترش مناسبات خود با کشورهای منطقه تغییر دهد. ولی همه این ها در صورتی است که این معامله با موفقیت به پایان برسد و این میسر نخواهد بود مگر اینکه تمام گروهها و احزاب سیاسی، گروه های مذهبی، ارتش و پارلمان پاکستان از این موضوع حمایت کنند.

|| افزایش روابط هندوستان و افغانستان و گسترش مناسبات اقتصادی این دو کشور چه تاثیری بر روابط پاکستان با طالبان افغانستان دارد؟

به نظر من مشکلات بسیار زیادی در این باره وجود دارد چرا که پاکستان فکر می کند که هند با آموزش و تربیت گروه های تروریستی در افغانستان و اعزام آنها به خاک افغانستان به گسترش تروریسم و افراطی گری در پاکستان می پردازد. با توجه به اینکه هند مراکز بسیار زیادی در مرزهای پاکستان و افغانستان دارد که ظاهراً برای مقاصد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ... تاسیس شده اند اما از دید اسلام آباد این مراکز در واقع با اهداف راهبردی علیه پاکستان تاسیس شده اند.

این مراکز می توانند با کسب اطلاعات مخفی و افزایش افراطی گری به ویژه در «بلوچستان» پاکستان باعث به وجود آمدن اختلافاتی از این دست شود.

علاوه بر این همانطور که می دانید هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر با یکدیگر درگیرند و رقابت هایی بین این دو نیز در این باره شکل گرفته است. بنابراین هند و پاکستان سعی دارند که اگر یکی از آنها در حوزه ای پیشرفت کرد دیگری نیز به دنبال آن باشد. لذا گر افغانستان به هندوستان امتیازات ویژه ای در حوزه های اقتصادی، سیاسی و غیره بدهد، پاکستان از کابل شاکی خواهد شد که چرا این امتیازات را برای اسلام آباد در نظر نگرفته است و احتمال درگیری بین این دو کشور در این زمینه وجود دارد.

|| «سوشما سوراج» وزیر خارجه پاکستان در کنفرانس «قلب آسیا-روند استانبول» تنها راه حل مسئله افغانستان را رونق اقتصادی در این کشور دانست و بیان کرد که ما آماده همکاری اقتصادی در مرزها با افغانستان هستیم. نظر شما در این باره چیست؟

شاهد یک جبهه جنگ بزرگ بر فراز منطقه «سیاچین» بین این دو کشور هستیم. این هم برای هند و هم برای پاکستان هزینه بر است. بنابراین اگر دو کشور خواهان حل مسائل اقتصادی خود هستند باید در ابتدا سایر مشکلات و درگیری های موجود را رفع کنند.

لذا سران سیاسی دو کشور باید برای دستیابی به این مهم به تدبیری راهبردی دست یابند؛ تدبیری که هم برای مردم پاکستان اطمینان بخش باشد و هم برای مردم هند و مهم تر از همه این ها مردم کشمیر را راضی و خشنود نگه دارد.

نمی توان با اطمینان گفت که تمام کشمیر به پاکستان خواهد پیوست اما تصور وجود یک منطقه نیمه خودمختار هم وجود دارد و با این حال اگر این دو گزینه رد شود پس از آن باید به فکر گزینه سومی بود و در واقع باید ببینیم که در آینده و در مذاکرات پیش رو چه اتفاقی خواهد افتاد.

نکته دیگری که وجود دارد این است که چین نیز خواهان حل مسئله کشمیر است زیرا به خاطر وجود منافع اقتصادی «پکن» در «دهلی نو»، اگر هند و پاکستان همچنان با یکدیگر درگیر باشند چین قادر نخواهد بود که خواسته ها و اهداف خود را در این کشورها عملی کند.

بنابراین همان طور که می بینید این مسائل بسیار پیچیده هستند و ضروری است که سران دو کشور با بصیرت و دانشمندی کامل چاره ای برای آن بیندیشند.

به پاکستان این اتهام را وارد کنند که پاکستان به زور آنان را وادار به پذیرش آیین اسلام آباد می کند.

حال نکته ای که در این باره وجود دارد این است که تنها پاکستان خواستار برگزاری این انتخاب شده و از سازمان های بین المللی در خواست حل این مسئله کشمیر از طریق انتخابات را کرده است و این به خاطر این امر است که پاکستان از حمایت مردم کشمیر و خواسته آنها برای پیوستن به اسلام آباد اطمینان دارد اما هند تاکنون درخواست برگزاری این انتخابات را نکرده چرا که از این بابت مطمئن نیست.

اما نکته ای که در این باره وجود دارد این است که هند به این آسانی کشمیر را رها نخواهد کرد. دلایل بسیاری برای این موضوع وجود دارد و اولین دلیل نیز این است که هندستان بر تمامی آنها و سر منشأ آبی پاکستان تسلط دارد و تمام رودخانه های پاکستان از هند سرچشمه گرفته است. بنابراین هند اگر بخواهد می تواند آب پاکستان را قطع کند. اما از دیگر سو نیز باید توجه داشت که پاکستان نیز این قدرت را دارد که بتواند دوباره این نهضت و حرکت انقلابی را در کشمیر زنده کند و از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اخلاقی هند را تحت فشار قرار دهد. در واقع می توان گفت که دو کشور هند و پاکستان ابزار های لازم برای تحت فشار دادن یکدیگر را در این خصوص دارند. چنانچه ما هم اکنون

|| با توجه به اینکه پایگاه اصلی طالبان در پاکستان است نقش عملیات «ضرب عضب» پاکستان - که در راستای مبارزه با تروریسم صورت گرفته در نابودی کامل پایگاه های طالبان را چگونه ارزیابی می کنید؟

من قبول ندارم که پایگاه اصلی طالبان در پاکستان است. گروه هایی زیادی از طالبان در پاکستان حضور دارند اما اینکه پایگاه اصلی آنها در پاکستان باشد درست نیست. طالبان شهرهای بسیاری را تحت سلطه خود در آورده اند و در نقاط مختلف افغانستان نیز اعلام موجودیت کرده اند، بنابراین گفتن این حرف که پایگاه اصلی طالبان در پاکستان است صحیح نیست.

در مورد مبارزه ارتش با طالبان نیز باید گفت که به دلیل اینکه درگیری با طالبان سبب تهدید اقتصاد پاکستان می شود و از دیگر سو کشور پاکستان و خود ارتش را نیز با مشکلات و خطراتی روبرو می کند بنابراین ارتش خیلی نمی تواند در برابر طالبان فعال عمل کند.

این نکته ضروری است که آن گروه از طالبان که در پاکستان حضور دارند شامل گروه شبکه حقانی هستند که این شبکه حقانی و حامی آن یعنی ملا اختر منصور در پاکستان دست به اقدامات تروریستی نمی زند که ارتش بخواهد علیه آنان اقدامی انجام دهد.

طبیعی است که ارتش علیه آن گروه از طالبان که در پاکستان دست به اقدامات تروریستی نمی زند اقدامی نخواهد کرد و از دیگر سو به دلیل ارتباطات گسترده ای که بین طالبان پاکستان و افغانستان وجود دارد و در واقع به خاطر همین نفوذ پاکستان بین طالبان است که از اسلام آباد برای حضور در مذاکرات دعوت شده است.

|| بعد از حضور وزیر خارجه هند در کنفرانس «قلب آسیا - روند استانبول»، ملاقات با «نواز شریف» نخست وزیر پاکستان، دو کشور هند و پاکستان توافق کردند که در اواسط ماه ژانویه وزیران خارجه دو کشور برای حل مسئله کشمیر به مذاکره بنشینند. به نظر شما آیا این مذاکرات نتیجه بخش خواهد بود و آیا به راه حل موثری برای این مسئله دست خواهند یافت؟

در ابتدا باید دو موضوع مهم را در این باره بررسی کرد اول اینکه مسئله کشمیر یک مسئله عمومی و مردمی است و اگر مردم کشمیر از پاکستان حمایت نکنند پاکستان قادر به حل مسئله کشمیر نخواهد بود. مردم کشمیر از پاکستان حمایت کرده اند و متقابلاً مردم پاکستان نیز از مردم کشمیر حمایت می کنند و در واقع حدود ۹۰ درصد از مردم پاکستان خواهان آزادی کشمیر و پیوستن آن به پاکستان هستند و خود مردم کشمیر نیز اکثراً خواهان الحاق به پاکستان هستند. دومین مسئله ای که باید در نظر داشت این است که در زمان استعمار انگلستان و زمانی که کشمیر یک ریاست تقریباً نیمه خود مختار بود، بخش های «گلگت بلتستان» و «جامو و کشمیر» و کشمیر تحت کنترل هندوستان همه این ها در واقع جزء کشمیر آزاد و تحت کنترل پاکستان بودند، اما بعد از آن خود مردم گلگت بلتستان مستقیماً وارد عمل شدند و نیروهای نظامی را از این منطقه بیرون راندند و این منطقه هم را آزاد کردند. حال باید دید که اگر مردم این منطقه هم خواهان الحاق به پاکستان هستند اسلام آباد باید از مردم این منطقه نیز بخواهد که مانند سایر مناطق در انتخابات برای پیوستن به پاکستان شرکت کنند و رای بدهند.

در واقع تمام مناطق کشمیر از جمله «سرینگر» یعنی همان کشمیر تحت کنترل پاکستان و جامو و کشمیر و مردم گلگستان و مردم کشمیر تحت کنترل پاکستان همه و همه حق شرکت در انتخابات برای پیوستن به هند یا پاکستان را دارند و در این صورت مردم گلگت بلتستان هم نمی توانند



اهمیت «هلمند» برای طالبان افغانستان/ بقا در گرو کشت مواد مخدر



در نامه سرگشاده خود به رئیس جمهور افغانستان نوشته است که اطلاعات از مجرای اداری و رسمی آن طور که باید به رئیس جمهور این کشور نمی رسد. این کاغذ بازی ها و سانسور شدن گزارش ها در کاخ ریاست جمهوری افغانستان موجب می شود که اشرف غنی نتواند تصمیم درست بر اساس رویداد ها و رخداد ها بگیرد. تصمیم یا با تأخیر زیاد گرفته می شود و یا اینکه اصل رویداد از طریق سانسور تحریف می شود و اهمیت و ضرورت رویداد تا حدودی از میان برداشته می شود.

بنابراین، اهمیت بخش ها و ولایت هایی که در آن کشت و قاچاق مواد مخدر یک امر عادی است، برای گروه طالبان از لحاظ استراتژیک و در جهت تأمین نیازمندی های مالی شان بسیار زیاد است. از طرف دیگر، به خاطر فشارهای کشورهای همسایه ایالات متحده آمریکا و چین بر پاکستان مبنی بر حمایت از روند صلح در افغانستان به گروه طالبان می رود و همین مسئله دنیال منابع داخلی باشد.

از طرف دیگر و نوع کنش کاخ ریاست جمهوری افغانستان و سانسور کردن گزارش ها موجب می شود که گروه طالبان موفق شود که برخی از بخشهای های ولایت هلمند را تحت کنترل خود در آورد. بنابراین، بعید نیست که رویداد ولایت قندوز یک بار دیگر در ولایت هلمند تکرار شود و این ولایت به طور کامل به دست گروه طالبان بیفتد.

می تواند باشد. زیرا، این گروه در دوران حاکمیت خود کشت مواد مخدر را مجاز اعلام کرده بود و از کشاورزان مالیات دریافت می کرد.

پس از فروپاشی دولت طالبان این گروه در بخش هایی که نفوذ داشته اند همچنان از کشاورزان مالیات دریافت می کردند. بر اساس گزارش های نهادهای بین المللی این گروه سالانه میلیون ها دلار سود داشته است و سود حاصل از کشت و قاچاق مواد مخدر در واقع بخشی از نیازمندی های جنگی گروه طالبان را تأمین می کرده است.

این مسائل نشان دهنده این امر است که گروه طالبان بر بخش هایی از ولایت هایی که در آن عواید داشته باشد، حملات خود را افزایش می دهد تا در آینده بتواند نیازمندی های خود را از سود داخلی به دست آورد. فراموش نکنیم که گروه طالبان اگر چه به دو شاخه تقسیم شده است اما هر دو شاخه استراتژی واحدی را برای تصاحب و افزایش عواید خود دنبال می کند. در این مسئله هر دو گروه اشتراک نظر دارند. ممکن است حمله آن ها به شکل جداگانه صورت گیرد اما آنچه اهمیت دارد این است که هر دو گروه به بخش ها و ولایت هایی که کشت و قاچاق مواد مخدر صورت می گیرد، برنامه هایی برای حمله و گسترش نفوذ خود دارد.

به اعتقاد برخی کارشناسان بوروکراسی ساختار دولت وحدت ملی افغانستان نیز کمک بزرگی به گروه طالبان می کند. چنانچه، رسول یار، فرماندار ولایت هلمند

های جنوبی و ناامن افغانستان است. این ولایت مرکز قاچاقچیان مواد مخدر و مهم ترین پایگاه گروه های تروریستی است. وجود قاچاقچیان داخلی و بین المللی در این ولایت باعث شده است که این ولایت مهم ترین مکان برای تأمین نیازمندی های گروه طالبان و دیگر گروه های تروریستی قرار گیرد. زیرا، گروه طالبان از فروش مواد مخدر در این ولایت سود می برد. به همین خاطر، گروه طالبان در سال های گذشته حداکثر سعی و تلاش خود را کردند تا نفوذ خود را در این ولایت گسترش دهد. در مقابل اما، جامعه جهانی و دولت افغانستان نتوانستند گروه طالبان را در این ولایت ضعیف سازد. بنابراین، ولایت هلمند از این جهت برای گروه طالبان اهمیت استراتژیک دارد.

روند صلح و نزدیکی افغانستان و پاکستان نیز اهمیت ولایت هلمند را برای گروه طالبان بیشتر کرده است. زیرا، نزدیکی افغانستان به پاکستان و فشارهای بین المللی بر حکومت پاکستان مبنی بر کمک و حمایت از روند صلح در افغانستان ممکن موجب کاهش کمک سازمان های اطلاعاتی نظامی پاکستان به گروه طالبان گردد.

از این جهت، گروه طالبان برای ادامه حیات سازمان و گروه خود نیازمند منابع مالی جدید است. از آنجایی که در شرایط کنونی، کمک های بیرونی سخت و دشوار شده است به احتمال زیاد گروه طالبان به دنبال منابع مالی داخلی است. کشت و قاچاق مواد مخدر مهم ترین منبع مالی این گروه

کاهش حمایت پاکستان از طالبان به خاطر فشارهای بین المللی در جهت حمایت از روند صلح در «کابل» باعث شده تا اهمیت استراتژیک ولایت هلمند برای طالبان در جهت تأمین نیاز مالی این گروه بیش از پیش شود. چندی پیش «رسول یار»، فرماندار ولایت هلمند نامه ای سرگشاده به رئیس جمهور افغانستان نوشت و آن را در صفحه فیس بوک خود منتشر کرد. وی در این نامه از «اشرف غنی» درخواست کمک کرد و گفت که از چند روز گذشته درگیری شدید بین نیرو های امنیتی کشور افغانستان و گروه طالبان در بخش «سنگین» و «گرشک» جریان دارد.

بر اساس گزارش ها تا کنون ۹۰ نفر از نیروهای امنیتی افغانستان کشته شده اند. در کنار قربانی شدن نیروهای امنیتی این کشور، ده ها تن غیر نظامی نیز کشته شده اند. این در حالی است که بر اساس گزارش ها، بخش های «دیشو»، «باگران» و «واشیر» در کنترل کامل گروه طالبان قرار دارد.

روز ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر) نیز بخش سنگین ایالت هلمند به سیطره کامل طالبان درآمد و در صورت تداوم این وضعیت احتمال تکرار رویداد «قندوز» را در این ولایت افزایش می دهد. بنابراین، باید پرسید که آیا گروه طالبان موفق به سقوط کامل ولایت هلمند خواهد شد؟ آیا نهادهای امنیتی کشور افغانستان و نخبگان سیاسی در رأس قدرت این فرصت را به گروه طالبان خواهد داد؟ باید دانست که هلمند یکی از ولایت

ژئوپلیتیک فضای مجازی؛ تلاش چین برای احیای جاده ابریشم مجازی



همگام با کشیدن خطوط راه آهن، راه شوسه و خطوط لوله، ایجاد فیبر نوری در بستر جاده ابریشم باعث خواهد شد تا کشورهای آسیای مرکزی به روسیه و چین گره بخورند.

برای تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک فضای مجازی باید از رویکرد دوفضایی استفاده نمود زیرا فرا متغیرهای خاص این فضا مانند فراگیری گسترده این فضا به سرعت بر فضای فیزیکی اثر می گذارد و از طرف دیگر با توجه به وجود زیر ساخت های فضای مجازی در فضای فیزیکی تغییرات این فضا نیز بر فضای مجازی اثرات تعیین کننده ای دارد.

به عنوان مثال افشاگری اسنودن کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا با استفاده از فضای مجازی انجام یافته و گسترش یافت و دیجیتالی بودن این فضا کمک شایانی در افشاگری هایش نمود.

به دنبال آن دولت های گوناگون به خصوص دولت هایی که نسبت به تسلط آمریکا در فضای مجازی حساسیت بیشتری دارند به واکنش های منتقدانه در فضای فیزیکی پرداختند و سعی دارند تا جای ممکن از تسلط آمریکا در این فضا جلوگیری نمایند.

شی جی پینگ رئیس جمهور چین در صدد ایجاد جاده ابریشم جدید است این ابتکار در شبکه وسیعی از پروژه های حمل و نقل، انرژی و ارتباطات ایجاد خواهد شد. این پروژه ها برای تقویت تجارت منطقه ای و در بوجود آوردن یک نوع احساس سرنوشت مشترک بین چین و همسایگان مفید خواهد بود.

ستون فقرات فیبر نوری آینده اوراسیا از زیر ساخت های حمل و نقلی که در امتداد جاده ابریشم بکار خواهد رفت ایجاد خواهد شد. برای کشورهای محصور در خشکی مانند کشور های آسیای مرکزی این به معنی دسترسی بیشتر به شبکه دیتای بین المللی خواهد بود و از لحاظ قیمت و با در نظر گرفتن قیمت متوسط به اندازه یک دهم ارتباطات ماهواره ای خواهد بود و مضاف بر آن پهنای باند این کشور ها به طور قابل ملاحظه ای توسط فن آوری فیبرنوری افزایش خواهد یافت. تعدادی از این پروژه ها در حال حاضر

و آفریقای جنوبی به برزیل متصل خواهد کرد نیز از جمله این پروژه ها است.

در میان این کشورها نگرانی فزاینده ای در خصوص انتقال ترافیک دیتا از طریق هاب ایالات متحده و یا اروپا وجود دارد. زیرا این کشورها معتقدند که اطلاعات مهم مالی و امنیتی آنها توسط کشورهای غیر بریکس رهگیری خواهد شد.

همگام با کشیدن خطوط راه آهن، راه شوسه و خطوط لوله، ایجاد فیبر نوری در بستر جاده ابریشم باعث خواهد شد تا کشورهای آسیای مرکزی به روسیه و چین گره بخورند. این کشورها امیدوار خواهند بود که این کابل ها تلاش های آژانس امنیت ملی آمریکا را برای استراق سمع داده ها را از طریق شرکت های آمریکایی ناکام بگذارد ولی ممکن است کشورهای آسیای مرکزی را در معرض نظارت الکترونیکی مسکو و پکن قرار دهد.

به دنبال افشاگری های اسنودن در خصوص استراق سمع ایالات متحده از طریق شرکت های این کشور، چین و روسیه به دنبال راه های جایگزین به غیر از شرکت های آمریکایی خواهند بود.

به طور تناقض آمیزی ظهور شبکه های جایگزین (انتقال داده) در نهایت به افزایش تکه تکه شدن دیجیتالی جهان منجر خواهد شد.

به ایالات متحده و سپس از طریق اقیانوس آرام به ژاپن وارد شود. در این میان ذکر این نکته مهم است که اغلب سیستم های انتقال دیتا که از زیر اقیانوس ها صورت می گیرد سالانه دچار اختلالاتی می شود. ولی خطوط زمینی مانند جاده ابریشم دچار اختلالات کمتری خواهد شد و تعمیر آن هم راحت تر است زیرا برای تعمیر خطوط زیر دریایی باید ۸۰۰۰ کیلومتر زیر آب رفت به علاوه مراکز انتقال داده زمینی سرعت تبادل اطلاعات را بین اروپا و آسیا افزایش خواهند داد و این نکته ای است که شرکت های سرمایه گذار حاضرند برای آن میلیون ها دلار هزینه نمایند.

ژئوپلیتیک جاده ابریشم مجازی:

روسیه و چین آشکارا به دنبال حفاظت از خودشان در برابر سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده و غرب هستند و معتقدند که ارتباطشان اگر از سرزمین های خودشان باشد ایمن تر خواهد بود تا اینکه این ارتباط از طریق اقیانوس هند و آمریکا انجام شود. در همین چارچوب می توان پروژه (تلبرس کابل) که برزیل و پرتغال را بدون استفاده از تکنولوژی آمریکایی به هم متصل می کند را تحلیل کرد. همچنین پروژه کابل بریکس که شهر ولادی وستک را از طریق چین، هند

در جریان است. در سال ۲۰۰۶ یک شرکت مخابراتی چین از طرف کشور افغانستان موفق به ایجاد فیبر نوری این کشور شد. در همان سال یک شرکت چینی انعقاد یک قرارداد با کشور تاجیکستان را بر عهده گرفت. چین و روسیه نیز با مشارکت یکدیگر اکثر خطوط مخابراتی منطقه اوراسیا را ایجاد کردند.

به عنوان نمونه می توان از ایجاد طولانی ترین خطوط کابلی جهان که آسیا و اروپا را به هم متصل می کند نام برد. یکی از آخرین پروژه های این حوزه طرح بلندپروازانه فیبر نوری زمینی اوراسیا است که توسط مگا فون روسیه در اکتبر ۲۰۱۳ اعلام شده است که قرار است این پروژه را با تجهیزات یک شرکت چینی ساخته شود.

در حالی که شبکه های داخل سرزمینی کشورها اغلب به صورت زمینی منتقل می شود اغلب ترافیک داده های بین المللی از طریق کابل های فیبر نوری دریایی انجام می شود. بنابراین ارتباط اروپا و آسیا از طریق کانال سوئز که طولانی ترین کابل زیر دریایی جهان به طول ۳۹ هزار کیلومتر است صورت می پذیرد.

بسته های دیجیتال که از اروپای غربی به ژاپن منتقل می شود باید از اروپا، خاورمیانه، اقیانوس هند و دریای چین عبور کند و یا از طریق اقیانوس اطلس

نشست «تحولات شبه قاره»؛

پیوستن هند به پیمان پاسیفیک تلاش برای کنترل «بریکس» است

بنفشه اسماعیلی - علی کاوسی نژاد



در نشستی که در خبرگزاری مهر با حضور «پیرمحمد ملاهی»، «سلیمان زارع» و «شیر علی شهباز»، کارشناسان مسائل شبه قاره برگزار شد، مسائل منطقه و شبه قاره از جمله «روابط سه کشور هند-پاکستان-افغانستان»، «بررسی روند مذاکرات صلح افغانستان»، «روابط طالبان افغانستان و پاکستان»، «خط لوله صلح و خط لوله تاپی»، «تنش های هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و رو به بود رفتن روابط دو کشور» و همچنین «روابط هند و پاکستان با کشورهای آمریکا و روسیه و چین» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش نخست این نشست «روابط هند و آمریکا و چین» بیان شده که در ادامه از نظر می گذرد.

|| «اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در سفری که چند ماه پیش به هند داشت روابط هند و آمریکا را رابطه قرن نامید. اهمیت هند برای آمریکا چیست؟

شیر علی شهباز: بعد از مرگ «راجیو گاندی» که جز امیدهای نخست وزیری هند بود در واقع هند یک چرخش اساسی به سمت غرب داشت. در زمان «اینديرا گاندی» نخست وزیر پیشین هند، یا در واقع همان حزب کنگره هند، دهلی رویکردش کاملاً به سمت اتحاد جماهیر شوروی بود، اما پس از مرگ اینديرا گاندی و هم چنین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هند یک چرخش اساسی به سمت غرب داشت.

اینديرا گاندی، در زمان نخست وزیری خود مانع شد در برابر اجناسی که عمدتاً از غرب وارد می شدند و بیان داشت: اگر نتوانیم چیزی را تولید کنیم پس وارد هم نمی کنیم. به خاطر همین است که هند به بسیاری از تکنولوژی های روز دیرتر از سایر کشورها دست یافت. اما از دیگر سو همگرایی بیشتری به روسیه پیدا کرد تا بتواند از لحاظ سیاسی و نظامی منافع کشورش را تامین کند.

اما بعد از مرگ اینديرا گاندی که در آن حتی سازمان سیا بعضی از نیروهای امنیتی هم دست داشتند هند رویکرد جدیدی اتخاذ کرد و بیش از روسیه به سمت غرب و کشورهای غربی متمایل شد و این روند در زمان نخست وزیری «من موهان سینگ» تکمیل شد و شکل جدی تری به خود گرفت.

به طوری که شاهد هستیم که در دوران نخست وزیری من موهان سینگ روابط هند و آمریکا تا حدی پیش می رود که هند حتی حاضر می شود در بسیاری از موارد منافع ملی کشورش را زیر پا بگذارد. مثلاً در مورد تولید سوخت هسته ای، در دوران رئیس جمهوری «جرج بوش» و زمانی که «رایس» به هند سفر کرد و در این سفر طی مذاکراتی که با دهلی نو داشت آمریکا و هند توافقاتی را مبنی بر اینکه هند تولید سوخت هسته ای نداشته باشد و این سوخت را از آمریکا دریافت کند داشتند؛ توافقی که در واقع ما امروز شاهد زبان ها و خسارت گسترده ناشی

از آن هستیم.

هم اکنون ۵ نیروگاه هسته ای در ایالت «راجستان» هند به دلیل نداشتن سوخت کافی تعطیل شده اند. در واقع آمریکا به دنبال این بود تا بتواند دست و پای هند را ببندد و در واقع دست و پای رقابت هسته ای در منطقه را ببندد. چرا که اگر هند در زمینه هسته ای پیشرفت کند و به موفقیتی در این زمینه دست یابد، پاکستان نیز در رقابت با هند درصدد کسب آن بر خواهد آمد و در نتیجه رقابت هسته ای سنگینی در منطقه به وجود خواهد آمد. در واقع سیاست آمریکا بدین شکل بود که در سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۸ دست و پای هند را ببندد تا از سوی روابط هند و روسیه کمتر شود و از دیگر سو هند همگرایی بیشتری به سمت آمریکا پیدا کند، چرا که هند اقتصادی بسیار قدرتمند دارد. در واقع می توان گفت که به خاطر جمعیت بسیار بالایی که هند دارد، هر کالایی و با هر حجمی که باشد براحتی در بازارهای این کشور هضم خواهد شد.

اما در واقع هند به دلیل گسترده بودن جمعیتش نمی تواند صرفاً به میزان تولیدات خود چه در بخش نفت و گاز و انرژی و چه در سایر بخش ها کفایت کند و لذا ناچار است که رویکردهای دیگری را اتخاذ کند که یکی از این رویکردها همین بحث انرژی و گاز است. در واقع هند جز مصرف کنندگان بزرگ گاز است و به خاطر همین نیاز شدید به گاز و انرژی است که قرارداد خط لوله صلح را با ایران امضا می کند که متأسفانه با فشارهای آمریکا به هند و پاکستان عملاً اجرای این پروژه غیرممکن شده و در نتیجه هند مجبور می شود که به خط لوله تاپی (ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، هند) روی آورد، خط لوله ای که گاز را از «دولت آباد» ترکمنستان به سمت هند هدایت می کند و بخشی از نیازهای هند را تامین می کند و بنابراین در این معامله بهترین گزینه برای هند نزدیکی به آمریکا است تا بتواند به نحوی اقتصادش را حفظ کند.

|| به نظر شما آیا یکی از دلایل نزدیکی آمریکا به هند، فشار به چین و مهار اقتصاد

رو به گسترش چین نیست؟

شیر علی شهباز: چین از لحاظ اقتصادی و نظامی در جنوب شرق آسیا، رقیب بزرگی برای آمریکا به حساب می آید و از طرفی ما شاهد این امر هستیم که چین، در دریای چین جنوبی برای آمریکا چالش های فراوانی به وجود آورده و در واقع با فشار بر آمریکا مقابل این کشور ایستاده و اجازه نمی دهد که «واشنگتن» از خط قرمزهای «پکن» عبور کند. لذا آمریکا مجبور است که کشور دیگری را علیه چین علم کند و در این راستا بهترین گزینه هند است. چرا که با نزدیکی به هند این کشور از لحاظ اقتصادی و سیاسی وابسته به آمریکا می شود و در واقع بدین شکل استقلال خودش را در سطح نظامی و سیاسی و اقتصادی به صورت نسبی از دست خواهد داد و از دیگر سو مهره ای برای چین ایجاد می کند که بتواند به راحتی این کشور را تحت کنترل خود در آورد.

اما باید گفت که سفر اخیر «نارندرا مودی» به روسیه و مذاکره برای افزایش همکاری های دو جانبه نظامی و طی آن گفتگو در مورد خرید سامانه موشکی اس ۴۰۰ هند از روسیه که در سفر «مانوهار پاریکار» وزیر دفاع هند به روسیه و مذاکراتش با همتای روسی خود قطعی شده بود و هم چنین خرید پهپادهای ارزان قیمت (سوخو) از روسیه و علاوه بر این درخواست کمک هند برای گسترش و هم چنین ساخت فاز ۵ و ۶ نیروگاه اتمی «کلم کن» واقع در ایالت «آندرا پرادش» از روسیه، همه و همه مسائلی است که قابل تامل است.

|| اوباما در یادداشتی که به مناسبت انعقاد پیمان ترانس پاسیفیک منتشر کرد اعلام کرد که نظم اقتصادی آسیا در قرن ۲۱ باید آمریکا تعیین کند و گرنه رقبای این کشور از جمله چین دست به کار خواهند شد. رویکرد هند به این سیاست چیست؟

شیر علی شهباز: اقتصاد هند به اقتصاد آمریکا وابسته می شود و در واقع این وابستگی عملاً رویکرد آمریکا را مطرح خواهد کرد. هند زمانی در دوران نخست وزیری

شورای روابط خارجی آمریکا:

جنگ چین و هند به نفع آمریکان نیست / راههای مهار اژدها در دریا



شرایطی که به نفع یک همکاری نزدیک بین ایالات متحده و هند است، باشند. ایالات متحده می تواند اقدامات پیشگیرانه یکجانبه دیگری را اتخاذ کند. به منظور کاهش چشم انداز احتمالی عمده روابط هند و پاکستان، ایالات متحده می تواند فشار بیشتری بر پاکستان اعمال کند تا مانع فعالیت گروه های تروریستی ضد هندی شود. مثلاً واشنگتن می تواند با شرطی سازی بخش بیشتر (یا همه) کمک های نظامی، باعث یک تغییر برجسته در سیاست های پاکستان شود که شامل سرکوب گروه تروریستی «لشکر طیبه» و گروه های وابسته به آن است.

با این حال، اگر این اقدامات به صورت افراطی انجام شود، می تواند در ایجاد هزینه معکوس موثر باشد. زیرا جنبه های دیگری از همکاری های ضد تروریستی با اسلام آباد را به خطری اندازد. برای کاهش احتمال بحران سیاسی در تبت که می تواند بحران بین چین و هند را تشدید کند، واشنگتن تلاش می کند تا به پکن و دالایی لاما فشار بیاورد که سطح مذاکرات را تا سازمان ملل متحد افزایش دهند و یا اینکه مذاکرات را به صورت چند جانبه دنبال کنند. اگر پکن حاضر به مذاکره نشد با ارائه کمک های اضافی و انگیزه به مخالفان تبتی و با تهدید مجامع عمومی واشنگتن در تبت برای تغییر نظر آنها اقدام کند.

با این حال، به احتمال زیاد این مراحل به نتیجه معکوس منجر شده و اوضاع پکن را متشنج خواهد کرد بدون اینکه فشار کافی برای تغییر سیاست های پکن به سمت سیاست های مطلوب ایجاد کنند. به روش دیگر، مقامات ایالات متحده می توانند برای حفظ صلح، هند را تشویق کنند که خود را با خواسته های چین در تبت هماهنگ کند. اگر چه این کار حمایت ایالات متحده از حقوق تبت را تضعیف می کند. به منظور کاهش ظرفیت نیروی دریایی چین در دریای چین جنوبی و اقیانوس هند، ایالات متحده می تواند حضور نیروی دریایی خود را با اجرای کامل توازن جهانی خود (از غرب به شرق) و با افزایش بودجه نیروی دریایی گسترش دهد.»

شورای روابط خارجی آمریکا نوشت: احتمال درگیری مسلحانه بین چین و هند به رغم روابط پایدار میان دو کشور وجود دارد که به نفع آمریکا نخواهد بود.

«دنیل اس مارکی» پژوهشگر ارشد شبه قاره و جنوب شرق آسیا در گزارشی به روابط چین و هند و تاثیر گذاری آن بر ایالات متحده آمریکا پرداخته است.

در این گزارش آمده است: روابط هند و چین به صورت قابل ملاحظه ای پایدار است و در واقع اهداف بلندمدت دو جانبه و برنامه های مشترک چند جانبه علت شایع ارتباطات گسترده این دو غول بزرگ آسیایی است. از این رو هر دو طرف به وضوح برای اهمیت صلح به عنوان یک راه برای گسترش تجارت و سرمایه گذاری و برای فعال کردن تمرکز مستمر بر توسعه اقتصادی در خانه ارزش قائلند.

مارکی در ادامه تحلیل خود می آورد: با این وجود، تفاوت ها و سوء ظن هایی بین دو طرف وجود دارد که یکی از آنها به جنگ سال ۱۹۶۲ بر می گردد؛ زمانی که هند در جنگ با چین شکست خورد و دیگری مربوط به افزایش جاه طلبی های جهانی، قابلیت های نظامی و اقتصادی این دو کشور همسایه آسیایی.

در ادامه این گزارش می خوانیم: «اگرچه «دهلی نو» و «پکن» باها برای جلوگیری و کاهش تنش های بوجود آمده متمایل بوده اند و سال ۱۹۶۷ نیز از برخورد جدی خشونت آمیز جلوگیری کردند اما باز با این حال پتانسیل لازم برای رو به وخامت رفتن روابط دو طرف وجود دارد و هر موضوع یا بحرانی از این دست می تواند احتمال چنین نتایج مشابهی را خواهد داشت.

به هر حال باید دانست که وجود یک سری اختلافات می تواند به رویارویی نظامی بدتر از سال ۱۹۶۷ منجر شود؛ درگیری های مرزی که منجر به تحمیل تلفات ده ها تن شد.

بازارهای جهانی، صدمه در رشد اقتصادی منطقه و تضعیف تلاش های چین و هند برای همکاری های مشترک در منطقه و جهان از جمله نگرانی ایالات متحده بر تاثیر گذار بودن این موارد بر مسئله جهانی و منطقه ای از جمله مبارزه با تروریسم است؛ حتی اگر دو طرف موفق به کنترل و جلوگیری از تشدید درگیری نظامی های جدی تر شوند.

در واقع ایالات متحده آمریکا منافع عمده ای در جلوگیری از درگیری مسلحانه بین چین و هند دارد. با این حال، اگر تلاش های پیشگیرانه آمریکا با شکست مواجه شود؛ سیاستگذاران ایالات متحده باید به دنبال محدود کردن هزینه های فوری این درگیری باشند و از ایجاد نقاط اختلاف جدید غیر ضروری با پکن جلوگیری کنند. اما در انجام این کار آنها باید به دنبال حل و فصل بحران با

ایندیرا گاندی و به دستور وی به آمریکایی ها فرصت داد که ظرف ۴۸ الی ۷۲ ساعت، خانه های فرهنگ هند را ترک کنند. اما اکنون می بینیم که قضیه کاملاً برعکس شده و آمریکا در اکثر شهرهای هند کنسولگری های خود را برقرار کرده و شروع به فعالیت کرده است که نشان دهنده این است که هند در حال پیشروی به سمت غرب و آمریکا است.

از دیگر سو مطابق با اخبار ضد و نقیضی که در مورد انتخابات هند و صرف هزینه های سنگین برای برنده شدن «نارندرا مودی» در این انتخابات به عنوان نماینده حزب «بی جی پی» به گوش می رسید، می توان دریافت که در واقع به خاطر سرمایه گذاری و حمایت های گسترده آمریکا بود که «بی جی پی» توانست تبلیغات خود را با موفقیت به انجام برساند و طی آن حزب کنگره شکست بخورد.

از طرفی دیگر می بینیم که آمریکا و غرب به گونه ای غیر مستقیم برای افزایش محبوبیت مودی تبلیغ می کنند، و طی اقداماتی ابتدا به خاطر واقعه ۲۰۰۲ گجرات-کشتار بیش از ۲۰۰۰ مسلمان در زمانی که نارندرا مودی سر وزیر ایالت گجرات بود- اول مودی رایه دادگاه می کشاند و بعد وی را تبریته می کنند تا انعکاس خبری حاصل از آن محبوبیت مودی را باعث شود.

از طرفی دیگر می بینیم که برترین بلوک اقتصادی که هند هم اکنون عضو آن است همان پیمان بریکس است که با شرکت کشورهای برزیل، روسیه، چین، آفریقای جنوبی و هند تشکیل شده است. باید دانست که منطقه بریکس از لحاظ بازار و نیروی کار ارزان ترین و از لحاظ جمعیت بیشترین جمعیت را دارد و در نتیجه یک وزنه سنگین اقتصادی در منطقه است. لذا اگر این رویکرد جدی باشد این پیمان در واقع وزنه ای سنگین در برابر پیمان های مقابلش در منطقه خواهد بود. پیشنهاد آمریکا برای پیوستن هند، به بلوک اقتصادی جدید در واقع تلاشی است برای ی خنثی و یا تحت کنترل در آوردن بریکس و از دیگر سو استفاده از ظرفیت های هند در این راستا.

برای مثال اگر همکاری اقتصادی اکو را عنوان کنیم می بینیم که این سازمان در واقع متشکل از کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به اضافه ایران، پاکستان و ترکیه است. رویکرد این سازمان افزایش رشد اقتصادی در منطقه است و در واقع به دنبال اهداف اقتصادی جدید در منطقه می گردد.

ملحق شدن هفت کشور به سازمان همکاری اکو بعد از فروپاشی شوروی در واقع شانس جدیدی بود برای اکو تا بتواند به رشد اقتصادی مطلوب و اهداف بلندمدت مورد نظر خود برسد اما متأسفانه به خاطر نفوذ آمریکا و پاکستان این عملاً امکان پذیر نیست.

از دیگر سو ترکیه وقتی می بیند که این همکاری جدی نیست، رغبت بیشتری به سمت اتحادیه اروپا پیدا می کند و پاکستان نیز بیشتر تحت سلطه آمریکا درمی آید و به خاطر وابستگی که در این بین وجود دارد و هم چنین به خاطر فشار متحدین آمریکا مانند عربستان، وضعیت به گونه ای پیش خواهد رفت که منجر به شکست اکو خواهد شد.

اگر همین اتفاق نیز برای بریکس بیفتد، سامانه بریکس نیز کاملاً از هم فرو خواهد پاشید و آمریکا نیز به هدفش خواهد رسید. اگر خوب نگاه کنیم می بینیم که یکی از دلایل دعوت هند برای عضویت در این بلوک اقتصادی وابسته کردن و نزدیک کردن هند به این سو است که پیمان های دیگر موجود در منطقه از جمله بریکس را به تضعیف بکشد.



آمریکا

دبیر: فرزاد فرهاد توسکی

گفتگو با عضو شورای بین الملل روسیه؛

به قدرت رسیدن جمهوریخواهان آمریکا اوضاع را پیچیده تر می کند



اینکه گروه تروریستی الشباب با استناد به اظهارات «دونالد ترامپ» نامزد جنجالی جمهوریخواهان آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، خواستار افزایش اقدامات تروریستی علیه غرب شده نشان می دهد که مقامات غربی خود در تحریک این گونه گروه ها نقش اصلی را دارند. در همین رابطه اغلب کارشناسان نیز این اعتقاد را دارند که اتخاذ رویکردهای افراطی از سوی سیاستمداران غربی موجب افزایش اقدامات گروه های تندرو علیه غرب می شود.

این وضعیت در حالی است که به احتمال زیاد ترامپ نامزد اصلی جمهوریخواهان آمریکا در رقابت های نهایی ریاست جمهوری آمریکا خواهد بود و رسیدن فردی با چنین دیدگاه هایی به کاخ سفید وضعیت جهان را به مراتب پیچیده تر از وضعیت فعلی می کند. در مورد اینکه حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید چه تاثیری بر تحولات جهان خواهد داشت با «برایان فریدنورگ» به گفتگو نشستیم. فریدنورگ مورخ بوده و عضو شورای امور بین الملل روسیه است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

ها و نه مردم سایر مناطق جهان خواستار بروز چنین وضعیتی نیستند زمان آن فرا رسیده که جمهوریخواهان چنین چیزی را درک کنند و بجای آنکه با پرداختن به روش های هالیوودی موجب تقویت داعش و دیگر گروه های افراطی شوند برای از بین بردن داعش کمک کنند.

شاید برخی با استناد به حملات انجام شده در آمریکا در سال های اخیر بگویند که در زمان ریاست جمهوری اوباما نیز آمریکا با تهدیدات تروریستی مواجه بوده است. در پاسخ به این افراد باید گفت که در سال های گذشته سفید پوستان افراطی به مراتب بیش از افراطیون مذهبی برای غرب ایجاد مشکل کرده اند.

رویکردی چه مسائلی را می تواند در پی داشته باشد؟

مشخص است که مرتبط کردن داعش با اسلام به دیکتاتورها کمک می کند تا سرکوب مردم کشورهای خود را افزایش دهند. چنین رویکردی همچنین آمریکا را در معرض تهدیدات بیشتر قرار داده و از یافتن راه حل های منطقه ای و سیاسی برای بحران های موجود جلوگیری می کند. چنین رویکردی همچنین موجب پیدایش وضعیت امپریالیستی جدیدی می شود که آمریکا باعث و بانی آن تلقی خواهد شد و بدین شکل ایالات متحده تا مدتها مسئول بحران هایی خواهد بود که در منطقه بوجود می آیند. هیچ کس نه آمریکایی

می کنند را فزا گرفته و در حالیکه ظاهرا اوباما برای شکست دادن داعش تلاش می کند، تفکرات جمهوریخواهان بویژه نامزد پیششاز آنها یعنی دونالد ترامپ، فقط منجر به شدت گرفتن تنش ها و گسترش جنگ در مرور زمان می شود و بدین وسیله امنیت آمریکا کاهش یافته و زندگی مردم ایالات متحده به خطر می افتد. البته این قضیه در مورد سایر نامزدهای جمهوریخواه همچون مارک رابیو و تد کروز نیز صدق می کند.

برخی از جمهوریخواهان و همچنین چهره های افراطی در غرب تلاش می کنند تا داعش و اسلام را به یکدیگر مرتبط کنند، چنین

|| آمریکا در سال جاری میلادی صحنه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود، نظر به سابقه تاریخی و اینکه حضور احزاب سنتی آمریکا در کاخ سفید معمولاً بصورت یک در میان است به نظر شما رسیدن احتمالی جمهوریخواهان به قدرت چه تاثیری خواهد داشت؟

نکته ای که باید به آن توجه داشت این موضوع است که با توجه به عملکرد دولت باراک اوباما می توان گفت که اوباما نهایتاً و با صرف زمان زیاد نحوه مبارزه با داعش و دیگر گروه های تروریستی در خاورمیانه و همچنین افرادی که از این گروه ها حمایت

روزهای سخت حزب «کارگران» برزیل؛

نفرین «پتروبراس» گریبان «داسیلوا» را هم گرفت

جایجایی غیرقانونی در این شرکت صورت گرفته و برخی از پول های کثیفی که در بده بستان های شرکت پتروبراس به دست آمده خرج رقابت های انتخاباتی روسوف در سال ۲۰۱۰ شده است.

اتهامات اثبات نشده ای که به طور همزمان علیه دو نفر از سرشناسترین اعضای حزب حاکم برزیل مطرح می شود، از هم اکنون تاثیر خود را بر روی آینده حزب کارگران گذاشته است. بسیاری از بزلی ها حزب کارگران را به دلیل اتخاذ سیاست های غلط و هدایت کشور به لبه پرتگاه اقتصادی سرزنش می کنند.

این در حالیست که سیلوا اخیراً در مصاحبه ای تلویزیونی از بابت برخی از راهبردهای اقتصادی حزب ابراز تاسف کرده و آنها را اشتباه خوانده است.

نظر سنجی که در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵ (حدود سه ماه پیش) انجام شد، نشان می دهد که بیش از نیمی از بزلی ها اگر داسیلوا دوباره برای پست ریاست جمهوری اقدام کند از رای دادن به وی امتناع می کنند و این برای حزب کارگران و او که به هنگام ترک این پست در سال ۲۰۱۱ میلادی از محبوبیتی ۸۳ درصدی برخوردار بود، مایه دلسردی است.

روسوف متهم به سوء مدیریت در استفاده از بودجه دولتی است حال آنکه وی باره همه اتهامات می گوید توسل به ترفندهای حسابرسی در دولت های قبلی نیز امری متداول بوده است و طرح استیضاح خود را نوعی کودتا توصیف می کند.

البته آن طور که به نظر می آید روسوف در یدک کشیدن بار اتهاماتی که این روزها متوجه وی است تنها نیست و چند تن از چهره های سیاسی از جمله متحدین نزدیک وی نیز برای اعاده حیثیت خود سخت در تقلا هستند. در این میان، روزنامه «وال استریت ژورنال» از موشکافی در سوابق «لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا»، رئیس جمهور سابق برزیل و تلاش وی برای گریز از اتهامات مشابه خبر داد.

سیلوا که همچون روسوف از چهره های برجسته حزب «کارگران» برزیل است متهم به سوءاستفاده از قدرت برای کمک به شرکت ساختمانی «اودبرچت» به عقد قراردادهای خارجی است.

با این حال، اتهام رئیس جمهور سابق به فساد مالی در شرکت نفت دولتی «پتروبراس» نیز که پرونده آن به طور مجزا از پرونده روسوف دنبال می شود هم برای وی دردسرساز شده است. گفته می شود طی یک دهه گذشته حدود ۳/۸ میلیارد دلار



بانوی آهنبین برزیل این روزها در به دوش کشیدن بار اتهامات دولتی تنها نیست و رئیس جمهور سابق این کشور هم مجبور به دفاع از حیثیت حزب حاکم «کارگران» در برابر اتهام سوق دادن کشور به ورطه سقوط است.

«ادواردو کانها» سخنگوی مجلس نمایندگان برزیل با طرح این ادعا که «دیپلما روسوف» رئیس جمهوری این کشور یک قدم دیگر به پذیرش جرم خود نزدیکتر شده است، اعلام کرد که نمایندگان تا اواخر ماه میلادی مارس سال ۲۰۱۶ (سه ماه دیگر) درباره طرح استیضاح وی رای گیری خواهند کرد.

ریشه های خشونت در خاورمیانه/غرب یک واحد فرهنگی نیست



سعی می کنند با خشن و وحشی نشان دادن مسلمانان و دیگران به اقدامات بربریک خود در دوره استعمار و برده داری در آفریقا سرپوش بگذارند و خود را تبرئه کنند.

ریشه اصلی خشونت های جاری در خاورمیانه چه هست؟

دلایل زیادی دارد. اولین آنها این است که اکثریت کشورهای مسلمان منطقه توسط حکومت های اداره می شوند که تحت کنترل غرب هستند و به همین دلیل منافع مردمشان برایشان اهمیتی ندارد. از دیگر دلایل خشونت ها منابع انرژی و منافع اقتصادی برخی گروه ها و کشورها است مثلاً غزه در نزدیکی منابع عظیم گاز است و به همین علت اسرائیل خواستار کنترل آن است و همین امر باعث خشونت می شود و حتی وقتی اسرائیل حملاتی به غزه انجام می دهد این کار با چراغ سبز سعودی ها صورت می گیرد زیرا بلافاصله سعودی ها برای بازسازی و سود بردن اقتصادی و سلفی کردن غزه وارد غزه می شوند. اختلافات مذهبی قدیمی هم از دیگر دلایل خشونت ها در منطقه است. دلایل خشونت ها بطور کلی ترکیبی از دلایل سیاسی، اقتصادی و مذهبی است.

به نظر شما راه پایان دادن به اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی چیست؟

راه خروج از این اختلاف به اعتقاد من موافقت کردن با موافقت نکردن است. در شیعه و سنی مطالب و موضوعاتی وجود دارند که طرفین آنها را توهین به همدیگر می دانند و اختلاف برانگیز است. می توان اینگونه فکر کرد که من با این مسئله مخالفم و موافق نیستم اما باید در صلح و آرامش زندگی کنیم. ما باید با هم زندگی کردن با وجود تمامی اختلاف نظرها را یاد بگیریم. اختلاف ها نباید بهانه ای برای خشونت باشند. باید بپذیریم که اختلاف نظر ها ناشی از اجتهاد هستند و نباید به اطر اختلاف نظر دیگران را تکفیر کنیم. این اختلافات وجود دارند در کتاب های ما هستند ما نمی توانیم آنها را حذف یا منکر شویم فقط باید یاد بگیریم با هم زندگی کنیم. شیعه و سنی در موضوع مقابله با استعمارگران باید با هم وحدت داشته باشند اما در زمینه اختلافات فرهنگی باید با هم کار کنند و در عرصه های اقتصادی با هم کار کنند و در بعضی موضوعات خاص می توانند با هم موافق باشند یا نباشند.

منظر دیگر تحولات امروز پیچیده تر است، ما امروز با داعشی مواجه هستیم که با ائتلاف نئو عثمانی ها، سلفی ها، اخوان المسلمین و همکاری لندن و واشنگتن ایجاد شده است. اینها جهان شیعه را تهدیدی برای خود می دانند. آتاتورک توهم داشت که توانسته است به حکومت چند صد ساله خلیفه گری پایان دهد اما این فقط یک توهم بود. ما شاهد بروز و ظهور مجدد این دیدگاه هستیم. در هفته های گذشته شاهد حمله به شیعیان نیجریه و منزل شیخ زکزاکی و کشتار شیعیان و نیز اعدام شیخ نمر بوده ایم. به نظر شما علت این اقدام علیه شیعیان چیست؟ حمله به شیعیان در فاصله کوتاهی بعد از دیدار پادشاه سعودی از این کشور رخ داده و بعد از آنکه سلمان خواستار مقابله با تروریست ها شده و از شیعیان به عنوان تروریست یاد کرده است. این یادآور این حقیقت است که جهان متمدن با تهدیدی جدی به نام سلفی ها مواجه است. منظورم از جهان متمدن، غرب نیست منظورم جهان مسیحیت سنتی و جهان سنتی مسلمانان است. سلفی ها پول زیاد را خرج توسعه افکار خطرناک خود می کنند. اما متأسفانه در این طرف حرکت های مناسبی صورت می گیرد.

رسانه های عمده در کشورهای غربی سعی دارند اسلام را به خشونت مرتبط کنند چرا؟

زیرا غرب به عنوان یک «واحد فرهنگی» موجودیت ندارد. بعد از انقلاب فرانسه قدرت سیاسی کلیسای کاتولیک شکسته شد و تفاسیر سکولار جدیدی برای متحد کردن غرب ارائه شدند اما مشکل اینجا بود که این مجموعه مشکل از فرهنگ های مختلف را چگونه متحد کنند. به طور مثال شما هرگز نمی توانید یک فرد اهل سیسیل ایتالیا را با یک نروژی در آن سوی دیگر اروپا که هم از نظر مذهبی متفاوت هستند و هم از نظر فرهنگی متحد کنید. بعد از انقلاب فرانسه سعی شده است با القای این مسئله که غربی ها و اروپایی ها منطقی، علمی، انسانی و... هستند و شرقی ها بی منطق، غیر علمی، غیر انسانی و... موجبات وحدت اروپا را ایجاد کنند. رسانه های غربی سعی می کنند با در نظر داشتن این اصل در نزد مخاطبین خود جایگاه دیگر تمدن ها و فرهنگ ها را پایین بیاورند تا بتوانند برای خود هویت سازی کنند و خود را بهترین تمدن جهان معرفی کنند. همچنین غربی ها با تلاش های بسیار

استاد سابق دانشگاه تورنتو کانادا علل خشونت های جاری در منطقه خاورمیانه را سیاسی، اقتصادی و مذهبی دانسته و داعش را محصول مشترک لندن، واشنگتن، سلفی گری، نئو عثمانیسم و اخوان المسلمین دانست. دکتر «فرانسیسکو ژوزه لویس» استاد سابق دانشگاه تورنتو در نشست در خبرگزاری مهر به سوالات خبرنگاران مهر در خصوص نحوه شکل گیری گروه تروریستی داعش، چرایی تلاش غرب برای خشونت طلب جلوه دادن مسلمانان، ریشه های خشونت های خاورمیانه و راهکار پایان اختلافات جهان اسلام پاسخ داد.

مشروح این گفتگو در زیر آمده است:

شما کارشناس تاریخ اسلام و علاقمند به آثار و فلسفه و هنر صفویه در ایران و عثمانی و منطقه هستید. از منظر سیاسی و رقابت های تاریخی صفویه و عثمانی مشکلات زیادی با هم داشته اند. با توجه به تحولات اخیر در منطقه و همراهی سعودی ها و نئو عثمانی های ترکیه و مداخلات گسترده آنها در منطقه این طور به نظر می رسد که گویا تاریخ در حال تکرار شدن است. نظر شما در این خصوص چیست؟

البته به خاطر داشته باشید که تخصص من هنر و فلسفه اسلامی است اما پر واضح است که برخی چیزها تکرار می شوند و ائتلافی بین اخوان المسلمین و نئو عثمانی هایی که در تلاشند مجدداً سر بلند کند و همچنین سلفی ها. ائتلاف اخوان المسلمین، عثمانی ها و سلفی ها یک ائتلاف قدیمی است که سعی در قدرت گیری مجدد دارد. اینها به نوعی به دنبال خلیفه گری اسلامی هستند و به اعتقاد من همگی آنها به همراه آمریکا و اسرائیل در ایجاد و شکل گیری داعش دست داشته اند. اما تحولات کنونی کمی متفاوت با دوره رقابت صفویه و عثمانی دارد. در رقابت های کنونی رقابت سیاسی است اما وقتی به نامه نگاری های سلطان سلیم عثمانی و شاه طهماسب صفوی می پردازیم علاوه بر رقابت های سیاسی شاهد رقابت های دیگر فرهنگی هم هستیم مثلاً این دو رهبر دربارہ عرفان و صوفی گری هم بحث می کردند. هر چند از

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا:

آمریکا باید اعدام شیخ نمر را محکوم می‌کند



به صلح سوریه است. آیا با توجه به این شرایط می‌توان انتظار داشت که غرب برای کاهش این تنش‌ها وارد میانجیگری شود؟

آمریکا اعدام شیخ نمر را محکوم نکرد که این امر می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های عربستان در خاورمیانه شود. البته نمی‌توان انتظار داشت که دوستی دوستان خود را محکوم کند. آمریکا و اروپا تلاش خواهند کرد تا تنش‌ها را کاهش دهند. این کار برای اطمینان حاصل کردن از این امر است که توافق هسته‌ای ایران و صلح سوریه و همچنین موضوع یمن پیش بروند.

ایران و عربستان باید شروع به درک مواضع طرف مقابل کرده و شروع به حل مشکلاتی کنند که می‌توانند منجر به بروز خسارت‌های جبران‌ناپذیر در بخش‌هایی از خاورمیانه شوند.

باید به این نکته توجه داشت که ایران و عربستان یک دشمن مشترک دارند و آن داعش است که اگر تهران و ریاض بر روی این امر توافق کنند می‌توانند با سایر مشکلات فائق شوند.

مشکلی را برای خاورمیانه بوجود آورده بطوریکه حتی شاید مشکل‌ترین مشکل موجود باشد. عربستان و ایران هم اکنون درگیر دو بحران هستند یکی سوریه و دیگری یمن. روابط کنونی ایران و عربستان بر این بحرانها تأثیر منفی خواهد داشت. *تنش‌های میان عربستان و ایران زمانی رخ داده که تلاش‌هایی برای یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه در جریان بود. آیا ممکن است که اقدامات عربستان منجر به شکست این تلاش‌ها شود؟

امیدوارم که چنین وضعیتی رخ ندهد. هرچند که امیدها برای موفقیت تلاش‌های در حال انجام برای حل بحران سوریه کم است اما مهم است که نشست ژنو که برای تاریخ ۲۵ ژانویه برنامه ریزی شده با مشارکت ایران و عربستان برگزار خواهد شد. باید به این امر توجه داشت که نه سوریه و نه یمن در صورت افزایش تنش‌ها از جنگ خلاصی نخواهند یافت.

*اقدام سعودی‌ها در افزایش تنش‌ها در خاورمیانه در مغایرت با منافع آمریکا و اروپا بویژه در خصوص توافق هسته‌ای ایران و تلاش‌های در حال انجام برای رسیدن

عربستان برای افزایش تنش‌ها با ایران منجر به شکست این تلاش‌ها خواهد شد.

در همین رابطه برای تشریح بهتر موضع غرب در خصوص تنش‌های میان ایران و عربستان با پروفیسور «دانیل سرور» به گفتگو نشستیم. «سرور» از معروف‌ترین کارشناسان حاضر در میحث مدیریت جنگ، و از کارشناسان ارشد موسسه روابط دو سوی آتلانتیک و از اساتید دانشگاه جان هاپکینز است که سابقه فعالیت گسترده در مورد جنگ‌های عراق، افغانستان و بالکان را دارد و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در امر میانجیگری میان مسلمانان و کروات‌های یوگسلاوی فعالیت کرده است. متن این مصاحبه به شرح زیر است:

*همانطور که مطلع هستید عربستان روابط خود با ایران را قطع کرده آیا ممکن است در مورد تبعاتی که تنش‌های عربستان بر خاورمیانه دارد توضیح بدهید؟ اعدام شیخ نمر در عربستان و واکنش مردم ایران به این اقدام و متعاقب آن قطع شدن روابط دیپلماتیک ریاض با تهران وضعیت

مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان را به زیان مواردی همچون حل بحران یمن و سوریه و همچنین اجرای برجام دانسته و نقش آفرینی غرب برای حل این تنش‌ها را حتمی می‌داند.

آمریکا که از هر وسیله‌ای برای گسترش سلطه در خاورمیانه استفاده می‌کند «جان کری» را مامور کرده تا از طریق رایزنی با هم‌تایان ایرانی و عربستانی خود همچنان نقش واشنگتن را در منطقه پررنگ نگه دارد.

دولت آمریکا برای به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای ایران هزینه‌های زیادی را داده و حتی بصورت ظاهری وارد تنش با دو هم‌پیمان اصلی خود در خاورمیانه یعنی عربستان و رژیم صهیونیستی نیز شده از همین رو طبیعی است که برای حفظ منافع خود با مواردی که به این توافق ضربه بزنند برخورد کند.

از سوی دیگر بعد از تلاش‌های فراوان مذاکرات صلح سوریه آغاز شده و زمزمه‌هایی نیز در مورد امکان پایان درگیری‌ها در یمن به گوش می‌رسد که البته اقدام

گفتگو با استاد دانشگاه پنسیلوانیا:

منطقه گرایی نشان شکست نظام‌های امپریالیستی است

مریم خرمایی



پروفسور «لری بیکر» توسعه منطقه گرایی را موجب تضعیف جهانی شدن ندانسته و آن را وزنه تعادل جهانی سازی دانست.

سیزدهم مه‌ماه امسال پیمان تجارت آزاد دو سوی اقیانوس آرام (ترانس پاسیفیک) (TPP) که توافقی تاریخی است پس از ۵ سال تلاش‌های آمریکا و ۱۱ کشور شامل ژاپن، مالزی، ویتنام، بروئی، استرالیا، سنگاپور، نیوزیلند، کانادا، پرو، مکزیک و شیلی به امضا رسید.

این توافق که بزرگترین منطقه تجارت آزاد در دنیا را به وجود خواهد آورد موجب حذف هزاران تعرفه واردات اجناس و محصولات شده و برای ۱۲ کشور امضاء کننده آن، استانداردهای مشترکی را ایجاد خواهد کرد.

معاهده ترانس پاسیفیک پس از نهای شدن نه تنها محدودیت‌های تجاری اعمال شده بر روی هزاران کالا از محصولات دارویی آمریکا گرفته تا فرآورده‌های لبنی نیوزیلند، برنج ژاپن و سرمایه ویتنام را شامل می‌شود، بلکه در ابعادی وسیعتر به دولت واشنگتن کمک می‌کند تا قوانین تجارت جهانی را در یکی از استراتژیک‌ترین مناطق دنیا بازنویسی کند تا به این ترتیب همزمان با بازاریابی برای کالاهای ساخت آمریکا، قدرت‌های اقتصادی آسیا نظیر چین و هند نیز به تبعیت از مدل‌های آمریکایی تجارت وادار شوند.

از منظری تئوریک، یکی از بیم‌های موجود ناشی از گسترش نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای تحت الشعاع قرار دادن موضوع جهانی شدن است. در واقع برخی معتقد هستند که گسترش منطقه گرایی به نوعی نشان از ناکارآمدی جهانی سازی است. البته عده نیز معتقد هستند که منطقه گرایی در تضاد با جهانی شدن نیست بلکه باعث گسترش جهانی شدن نیز می‌شود.

در همین راستا گفتگویی با پروفسور «لری بیکر» استاد حقوق و امور بین الملل دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا در آمریکا

بلکه صرفاً موجب افزایش هزینه تولید می‌شود.

|| به نظر می‌رسد که جهانی سازی موجب تضعیف نظام‌های امنیتی نشده است. دلیل این امر چیست؟

جهانی سازی نظام‌های امنیتی را متاثر کرده است. فقط کسی گمان نمی‌کند که آگاهی یافتن مردم از این موضوع سودمند باشد. نظام‌های امنیتی نظیر جهانی سازی اقتصادی در امتداد زنجیره‌های تولید و عرضه ساخته شده‌اند. اما این نظام‌ها بر پایه اطلاعات و تبادل اطلاعاتی هم بنا شده‌اند. بنابراین انتظار جهانی سازی هرچه بیشتر نظام‌های امنیتی و به همان نسبت تفکیک آنها را داریم چرا که این نظام‌ها در دل حکومت‌های مختلفی چون آمریکا، چین، روسیه و غیره توسعه یافته و به نظام‌های تابع یا وابسته خصوصی و عمومی تسری می‌یابند.

|| فرهنگ چین علیرغم آنکه بیشترین جمعیت جهان را به خود اختصاص داده، تاثیر چندانی بر فرهنگ جهانی نداشته است. دلیل این امر چیست؟

به این دلیل که آنها برای مدت زیادی به این مسئله بی توجه بودند. اما مسائل در حال دگرگونی است. منتظر باشید و تماشا کنید.

انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است. لری بیکر عضو موسسه حقوق آمریکایی و عضو انجمن مطالعات حقوقی اروپایی چین، موسسه حکومت شرکت‌های اروپایی است و در دانشگاه‌های مختلف اروپا و آمریکا به تدریس سیاست و حقوق اساسی، شرکت‌ها و اتباع خارجی مبادرت می‌ورزد.

وی همچنین بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ ریاست دانشکده سنای دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا را عهده دار بوده است. لری بیکر همچنین کتاب‌ها و مقالات متعددی را در خصوص جهانی شدن منتشر کرده است.

|| ارزیابی شما از منطقه گرایی چیست؟ آیا این مساله در جهت تضعیف جهانی سازی پیش می‌رود و یا در نهایت به تقویت آن کمک خواهد کرد؟

منطقه گرایی یک وزنه تعادل ضروری برای جهانی سازی است و در زنجیره تولید جهانی وقتی صحبت از سهم عمده تری از ارزش افزوده باشد، حکم مقیاس اندازه‌گیری را به عنوان یک زیرمجموعه قدرت دارد. اما منطقه گرایی در عین حال نوعی شکست در سیستم‌های امپریالیستی جهانی محسوب می‌شود که (در ۲۰۰۰ سال گذشته هر از گاهی) قادر به مدیریت و بهره‌برداری از اختلافات منطقه‌ای بوده‌اند. اما، منطقه گرایی مایه تضعیف جهانی سازی نیست

با تاکید بر حق مالکیت جزایر «فالكند»؛

دولت راست گرای «ماسری» انگلستان را به میز مذاکره دعوت کرد

دولت بوینس آیرس در این بیانیه به پایبندی خود به حل مناقشات از راه‌های صلح آمیز و مطابق با قوانین بین الملل تاکید کرده است.

جزایر فالكند واقع در اقیانوس اطلس جنوبی به دنبال جنگی که در سال ۱۹۸۲ میلادی رخ داد به تصاحب نیروهای انگلیسی درآمد و از آن زمان تا کنون بر سر مالکیت آن بین دو کشور اختلاف نظر وجود دارد. این جزایر در فاصله ۴۸۳ کیلومتری از آرژانتین واقع شده حال آنکه فاصله انگلستان تا آن بیش از ۱۳ هزار کیلومتر است.

بیانیه ای گفت: امروز ۱۸۳ سال از اشغال جزایر فالكند به دست دولت انگلستان می‌گذرد و آرژانتین همچنان بر حق مسلم خود در قبال مالکیت این جزایر و محیط آبی پیرامون آن تاکید می‌ورزد.

البته انتظار می‌رود که دولت محافظه کار ماسری نسبت به دولت چپ گرای «کریستینا فرناندز» رئیس جمهور سابق آرژانتین مواضع نرم تری را در قبال تداوم اشغال جزایر فالكند که آرژانتینی‌ها آن را «مالویناس» می‌نامند، اتخاذ کند و این مطلب حتی در بیانیه وزارت امور خارجه آرژانتین هم به خوبی قابل مشاهده است.

آرژانتین ضمن پافشاری بر مواضع قبلی خود نسبت به مالکیت جزایر «فالكند»، از انگلستان دعوت کرد تا مناقشات دو کشور را از راه مسالمت آمیز حل و فصل کنند.

دولت راست گرای «مائوریسیو ماسری» رئیس جمهور جدید آرژانتین با تاکید بر حق خود به مالکیت جزایر «فالكند» از دولت انگلستان خواست تا برای حل و فصل مناقشات ارضی موجود بین دو کشور به پای میز مذاکره بازگردد. در همین رابطه، وزارت امور خارجه آرژانتین با صدور

توطئه واشنگتن در آمریکای لاتین؛ از «عملیات کندور» تا «انتخابات»

مهدی ذوالفقاری



عملیات مشترکی با همکاری عوامل دست نشانده آمریکا در کشورهای شیلی، آرژانتین، برزیل و اوروگوئه با عنوان «عملیات کندور» در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی تحت فرماندهی آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» آغاز گردید و در نتیجه ده ها تن از فعالان چپ در کشورهای مختلف منطقه از جمله در برزیل، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه و پاراگوئه توسط دولت های تحت حمایت آمریکا، به زندان افتاده و یا به قتل رسیدند.

در ادامه این خط سیر، نباید کودتای آمریکایی سال ۲۰۰۳ علیه هوگو چاوز رئیس جمهور پیشین ونزوئلا را از یاد برد. «جیمی کارتر» رئیس جمهور اسبق آمریکا در ۳۰ شهریور سال ۱۳۸۸ در گفتگو با روزنامه کلمبیایی «ال تیمبو» در این باره اذعان کرد: فکر می کنم هیچ شکی وجود ندارد که آمریکا در کودتای سال ۲۰۰۳ در ونزوئلا نقش داشته است؛ کودتایی که دوام آن تنها به مدت ۴۸ ساعت بود.

اما پس از تداوم روند به قدرت رسیدن رهبران استقلال طلب چپ گرا و تشدید آن پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، دیگر آمریکا نمی توانست با تمسک به دسیسه های قدیمی از قبیل کودتا به براندازی آن ها اقدام نماید؛ چرا که تعداد این کشورها افزایش یافته و همچنین برخی کشورهای مهم در آمریکای لاتین مانند ونزوئلا با استفاده از تفوق منابع درآمدی حاصل از منابع غنی انرژی به اتحاد دولت های چپگرا در این حوزه اهتمام می ورزیدند؛ شکستی که علیرغم اثبات آن به آمریکا متعاقب کودتای ۴۸ ساعته ونزوئلا با بهانه درگیر شدن در جنگ فروزی های خاورمیانه ای مورد توجیه واشنگتن قرار گرفت تا به صورت موقت توجهات را از دسیسه چینی های جدید تر سردمداران آمریکایی منحرف نماید.

از عوامل دیگر استمرار روند پیروزی های مخالفان لیبرالیسم آمریکایی می توان به رشد سریع اقتصاد چین و نیازمندی شدید این کشور به مواد اولیه و گسترش مناسبات آن ها در حوزه تسلیحاتی و انرژی با روسیه و همچنین ایران به عنوان کشور مبارز با سلطه طلبی آمریکا نام برد؛ اقداماتی که در نهایت قریب به سه چهارم از جمعیت ۳۵۰ میلیون نفری آمریکای لاتین را تحت پوشش دولت های چپ گرا قرار داد و از سویی آن ها را به سمت توسعه مناسبات گسترده ای پیش برد تا جاییکه توانستند به حدی از رشد اقتصادی برسند که سیاست های حمایت اجتماعی را با موفقیت به اجرا درآورده و از همه مهمتر اینکه در سال های اخیر، آن ها را در زمره کشورهای قرار دهد که کمترین آسیب پذیری را از بحران جهانی اقتصاد داشته اند.

آمریکا با حصول اطمینان از ناتوانی در استفاده از ابزارهای سنتی خود برای متلاشی کردن محور چپ گرایان در آمریکای لاتین، آرام آرام روند خزنده ای را برای مقابله با آن ها به کار برد. آمریکا این بار به شکلی کاملا حساب شده به توطئه چینی علیه چپ گرایان در آمریکای لاتین پرداخت. نقشه جدید واشنگتن بر اساس ایجاد

واشنگتن برای تسلط بر آمریکای لاتین طرح «عملیات کندور» را در این حوزه به اجرا درآورد اما پس از شکست، اکنون به کودتایی آرام موسوم به «نتیجه حاصل از آراء انتخابات» علیه چپ گرایان متوسل شده است.

موج گستره چپ گرایی در کشورهای آمریکای لاتین که در دهه های پیش و با محوریت مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری در کشورهای مهمی از این حوزه آغاز شده بود با به قدرت رسیدن دولت های برخوردار از آراء گسترده مردمی در این کشورها آن چنان قوت گرفت که پیکره عظیم و یکپارچه ای را علیه نفوذ حامیان سرمایه داری محض به سرکردگی آمریکا به وجود آورد به گونه ای که کشورهایی که زمانی تحت سلطه نظامیان به عنوان حیات خلوت آمریکا تلقی شده و برای این کشور حاشیه امنی را مهیا ساخته بودند، دیگر سرسپردگی دوران سلطه و استعمار را ابراز نداشته و حافظ منافع کارتل های اقتصادی و سیاسی آمریکا به شمار نمی آمدند.

روند تکوینی این مسیر را می توان در نمونه های زیر به خوبی اثبات کرد: «فیدل کاسترو» از ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۸ در کوبا، «سالوادور آند» در سال ۱۹۷۰ در شیلی؛ «هوگو چاوز» در سال ۱۹۹۹، به قدرت رسیدن حزب چپ گرای «ساندنیست» های نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۹، «لولا داسیلوا» در سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ و سپس «دیلما روسف» از ۲۰۱۱ تاکنون در برزیل، «ستور کرچنر» از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ و سپس همسرش «کریستینا کرچنر» از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ در آرژانتین، «تاباره واسکز» در اروگوئه از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ و از ماه مارس ۲۰۱۵ تا کنون، «خوزه موخیکا» در اروگوئه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، «میشله باشلت» در شیلی از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و از ماه مارس ۲۰۱۴ تاکنون، «فرناندو لوگو مندز» رئیس جمهور پاراگوئه از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، «وو مورالس» در بولیوی از ۲۰۰۶ تاکنون و «رافائل کوره» در اکوادور از ۲۰۰۶ تا کنون. همه و همه دارای وجه مشترکی به نام گرایش چپ گرایانه و سوسیالیستی بوده و پرچم مبارزه با رویای سلطه بلامناع آمریکا بر کشورهای خود در آمریکای لاتین را آشفته ساخته اند.

اما آمریکا نیز در این میان بی کار ننشست و به شیوه معمول این کشور در روبه مقابله با حاکمیت های استقلال طلب، دسیسه های گوناگونی را در مبارزه با آن ها طراحی و آزمایش کرد. در کودتای موفق آمریکا علیه سالوادور آند رئیس جمهور شیلی که تنها سه سال پس از به قدرت رسیدن وی با آراء چشم گیر مردمی به اجرا درآمد، ژنرال «اگوستو پینوشه» در سال ۱۹۷۳ و در جریان یک کودتای نظامی خونین به قدرت رسید و سالوادور آند را نیز به قتل رساند. براندازی آند زمانی محقق شد که آمریکا مجال هیچگونه استقلال طلبی را به کشورهای این حوزه نمی داد و سیل چپ گرایان هنوز مانند زمان حال، گریبان آمریکا را نشنوده بود. لذا پس از براندازی دولت منتخب سالوادور آند در شیلی،

محدودیت های اقتصادی در این کشورها و

دامن زدن به نارضایتی های عمومی علیه حکام منتخب خودشان سازماندهی شده است. قرار است با ایجاد سونامی مشکلات متعدد به ویژه در حوزه رفاهی و اقتصادی، مردم را به اعتراضات وسیع علیه دولت های خود ترغیب کنند تا این دولت ها آرام آرام حمایت های منشعب از آراء مردمی را در فرایند انتخابات از دست دهند. آمریکا نیز با استفاده از فضای موجود خواهد توانست کاملاً به صورت عادی حامیان خود را به قدرت برساند. برخی از کارشناسان حوزه بین الملل این کودتای خاموش را «نتیجه حاصل از آراء انتخابات» نامگذاری و ابزارهای تبلیغاتی رسیدن آمریکا به اهداف خود در این مسیر را دموکراسی، آراء مردم، اقتصاد باز، گسترش همکاری با قدرت ها، رفاه اقتصادی و اجتماعی بیشتر و ... بیان کرده اند.

تحقق توطئه جدید آمریکا مستلزم فراهم آوردن بستری بود که به مرور زمان زیرساخت های لازم برای کاهش حمایت های مردمی از دولت های چپ گرا را به گونه ای مهیا کند که نتایج انتخابات در کشورهای آمریکای لاتین گویای شکست دولت های ضد امپریالیستی باشند؛ به این شکل تردید کمتری نیز به ادامه نقش آفرینی های مختلف و وسیع آمریکا به وجود خواهد آمد. بسترسازی آمریکایی ها در این مسیر شوم طیف عظیمی از ابزارها را به خدمت گرفته است؛ از دستور به برخی مرجعین عربی برای کاهش شدید قیمت نفت با هدف تأثیرگذاری بر اقتصاد این حوزه تا تزریق مبالغ هنگفتی پول و سرمایه گذاری رسانه ای هدفمند برای القاء مضامین لیبرالیسم را تنها نمونه هایی از سیل گسترده هجوم آرام و خاموش غرب می توان بر شمرد.

اما در این میان برخی از سران کشورهای آمریکای لاتین که در شناسایی دسیسه چینی های آمریکا در این مسیر از تجربه کافی در ادبیات پیشین استعماری ایالات متحده برخوردار بودند، نسبت به خیزش آرام توطئه لیبرالیسم برای تحت الشعاع قرار دادن دست آوردهای آزادیخواهانه کشورهای این حوزه هشدارهای لازم را داده بودند.

«رافائل کوره» رئیس جمهور اکوادور ۱۶ مرداد ماه سال جاری در جریان یک سخنرانی از وقوع جنگ سرد جدیدی علیه چپگرایان آمریکای لاتین برای براندازی آنها خبر داده و با هشدار در این باره گفته بود: هدف این جنگ، احیای محافظه کاران و از بین بردن دولت های چپگرا در

محدودیت های اقتصادی در این کشورها و

دامن زدن به نارضایتی های عمومی علیه حکام منتخب خودشان سازماندهی شده است. قرار است با ایجاد سونامی مشکلات متعدد به ویژه در حوزه رفاهی و اقتصادی، مردم را به اعتراضات وسیع علیه دولت های خود ترغیب کنند تا این دولت ها آرام آرام حمایت های منشعب از آراء مردمی را در فرایند انتخابات از دست دهند. آمریکا نیز با استفاده از فضای موجود خواهد توانست کاملاً به صورت عادی حامیان خود را به قدرت برساند. برخی از کارشناسان حوزه بین الملل این کودتای خاموش را «نتیجه حاصل از آراء انتخابات» نامگذاری و ابزارهای تبلیغاتی رسیدن آمریکا به اهداف خود در این مسیر را دموکراسی، آراء مردم، اقتصاد باز، گسترش همکاری با قدرت ها، رفاه اقتصادی و اجتماعی بیشتر و ... بیان کرده اند.

تحقق توطئه جدید آمریکا مستلزم فراهم آوردن بستری بود که به مرور زمان زیرساخت های لازم برای کاهش حمایت های مردمی از دولت های چپ گرا را به گونه ای مهیا کند که نتایج انتخابات در کشورهای آمریکای لاتین گویای شکست دولت های ضد امپریالیستی باشند؛ به این شکل تردید کمتری نیز به ادامه نقش آفرینی های مختلف و وسیع آمریکا به وجود خواهد آمد. بسترسازی آمریکایی ها در این مسیر شوم طیف عظیمی از ابزارها را به خدمت گرفته است؛ از دستور به برخی مرجعین عربی برای کاهش شدید قیمت نفت با هدف تأثیرگذاری بر اقتصاد این حوزه تا تزریق مبالغ هنگفتی پول و سرمایه گذاری رسانه ای هدفمند برای القاء مضامین لیبرالیسم را تنها نمونه هایی از سیل گسترده هجوم آرام و خاموش غرب می توان بر شمرد.

اما در این میان برخی از سران کشورهای آمریکای لاتین که در شناسایی دسیسه چینی های آمریکا در این مسیر از تجربه کافی در ادبیات پیشین استعماری ایالات متحده برخوردار بودند، نسبت به خیزش آرام توطئه لیبرالیسم برای تحت الشعاع قرار دادن دست آوردهای آزادیخواهانه کشورهای این حوزه هشدارهای لازم را داده بودند.

«رافائل کوره» رئیس جمهور اکوادور ۱۶ مرداد ماه سال جاری در جریان یک سخنرانی از وقوع جنگ سرد جدیدی علیه چپگرایان آمریکای لاتین برای براندازی آنها خبر داده و با هشدار در این باره گفته بود: هدف این جنگ، احیای محافظه کاران و از بین بردن دولت های چپگرا در

مؤلفه های مهمی مانند عوامل فوق باعث شدند تا چپگرایان استقلال گرا در برخی از کشورهای آمریکای لاتین بخشی از کامیابی های خود را در انتخابات اخیر از دست داده و ناخواسته در دور باطل جنگ خاموش آمریکا که این بار با اسم رمز «نتیجه حاصل از آراء انتخابات» علیه این حوزه طراحی شده است قرار بگیرند.

گفتگو با داوونپورت:

سیاست آمریکا در قبال کره شمالی باید تغییر کند/عدم کارایی تحریم

مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا با اشاره به انجام آزمایش بمب هیدروژنی توسط کره شمالی عنوان داشت که آمریکا برای پایان دادن به تهدیدهای ناشی از این امر باید سیاست خود را تغییر دهد.

هر چند کشورهای غربی هنوز درباره آزمایش بمب هیدروژنی توسط کره شمالی و صحت این خبر با تردید سخن می گویند اما این امر موجب هراس کشورهای غربی به ویژه آمریکا شده بطوریکه واشنگتن اقدام به اعمال دور تازه ای از تحریم ها علیه پیونگ یانگ نموده است.

علاوه بر این اقدام آمریکا در به پرواز درآوردن جنگنده های بی-۵۲ بر فراز کره جنوبی برای هشدار دادن به کره شمالی نشان داد که آمریکا وارد نوعی تقابل شده و گزارش روز چهارشنبه نیویورک تایمز درباره آماده شدن آمریکا برای آزمایش هسته ای نیز این موضوع را به نوعی ثابت کرد.

در همین رابطه برای تشریح بهتر تحولات بوجود آمده بعد از آزمایش بمب هیدروژنی با «کلسی داوونپورت» مدیر بخش خلع سلاح انجمن کنترل سلاح آمریکا، به گفتگو نشستیم که مشروح آن به شرح زیر است:



|| کره شمالی از آزمایش بمب هیدروژنی خبر داد. شما این موضوع را چطور ارزیابی می کنید؟

صرف نظر از اینکه بمبی که کره شمالی آزمایش کرده چه نوع بمبی بوده، این چهارمین آزمایش هسته ای کره شمالی است که نشان می دهد دانش فنی کره شمالی در طراحی هسته ای پیشرفت کرده است. کره شمالی اخیراً موشک بالستیکی را که توانایی رسیدن تا خاک ایالات متحده داشته باشد آزمایش نکرده است. این کشور همچنین موشک قاره پیمای بالستیک خود موسوم به آی سی بی ام را نیز آزمایش نکرده است. عدم آزمایش این موشک به دلیل مشکلات فنی بوده که پیونگ یانگ با آنها مواجه است. مواردی همچون سوار کردن کلاهک های هسته ای سبک بر روی این موشک، طراحی موتور این موشک برای ورود مجدد اجسام و یا تأیید صحت آزمایش آن مواردی هستند که کره شمالی باید به آنها پاسخ بدهد.

کره شمالی تنها کشوری است که در قرن حاضر اقدام به آزمایش هسته ای کرده و این در حالی است که این کشور هنوز پیمان ۱۹۹۶ جامع منع آزمایش های هسته ای (سی تی بی تی) را امضا نکرده؛ پیمانی که به موجب قطعنامه های شورای امنیت آزمایش های هسته ای را ممنوع کرده است. آزمایش های قبلی این کشور منجر به تحریم آن و انجام انتقادهای بین المللی از این کشور شد. این بار نیز شورای امنیت برای بررسی این موضوع تشکیل جلسه می دهد اما باید این نکته را یادآور شوم که این کار نتیجه خاصی دربر نخواهد داشت. اعمال تحریم های

بیشتر علیه کره شمالی فقط از لحاظ سیاسی کاربرد دارند اما اجرای صحیح و قدرتمند تحریم های فعلی و سختگیری در مورد اینکه کشورهایی که با برنامه هسته ای کره شمالی در ارتباط هستند با تنبیهاتی مواجه می شوند بیشترین کاربرد را خواهد داشت.

|| آمریکا در واکنش به این اقدام کره شمالی، تحریم های جدیدی اعمال کرده است. آیا این قبیل اقدامات می تواند کره شمالی را متوقف کند؟

تحریم به تنهایی نمی تواند بحران هسته ای کره شمالی را حل کند. «باراک اوباما» رئیس جمهور فعلی آمریکا و رئیس جمهور آتی این کشور می توانند و باید آماده انجام اقدامات موثر در خصوص استراتژی بین المللی برای مقابله با تهدید هسته ای کره شمالی باشند.

سیاست جدید می تواند با آغاز این نکته باشد که این موضوع را به رسمیت بشناسیم که بدون یک روش دیپلماتیک موثر و احیا شده برای نزدیک شدن به کره شمالی نمی توان آمیدی به متوقف شدن برنامه موشکی این کشور داشت. اگر غیر از این باشد کره شمالی احتمالاً به توسعه برنامه هسته ای و موشکی خود می پردازد. در این میان مذاکرات آمریکا و کره شمالی بر روی شرایط آغاز مذاکرات هسته ای چانه زنی و اصرار زیادی دارند و واشنگتن بر این امر اصرار دارد که کره شمالی این نکته را روشن سازد که از تکرار رفتارهای خود در سال ۲۰۰۵ که منجر به نیمه تمام ماندن مذاکرات خلع سلاح هسته ای شد خودداری می کند.

در این رابطه می توان به مذاکرات کشورهای ۵+۱ با ایران که منجر به یک نتیجه برد-برد شد اشاره کرد.

|| آیا آمریکا نباید سیاستهای خصمانه خود علیه کره شمالی را متوقف کرده و دیپلماسی را به عنوان یگانه راه حل ممکن در نظر بگیرد؟

کشورهای جهان نیز باید از طریق سازمان ملل به آزمایش جدید کره شمالی واکنش نشان دهند و قدرت های بزرگ نیز برای اجرای معاهده ۱۹۹۶ سی تی بی تی تلاش کنند. اگر برنامه موشکی و هسته ای کره شمالی بدون پاسخ بماند و اگر کشورهای بزرگ تلاش های جهانی برای ممنوعیت آزمایش های هسته ای را احیا نکنند تهدید ناشی از آزمایش های هسته ای افزایش یافته و ممکن است در سال های آینده کشورهای دیگری نیز دست به این کار بزنند. بر همین اساس زمان آن رسیده که آمریکا درباره سیاست های خود در قبال کره شمالی تجدید نظر کرده و این امر را رهبری کند که کشورها تعهدات خود به سی تی بی تی را انجام دهند و یک تابوی جهانی برای آزمایش های هسته ای بوجود بیاید. تلاش های احیا شده برای مذاکره جهت توقف آزمایش های هسته ای و موشکی کره شمالی موجب توقف پیشرفت های این کشور در این حوزه ها شده و به آمریکا و متحدان آن نیز این فرصت را می دهد که برای رسیدن به یک توافق جامع با کره شمالی زمان کافی در اختیار داشته باشند.